

دعوت به برگزاری مراسم اول ماه مه در تهران

دعوت مشترک کروی و موسوی

از مردم برای حضور در راهپیمایی ۲۲ خرداد، سهام نیوز

موسوی از هیئت موسس دانشگاه آزاد کنار گذاشته شد
نامه یک زندانی سیاسی محکوم به اعدام مهدی اسلامیان به دبیر کل ملل متحد
کیوان ستاره شد: هفت روز از درگذشت کیوان ستاره دانشگاه ایرانشهر گذشت
سه فعال صنفی معلمان در آستانه روز معلم بازداشت شدند
مهدی کلاری، دانشجوی المپادی دانشگاه شریف به زندان برگردانده شد
نوید خانجانی و دیگر فعالان حق تحصیل را آزاد کنید: بیانیه‌ی بیش از ۵۰۰ نفر از شهروندان و فعالان

افزایش "درز" اطلاعات محرمانه از ایران به غرب

خامنه‌ای: با افرادی که چهره جامعه را از نجابت و عفاف خارج می‌کنند، برخورد شود
دختر هوشنگ امیراحمدی پیمانکار بزرگ دولت برای ساخت بزرگ‌ترین هتل و سالن در کیش شد
رئیس چهار ساله به جای رییس دائمی

مرتضی نبوی: جنگ نرم جدی است، باید آن را جدی گرفت

پایان مهلت ترکیه برای حضور در پارس جنوبی / مهلت یک هفته‌ای شل و رپسول

معاون وزیر راه و ترابری: ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهیم

تلاش‌های بی‌نتیجه متکی در وین برای جلوگیری از تحریم‌ها

دلایل واقعی افت سرعت اینترنت کم شده است؛

لطفا پای خود را از روی کابل بردارید

آخرین گزارشات

مقالات و مصاحبه‌ها در این شماره :

۱۲	با "قانون اساسی جمهوری اسلامی" چه باید کرد؟ محسن کدیور
۱۵	کرسی آسیا در کمیسیون مقام زن، با زد و بند فرشته قاضی
۱۶	افزایش جمعیت و فقر اسماعیل گرامی مقدم
۱۷	مانیفست فرزاد عارف نادری
۱۸	شادی صدر - حقوقدان و فعال حقوق زنان شادی صدر

با سپاس از همکاری سایت اخبار روز

www.akhbar-rooz.com

شماره‌ی ۳۱

۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹



INFO.MABISHOMARIM@GOOGLEMAIL.COM

سبز یعنی وطن

تهیه و تنظیم:

شهلا بهار دوست

قصه!

منظر حسینی

پیش در آمدی بر آنسوی پرده در گفتمان این سو

ناصر پسانیده

دمکراسی و آزادی زمانی به ثمر می‌رسد که فضای شکوفایی و رشد اندیشه‌ها در جامعه مان‌پدید آید. ما باید یاد بگیریم تا با احترام متقابل به دگر اندیشان با هم وارد دیالوگ شویم و در جهت ارتقاء جامعه و رسیدن به آنچه که خواهانش هستیم تلاش کنیم. حذف دیگران و نادیده گرفتن خواسته‌های آنان ثمری جز پیشروی استبداد ندارد. با آگاهی به نیازهای جامعه و جدی گرفتن خراسته‌های خلقها در کشورمان و فراهم آوردن امکانات یکسان برای رشد کودکانمان و برابری اجتماعی و حقوقی زنان و مردانمان است که به ایرانی آباد و آزاد خواهیم رسید.

خبرها

خامنه‌ای: با افرادی که چهره جامعه را از نجابت و عفاف

خارج می‌کنند، برخورد شود

رادیو فردا :

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روز یکشنبه خواستار برخورد با برخی افراد شد، که به گفته او، «تعمداً یا از روی بی‌توجهی، چهره جامعه را از لحاظ دینی، از نجابت و عفاف خارج می‌کنند.»

به گزارش خبرگزاری‌ها در ایران، آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، بر ادامه هماهنگی میان نیروی انتظامی و وزارت کشور تأکید کرد.

در ماه‌های گذشته، نیروی انتظامی همراه با بسیج و سپاه پاسداران به دلیل ضرب و شتم تظاهرکنندگان و نیز شکنجه بازداشت‌شدگان مورد انتقاد سازمان‌های مدافع حقوق بشر قرار داشته است.

رهبر جمهوری اسلامی، وظیفه اصلی نیروی انتظامی را «مقابله با فساد اعم از بی‌نظمی، اغتشاش‌گری، قاچاق، دزدی، ناامنی و مواد مخدر» دانست و در ضمن خواستار حفظ اقتدار این نیرو در مقابل دیدگان مردم و در عین حال، محبت و صمیمیت با مردم شد.

نامه یک زندانی سیاسی محکوم به اعدام مهدی اسلامیان به

دبیر کل ملل متحد

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

ریاست محترم سازمان ملل متحد جناب آقای بان کی مون، با سلام و نهایت ادب و احترام خدمت شما ریاست محترم سازمان ملل به استحضار حضرت عالی می‌رسانم اینجانب مهدی اسلامیان روشنفکر و مدافع حقوق بشر و زندانی سیاسی که مدت 2 سال است بی‌گناه تحمل حبس می‌نمایم و مدت یک سال است در سلولهای مخوف و انفرادی بند 209 زندان اوین زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار داشتم و تمامی این سختیها را به جرم برادر بودن متحمل شدم.

طبق گفته‌های نادرست معاون امنیت دادستان دادگاه انقلاب پایتخت ایران تهران به اتهام محاربه، افساد فی‌ارض، عضویت در انجمن پادشاهی، تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، کمک مالی مؤثر به گروه‌های ضد انقلاب بی‌دلیل و بدون هیچ دلیل و مدرکی و اعترافی توسط قاضی به اعدام محکوم شدم.

و هم اکنون در برابر چوبه دار ایستاده‌ام و سه نفر از هم‌بندانم بخصوص برادر کوچکم (محسن اسلامیان 19 ساله) در تاریخ 1388/2/21 در شیراز اعدام شدند و مابقی هم‌بندانم در زندان اوین بدون هیچ دلیل و مدرکی متحمل کیفر شدیم.

در این مدت که در انفرادیهای زندان اوین بودم شبها از صدای ناله‌های دختران و پسران از خواب بیدار می‌شدم و تا صبح همراه با داد و فریادهای این مظلومان با خدای خود راز و نیاز می‌کردم و می‌گفتم خدایا کجایی؟ آیا تو هستی؟ در این مدت که در 209 اوین بودم متحمل شکنجه‌های زیادی شدم که گاهی اوقات از شدت شکنجه خود را با سر به دیوار می‌کوبیدم و بارها و بارها صدای غل و زنجیر جوانان این مرز و بوم را می‌شنیدم که از این سالن به آن سالن می‌رفتند.

مدت چهار ماه که در بند عمومی زندان اوین بودم. جوانانی را برای مداوا به بهداری می‌آوردند که همگی خردسال یا جوان بودند و به خاطر تجمعات بعد از انتخابات بشدت شکنجه شده بودند و تمام صورت و بدن آنها متورم و کبود بود که دل هر آزاده‌ای به درد می‌آورد. هر روزی که بنده به بهداری می‌رفتم دختران نوجوان را می‌دیدم که همگی بچه بودند و با لباس کاملاً پوشیده و چهره ترسیده و مضطرب آنها را می‌دیدم.

آقای بان کی مون آیا حق ما جوانان ایران از زندگی این است؟ آیا خداوند ما را برای زجر کشیدن آفریده است؟ آیا شما که نماینده تمام کشورهای دنیا هستید و برای بازدید از کشور عزیزمان ایران قصد دارید بیایید. آیا از زندانهای مثل اوین و رجائی شهر برای رسیدن به حقیقت بازدید خواهید کرد؟ آیا دین خود را به خدا و فعالین حقوق بشر و مردم همانگونه که قسم خورده‌اید ادا می‌کنید؟

افزایش "دورز" اطلاعات محرمانه از ایران به غرب

بی بی سی :

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گزارش داده است که تعداد بیشتری از مقام‌ها و کارشناس‌های ایرانی در ماه‌های گذشته اطلاعات محرمانه‌ای از برنامه اتمی این کشور را در اختیار غرب قرار داده‌اند.

هم‌زمان، یک مقام اسرائیلی اعلام کرده یکی از کارشناسان اتمی ایران از اسرائیل درخواست پناهندگی کرده است.

واشنگتن پست یکشنبه، پنجم اردیبهشت (۲۵ آوریل) نوشت وقایع پس از انتخابات سال گذشته ایران موجب شده است که تعدادی از افراد مرتبط با جمهوری اسلامی که با محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری ایران مخالفند به جاسوسی علیه ایران یا پناهنده شدن به کشورهای دیگر روی بیاورند.

این روزنامه به پناهندگی محمد رضا حیدری، دیپلمات ایرانی در نروژ اشاره می‌کند و می‌نویسد، موارد مشابه دیگری نیز به وقوع پیوسته که هنوز اعلام نشده است.

در همین رابطه، ایوب قرا، سیاستمدار "دورز" از حزب لیکود و عضو پارلمان اسرائیل، روز شنبه گفت که یکی از کارشناس‌های مرتبط با برنامه اتمی ایران خواهان پناهندگی به اسرائیل شده است.

دولت اسرائیل هنوز رسماً درباره این ادعا اظهار نظر نکرده است.

به گفته سیاستمدار اسرائیلی، متخصص ایرانی اکنون در یک "کشور دوست" بسر می‌برد.

واشنگتن پست به نقل از منابع اطلاعاتی که خواسته‌اند ناشناس باقی بمانند نوشته است، بیشتر اطلاعات جدید راجع به برنامه اتمی ایران توسط متخصصان یا افراد مرتبط با برنامه‌های نظامی ایران تأمین شده است.

به نوشته واشنگتن پست، دریافت اطلاعات بیشتر یکی از دلایل تأخیر در انتشار گزارش "ارزیابی" جدید نهادهای اطلاعاتی آمریکا درباره وضعیت برنامه اتمی ایران است.

نهادهای اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷ میلادی با انتشار گزارشی اعلام کردند ایران کار طراحی سلاح‌های اتمی و بخش تسلیحاتی کردن برنامه اتمی‌اش را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد از سر نگرفته است.

ایران اتهام تلاش برای تولید بمب اتمی را رد می‌کند و می‌گوید تمام جوانب برنامه هسته‌ای این کشور صلح‌آمیز است.

شبکه خبری ای بی بی سی آمریکا در ماه مارس خبر داد که شهرام امیری، کارشناس هسته‌ای ایرانی که سال گذشته در جریان سفر زیارتی به عربستان سعودی ناپدید شده بود، در آمریکا به سر می‌برد و با نهادهای امنیتی این کشور همکاری دارد.

بر اساس این گزارش، پناهندگی شهرام امیری به آمریکا حاصل اقدام‌های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای ترغیب او به فرار از ایران و سکونت در ایالات متحده بوده است.

دولت آمریکا از تأیید یا رد این خبر خودداری کرده است.

منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران، پیشتر آمریکا را به دست داشتن در "گم شدن" شهرام امیری متهم کرده بود.

سه فعال صنفی معلمان در آستانه روز معلم بازداشت شدند

کلمه:

سه نفر از معلمان و فعالان صنفی معلمان توسط اداره اطلاعات همدان بازداشت شدند.

به گزارش کلمه، براساس گزارش‌های دریافتی، اطلاعات همدان از آقایان علی نجفی و محمدخانی و سعید جهان‌آرا طی تماس‌های تلفنی به صورت جداگانه خواسته شده بود که خود را ساعت ۸ صبح روز شنبه به اداره اطلاعات معرفی نمایند.

این افراد با حضور در اداره اطلاعات همدان با بازجویی‌های طولانی مواجه شدند و در نهایت به بازداشتگاه‌های انفرادی اداره اطلاعات منتقل شدند و تا زمان مخابره این خبر از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست.

موسوی از هیئت موسس دانشگاه آزاد کنار گذاشته شد

مردمک:

محمود احمدی‌نژاد اساسنامه جدید دانشگاه آزاد اسلامی را ابلاغ کرده است که بر اساس آن میرحسین موسوی از هیئت موسس این دانشگاه کنار گذاشته شده و دوره ریاست این دانشگاه نیز 4 ساله شده است.

این اساسنامه جدید که از چهار سال پیش و با سر کار آمدن دولت نهم اصلاح آن در دستور شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته بود، هفته گذشته سرانجام در این شورا تصویب و توسط رئیس‌جمهوری برای اجرا ابلاغ شد. با توجه به اساسنامه جدیدی که آقای احمدی‌نژاد آن را ابلاغ کرده است، نام میرحسین موسوی از هیئت موسس 9 نفره حذف شده و این هیئت به 8 نفر تقلیل پیدا کرده است.

میرحسین موسوی یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد 88 است که به نحوه برگزاری و نتایج اعلام‌شده این انتخابات اعتراض دارد.

به گزارش ایسنا، در اساسنامه جدید دانشگاه آزاد اسلامی، هیئت موسس این دانشگاه شامل اکبر هاشمی رفسنجانی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، عبدالله جاسبی، علی‌اکبر ولایتی، حسن حبیبی، سیدحسین خمینی، محسن قمی و حمید میرزاده است.

هیئت موسس اولیه این دانشگاه شامل آیت‌الله علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، سید احمد خمینی، میرحسین موسوی و عبدالله جاسبی بود که پس از درگذشت احمد خمینی و به رهبری رسیدن آیت‌الله خامنه‌ای، این هیئت موسس عملاً به چهار نفر باقی‌مانده محدود شد.

در شهریورماه سال 86 اعلام شد علی‌اکبر ولایتی، حسن حبیبی، محسن قمی، حمید میرزاده و سید حسن خمینی نیز به این چهار نفر اضافه شده است.

رئیس چهار ساله به جای رئیس دائمی

همچنین براساس ماده 13 اساسنامه اصلاحی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به پیشنهاد هیئت امناء و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی و حکم رئیس هیات امناء برای مدت 4 سال منصوب می‌شود.

اگر بیش از دوسوم اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، قائل به فقدان صلاحیت رئیس دانشگاه باشند، هیات امناء مکلف به عزل او و معرفی فرد جایگزین است. از زمان تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی تا کنون، عبدالله جاسبی رئیس آن بوده است.

دانشگاه آزاد اسلامی یکی از موضوعات تمرکز شعارها و تبلیغات انتخابات محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال 84 و پس از آن بوده است. حامیان دولت و دیگر منتقدان عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی، این مجموعه را یکی از بازوهای اقتصادی و اجتماعی اکبر هاشمی رفسنجانی می‌دانند.

حمایت علنی عبدالله جاسبی از نامزدی اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات 84 و سپس حمایت تلویحی او از میرحسین موسوی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال 88، انتقاد حامیان دولت نسبت به او را افزایش داده است. آنان از جمله آقای جاسبی را متهم می‌کنند که امکانات دانشگاه آزاد را در اختیار ستاد تبلیغاتی آقای موسوی قرار داده بود.

این اساسنامه در هفت جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود و سرانجام در جلسه 24 فروردین ماه به تصویب نهایی رسید. کریم زارع، معاون پارلمانی دانشگاه آزاد اسلامی خبر داده است که در مورد راهکارها و زمان اجرای اساسنامه در اولین جلسه هیات امناء که اوایل خردادماه برگزار می‌شود تصمیم‌گیری خواهد شد.

آقای زارع که عضو هیات امناء دانشگاه آزاد اسلامی نیز هست، شهریورماه اموال و دارایی‌های این دانشگاه با موافقت «سال گذشته اعلام کرده بود که «آیت‌الله خامنه‌ای وقف شده است»

او تأکید کرده بود که این وقف به این خاطر صورت گرفته است که تا در صورت انحلال این دانشگاه، دارایی‌های آن در اختیار نهاد دیگری قرار نگیرد.

با این حال دفتر رهبر جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که موافقتی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای وقف اموال دانشگاه آزاد اسلامی صادر نشده است. پس از آن اکبر هاشمی رفسنجانی که رئیس هیات امناء دانشگاه آزاد است، گفت کرده و «استفتا» که درباره وقف دارایی‌های دانشگاه آزاد از آیت‌الله خامنه‌ای موافقت او را گرفته است.

آقای بان کی مون بنده بخاطر دفاع از حقوق زندانیان حدود 8 ماه است که به زندان رجائی شهر تبعید کردند و در اینجا بارها و بارها نقض حقوق بشر را مشاهده کردم. بهداشت، درمان، آب و غذا در اینجا بسیار وضعیت اسفناکی دارد. آب آشامیدنی اینجا کاملاً گل آلود و کثیف است. از نظر بهداشت و درمان بسیار در مضیقه هستیم. دکترهای متخصص در این زندان برای مداوی زندانی وجود ندارد و بارها و بارها دیده‌ام که کسانی که به دنبال حق و حقوق خود هستند بشدت از طرف مأمورین زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و دیده‌ام که هنگامی کسی را می‌خواهند به سلول انفرادی منتقل کنند با دستبند و پابند وی را به سلول انتقال می‌کنند و بارها و بارها مشاهده شده بخاطر اشتباهات روسای زندان بشدت با هم درگیر شدند و تا پای مرگ با هم جنگیدند در اینجا اگر کسی به مداوی اورژانسی احتیاج داشته باشد چنین امکانی وجود ندارد که متأسفانه ممکن است به مرگ تبدیل شود.

در چندین مورد مثل روز دوشنبه 30/01/1389 یکی از هم‌زنجیرانمان مورد ضرب و شتم بسیار شدیدی قرار گرفت و بشدت دست و پای وی و بدن او مصدوم شد. آیا این است دفاع از حقوق بشر و دفاع از حقوق زندانیان و حتی آب و حتی اینکه آب آشامیدنی زندان از چاهایی تأمین می‌شود که در کنار این چاه‌ها کانالهای فاضل آب عبور کرده است و دائماً زندانیان با مشکل سنگ کلیه و سنگ مثانه مبتلا هستند و دارویی هم برای درمان سنگ کلیه این عزیزان وجود ندارد و اگر کسی به هر عنوان بدنش زخمی شود و احتیاج به درمان و زدن بخیه داشته باشد باید هزینه آن را که بسیار کزاف است خود پرداخت کند و اگر نه مداوا نمی‌شود و همچنین به خاطر هتک حرمت زندانیان و نرسیدن به معالجه به موقع اعصاب و روان آنها با مشکلات کاملاً جدی روبرو می‌شوند. لذا از شما ریاست محترم سازمان ملل متحد که برای بازدید از کشور باستانی ایران عزیزمان دیدن می‌فرمایید خواهشمندم برای حل پاره‌ای از مشکلات زندانیان رجائی شهر کرج دیدن فرمایید شاید دیدن شما از این زندان مشکلات زیادی از زندانیان در بند این زندان بخصوص زندانیان سیاسی تا حدودی برطرف شود از اینکه از کشور باستانی و عزیز ایران قصد دیدار دارید کمال سپاسگزاری را دارم.

زندانی سیاسی مهدی اسلامیان

سالن 1 بند 1 زندان گوهردشت کرج

02 اردیبهشت / 1389

گزارش فوق به دبیر کل سازمان ملل ارسال گردید

کیوان ستاره شد:

هفت روز از درگذشت کیوان ستاره دانشگاه ایرانشهر گذشت

درد و آزار شکنجه چند روزی بیش نیست راز دار خلق اگر باشی همیشه زنده ای

<http://www.daftarha.com/>

دفترها:

جسد کیوان گودرزی، دانشجوی دانشگاه ایرانشهر در کنار دکل مخابراتی دانشگاه پیدا شده است. مسئولین که حالا در همه جای مملکت وظیفه توجیه جنایات رهبر را به عهده گرفته‌اند ابتدا اعلام می‌کنند کارگری به علت برق گرفتگی فوت شده است. دانشجویان که حالا در همه جای مملکت وظیفه ایستادن در مقابل گرگ‌ها را به عهده گرفته‌اند با دیدن صورت متلاشی شده مقتول در می‌یابند که قاتل بی رحمت از برق و مقتول مجرم‌تر از کارگر بوده. مسئولین که مثل مسئولین مملکت بی درنگ و احمقانه دروغ می‌گویند می‌خواهند شایعه خودکشی را قوت بخشد اما دیری است که همه می‌دانند وزارت اطلاعات و سربران گمنام در داخل دانشگاه، دانشجویان را با پرتاب از بلندی تقدیم حضرت زهرا می‌کنند. نظام هار شده است و با هر نفری که می‌برد، مسئولیت ما که مانده‌ایم بیشتر می‌شود. باید نوشت. باید فریاد زد. باید گوش فلک را کر کرد. اینگونه که جوان می‌خورد این رژیم فقط پدران و مادران را دقمرگ نمی‌کند. تپشه به ریشه‌ی کشوری می‌زند، نسلی را ریشه کن می‌کند

برکناری قلبی موسوی از فرهنگستان هنر

این نخستین تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست محمود احمدی نژاد نیست که بر اساس آن یکی از جایگاه‌های میرحسین موسوی از او گرفته می‌شود.

پیش از این در آغاز دی ماه ۸۸، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، میرحسین موسوی از ریاست فرهنگستان هنر برکنار شده بود. میرحسین موسوی از ابتدای تاسیس این فرهنگستان به عنوان رئیس فرهنگستان هنر فعالیت خود را آغاز کرده بود. در ماه‌های اخیر پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، همواره اخباری در مورد تغییر رئیس فرهنگستان هنر شنیده می‌شد.

آن زمان در رسانه‌های داخلی ایران گفته شد که محمود احمدی نژاد در حالی که برای یک سفر استانی به شیراز رفته بود، از شیراز به تهران بازگشت تا در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی حاضر باشد و پس از این جلسه، بار دیگر به شیراز بازگشت تا سفر استانی‌اش را پی بگیرد.

پیش از این نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی، دکتر ایرج فاضل را از ریاست فرهنگستان علوم پزشکی کنار گذاشته بود. فاضل از پزشکان آیت‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، و وزیر بهداشت و وزیر علوم دولت‌های اکبر هاشمی رفسنجانی بود.

او در جریان انتخابات اخیر از میرحسین موسوی حمایت کرد و پس از آن نیز در نامه‌ای سرگشاده از نحوه برخورد نیروهای حکومتی با معترضان به نتیجه انتخابات به شدت انتقاد کرده بود.

به جای دکتر ایرج فاضل، ریاست فرهنگستان پزشکی به دکتر علی‌رضا مرندی، دیگر وزیر بهداشت دولت هاشمی رفسنجانی، سپرده شد.

انتشار اسامی ۲۵۶۰ نفر از بازداشت شدگان سال ۱۳۸۸

بخش تحقیقات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با توجه به مستندات و موارد اعلام شده، هویت ۲۵۶۰ تن از بازداشت شدگان امنیتی و بخشی از قربانیان حقوق بشر در سال گزراشی را تحت عنوان اسامی بازداشت شدگان سال ۱۳۸۸ را منتشر کرده است:

این لیست تنها شامل افرادی می‌شود که در طول یکسال اخیر توسط نیروهای امنیتی و ماموران انتظامی بازداشت شده‌اند و هویت آنان نیز احراز شده است. و لیست زندانیان، محکومان و موارد مشابه، به صورت جداگانه ارائه خواهد شد.

با توجه به گسترده‌گی نقض حقوق بشر در ایران به خصوص در سال گذشته، رقم بازداشت شدگان توسط نهادهای مختلف امنیتی و لباس شخصی‌ها که اکثر آنان در وقایع پس از انتخابات در ایران (خردادماه) در اعتراضات خیابانی بازداشت شده‌اند، تعدادی بی سابقه و حدود ۱۸ هزار تن ارزیابی می‌شود. برای ملاحظه این لیست به آدرس ذیل مراجعه نمایید

<http://hra-iran.info/dw/asamiye-bazdashtiha88.pdf>

دختر هوشنگ امیراحمدی پیمانکار بزرگ دولت برای ساخت**بزرگ ترین هتل و سالن در کیش شد**

به نظر می‌رسد دیدارهای سال گذشته این چهره جنجالی با برخی از مقامات ارشد دولت اگر در عرصه روابط با آمریکا نتیجه نداد در زمینه ایجاد یک فرصت اقتصادی کلان نتیجه بخش بوده و مسئولان ساخت این هتل و پروژه ۵ ستاره را به دختر وی واگذار کردند.

به گزارش آخرین نیوز، دختر دلالت رابطه ایران با آمریکا مدیریت ساخت بزرگترین هتل و سالن ایران به منظور برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در سال ۲۰۱۲ در منطقه آزاد کیش را بر عهده دارد.

اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در سال ۲۰۱۲ به میزبانی جمهوری اسلامی ایران و در جزیره کیش برگزار می‌شود. بر همین اساس هم اکنون بزرگترین سالن اجلاس در جزیره کیش به منظور برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در حال ساخت است. برای این سالن بیش از ۳۵ اتاق به منظور اقامت سران در نظر گرفته شده و سرمایه گذاری عظیم دهها میلیاردی در حال انجام است.

بر اساس اطلاعات رسیده به آخرین نیوز دختر هوشنگ امیراحمدی دلالت بزرگ رابطه ایران با آمریکا که از شهرت بین المللی در این خصوص برخوردار است پیمانکاری این پروژه عظیم را بر عهده گرفته است. به نظر می‌رسد دیدارهای سال گذشته این چهره جنجالی با برخی از مقامات ارشد دولت اگر در عرصه روابط با آمریکا نتیجه نداد در زمینه ایجاد یک فرصت اقتصادی کلان نتیجه بخش بوده و مسئولان ساخت این هتل و پروژه ۵ ستاره را به دختر امیر احمدی واگذار کردند. بودجه این پروژه مستقیماً از سوی دولت و زیر نظر یکی از معاونان رییس جمهور تامین و مدیریت می‌شود.

گفتنی است هوشنگ امیر احمدی چندی پیش بعد از ۱۰ سال که ممنوع الورد بود به ایران بود با کمک محمود احمدی نژاد به ایران آمد و با برخی مقامات برای برقراری رابطه میان ایران و آمریکا دیدار هایی داشته است. امیر احمدی پیشتر به شهروند امروز گفته بود: «بعد از ۱۰ سال که دولت آقای خاتمی به بهانه‌های واهی مرا از حضور در ایران منع می‌کرد، آقای احمدی نژاد درخواستم برای حضور در ایران را پذیرفت و من به این سفر آمدم».

مهدی کلاری، دانشجوی المپیادی دانشگاه شریف به زندان**برگردانده شد**

با اتمام تعطیلات نوروز و درست در روز شروع امتحانات به جای مانده از ترم گذشته، وی به بازداشتگاه اوین فراخوانده می‌شود.

کلمه: مهدی کلاری، دانشجوی المپیادی کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف که در آخرین روزهای سال گذشته با قید قرار وثیقه سنگین سیصد میلیون تومانی به مرخصی آمده بود، در آخرین روز فروردین ماه در حالی که به دلیل مشکلات قلبی پیش آمده برای وی تحت مراقبت پزشک به سر می‌برد به زندان اوین فراخوانده شد و صبح روز شنبه خود را به زندان معرفی نمود.

به گزارش خبرنگار کلمه این دانشجوی سال سوم کارشناسی در روز شانزدهم آذرماه ابتدا توسط نیروهای حراست دانشگاه و نیروهای امنیتی حاضر در دانشگاه بازداشت شد و پس از بازجویی در داخل دانشگاه آزاد گردید. اما به نقل از دوستان وی پس از خروج از دانشگاه توسط دو ماشین پژو که خود را نیروهای اطلاعات و امنیتی معرفی کردند بازداشت شده و به پلیس امنیت انتقال یافت.

پس از بازجویی در آنجا به زندان اوین منتقل شده و در ایام بازجویی در انفرادی به سر برده است. به گفته وی قبل از روز عاشورا به وی و چندین نفر دیگر از دانشجویان بازداشتی گفته می‌شود که به زودی آزاد خواهند شد، اما پس از عاشورا این وعده تحقق نیافته و پرونده وی به شعبه ۲۸ تحت سرپرستی قاضی مقیسه انتقال می‌یابد.

قابل ذکر است که ۸۴ نفر از اساتید دانشکده، دوستان و هموردان او در گروه کوهنوردی دانشگاه و همکلاسی‌های وی طی نامه‌ای خطاب به ریاست محترم قوه قضاییه خواستار آزادی وی شده‌اند. علاوه بر این نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه و معاونت دانشجویی نیز در نامه‌های جداگانه‌ای خواستار تسریع در رسیدگی به پرونده وی شده‌اند و نامه‌های جداگانه‌ای نیز در سطح دانشگاه برای آزادی وی و دیگر دانشجویان درین تهیه شده است.

با این حال و علی‌رغم وجود مستندات برای موارد مطرحه در کیفرخواست و عدم قبول اتهامات وارده مبنی بر تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری توسط وی، دادگاه اولیه او را به سه سال حبس تعزیری محکوم کرده است که این حکم توسط وکیل وی مورد اعتراض قرار گرفته است.

علی‌رغم پیگیری مدام خانواده وی برای آزادی مهدی، قاضی دادگاه تا آخرین لحظه برای تبدیل قرار بازداشت به وثیقه مخالفت می‌کند و در نهایت به درخواست دادستان تهران دستور مرخصی برای وی صادر می‌گردد. اما با اتمام تعطیلات نوروز و درست در روز شروع امتحانات به جای مانده از ترم گذشته، وی به بازداشتگاه اوین فراخوانده می‌شود. لازم به توضیح است که مادر مهدی پس از شنیدن خبر احضار مجدد وی به بازداشتگاه دچار ناراحتی قلبی شده است و تحت درمان به سر می‌برد.

مرتضی نبوی: جنگ نرم جدی است، باید آن را جدی گرفت

همت و کار مضاعف فقط به معنی کار زیاد و ترمیم اقتصادی نیست/ در کشور ما وابستگی غیر اصولی به نفت وجود دارد به طوری که ما با پول نفت اقدام به گذراندن امور مملکت می‌کنیم.

ایلنا:

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد: معنی همت و کار مضاعف فقط به معنی کار زیاد و ترمیم اقتصادی نیست، بلکه در تفکر و تدبیر نیز باید همت مضاعف کرد. این تدبیر باید در مسایل کشور به کار گرفته شود تا بتوانیم در مقابل جنگ نرمی که توسط دشمنان طراحی شده مقابله کنیم.

به گزارش ایلنا، مرتضی نبوی در گردهمایی هفتگی جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار با تسلیت فرارسیدن ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) طی سخنانی درباره سال ۸۹؛ سال همت و کار مضاعف گفت: همت واژه‌ای است قرآنی که در معارف ما هم جایگاه بالا و خوبی دارد، به طوری که حضرت علی (ع) در این مورد فرمودند «یک انسان به همان مقدار ارزش، قدر و منزلت دارد که همت دارد» و این بدان معناست که انسان با داشتن همت می‌تواند جایگاه و منزلت خود را مشخص نماید. وقتی به ریشه لغوی کلمه همت مراجعه می‌کنیم به معانی مختلفی می‌رسیم؛ یکی از آن‌ها «هم و غم» می‌باشد و معنی آن این است که انسان با همت، انسانی بی خیال و بی تفاوت نیست و دارای یک دغدغه و نگرانی می‌باشد و این دغدغه جهت جلوگیری برای از دست دادن مسائل گرانبهاست، این نگرانی آن قدر شدید است که انسان را وادار می‌کند تا تمامی امکانات خود را به کار گیرد و بسیج کند تا به هدف و مقصود نهایی برسد. وی افزود: معنی دیگر همت «قصد، نیت و اراده» است، یعنی کسی که قصد می‌کند تا کاری را انجام دهد، باید در عمل نیز اراده نماید تا آن کار به سرانجام مقصود برسد. در هر حال از ترکیب معانی ذکر شده در بالا چنین بر می‌آید که انسان با همت، انسانی است مصمم که هدف خود را هدف و الایی قرار می‌دهد و بعد با اراده، سعی و تلاش می‌تواند به آن برسد که این موارد معنی سخنان حضرت امیرالمومنین می‌باشد که در ابتدا ذکر شد.

نبوی در ادامه با ذکر مثالی خاطر نشان کرد: حضرت امام خمینی (ره) در کشور ما کاری را که هیچ‌کس حتی فکرش را نمی‌کرد با اراده قوی به سر منزل مقصود رساند و یک نظام از هم گسیخته و وابسته ۲۵۰۰ ساله را تبدیل به نظام قدرتمند و پویای جمهوری اسلامی کرد. باید توجه به این نکته نیز داشت که قصد اصلی امام (ره) از انقلاب تغییر روابط پوسیده جهانی بود که در آن دولت‌های سرمایه‌دار غربی برای جهان تصمیم می‌گرفتند و آن را لازم‌الاجرا می‌دانستند. وی ادامه داد: این قصد و نیت و همت باعث شد حضرت امام خمینی (ره) در سراسر جهان داری یک منزلت و جایگاه الایی گردد و محبوبیت زیادی نیز کسب کنند، نامگذاری سال جدید نیز توسط مقام معظم رهبری نشان از تدبیر و دوراندیشی ایشان است که نشان می‌دهد اگر همت مضاعف باشد کار نیز مضاعف می‌شود و با صحبت کردن و طرح دادن بدون اجرا هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌شود.

مدیر مسوول روزنامه رسالت تصریح کرد: مردان بزرگ به جز مطرح کردن نیت خود، حرکت و جهاد کردند تا نتوانستند به هدف خود برسند. واقعیت این است که راهی که توسط امام (ره) پایه‌ریزی و آغاز و حتی باعث تحوّل شکرگف در منطقه شد، نباید رها شود و باید با یک همت و کار مضاعف این راه را ادامه داد تا به هدف نهایی برسیم. در فرهنگ اسلامی کار جزو عبادات است و کسی که در جامعه اسلامی کار و گره از مشکلات این جامعه باز می‌کند، به مثابه کسی است که در راه خدا جهاد کرده است.

وی با تاکید بر استفاده از تدبیر در سال جدید گفت: معنی همت و کار مضاعف فقط به معنی کار زیاد و ترمیم اقتصادی نیست، بلکه در تفکر و تدبیر نیز باید همت مضاعف کرد. این تدبیر باید در مسایل کشور به کار گرفته شود تا بتوانیم در مقابل جنگ نرمی که توسط دشمنان طراحی شده مقابله کنیم و شاهد آن چیزی که در مسائل بعد از انتخابات پدید آمد نباشیم.

نبوی با بیان اینکه همت و کار مضاعف هم جنبه کیفی دارد و هم کمی، اظهار داشت: هر فرد، نهاد و یا دستگاهی باید علاوه بر افزایش کمیّت کار، تدبیر و برنامه‌ریزی مناسب را انجام دهد تا بتواند مسائل کشور را به طور دقیق‌تر بررسی و تحلیل کند. امروزه نقش فناوری در جهان نقش بزرگی است و آن طوری که شاهد هستیم کشور‌های دیگر برای چندین سال آینده خود برنامه‌ریزی می‌کنند، رشته‌های از علم در جهان به وجود آمده است به نام آینده‌پژوهی، ما نیز باید با استفاده از چنین مسائلی و با توجه به آرمان‌های

بلای انقلاب طوری برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم در برابر کشور‌های سرمایه‌دار غربی بایستیم و برای آن‌ها خط مشی تعیین کنیم.

وی ادامه داد: وقتی می‌بینیم یک تفکر و یک تحریک کوچک در مسائل بعد از انتخابات باعث به وجود آمدن آن مسائل شد، بیشتر به نقش تدبیر و تفکر پی می‌بریم. البته نباید این مساله را نیز نادیده گرفت که مسائل بعد از انتخابات با تدبیر رهبری و ملت بزرگوارمان در نطفه خفه و خنثی شد ولی باید توجه داشت که دشمن از یک لحظه غفلت نیز استفاده می‌کند. به لطف الهی در این ۳۱ ساله هر چقدر که توطئه کردند خنثی شده ولی باید مراقب بود.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: ما می‌توانیم با استفاده از الگوهای مناسبی که داریم در تفکر و تدبیر خود بازنگری انجام دهیم، این روزها روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی است، کسی که با یک همت عالی توانست به جز مسلمان نمودن حاکمان مغول آن زمان، تالیفاتی به رشته تحریر درآورد که اکنون جزء منابع لاینفک علمی جهت بسیاری از پژوهش‌ها می‌باشد. در منظر دیگر پیامبر گرامی اسلام می‌باشد که به راستی هیچ پیامبری به اندازه ایشان اذیت و آزار نشده؛ دندان او را شکستند، یاران او را شکنجه دادند و حتی او را تبعید کردند ولی هیچ‌کدام از این‌ها نتوانست باعث کوتاهی در هدف متعالی‌شان شود و حتی با این همه فشار شاگردی مانند حضرت علی (ع) را پرورش دادند که باعث فخر تمام عالم هستی است.

وی ادامه داد: متأسفانه در کشور ما وابستگی غیر اصولی به نفت وجود دارد به طوری که ما با پول نفت اقدام به گذراندن امور مملکت می‌کنیم. نباید از سرمایه این‌چنینی این‌گونه استفاده کرد. ما در اصل به جای همت مضاعف، تنبلی مضاعف داریم. به طوری که اکنون یکسری از جوانان ما می‌خواهند بدون هیچ زحمتی به همه چیز برسند.

نبوی در مورد علت مطرح کردن چنین مساله‌ای توسط رهبری گفت: همت و کار مضاعف که توسط رهبری اعلام شد دارای چندین علت است؛ یکی از آن‌ها عقب ماندگی تاریخی ما می‌باشد که متأسفانه در حکومت‌های قبل به هیچ عنوان روی آن‌ها کار نشده است؛ مسائلی مانند قانون‌نگاری، دلیل بعدی عقب‌ماندگی فرهنگی است؛ به طوری که این عقب‌ماندگی باعث به وجود آمدن مسائل سال قبل شد که در همان زمان هم بسیاری از مردم ما با نشان دادن یک آگاهی مضاعف باعث در هم شکستن آن فتنه شدند ولی باید مراقب بود.

وی در بیان علت دیگر نامگذاری امسال به نام سال همت و کار مضاعف گفت: علت دیگر نامگذاری سال جدید به نام همت مضاعف و کار مضاعف همین بزرگوار و شایستگی ملت است به طوری که باید گفت مسوولان در جواب چنین ملت بزرگوار باید با یک همت و کار مضاعف تدبیری جهت برطرف نمودن مشکلات بیابند.

نبوی در مورد مسائل فرهنگی کشور افزود: دولتی که در همه زمینه‌ها کار و تلاش خوبی دارد باید در مسائل فرهنگی نیز همان تلاش را نشان دهد، یکی از مسائلی که باید به آن توجه ویژه شود مساله بدحجابی است به طوری که این مساله در دولت قبل و در زمان آقای خاتمی نیز جدی گرفته نشد.

وی تصریح کرد: بنده با افراط و تفریط در هر کاری مخالفم ولی در مورد این مساله باید گفت همگی باید به تصمیم نیروی انتظامی در برخورد با این ناهنجاری اجتماعی کمک کنیم تا بتوانیم جلوی پیشرفت آن را بگیریم و نباید طوری شود که خانواده شهدای ما خود را متعلق به این جامعه ندانند.

مدیر مسوول روزنامه رسالت با تقدیر از دولت و مجلس در هماهنگی جهت هدفمند کردن یارانه‌ها گفت: کاری را که دولت‌های قبلی نتوانستند انجام دهند بحمدالله این دولت در کنار مجلس در حال اجرای آن است و به رسم و قانون سی و چند ساله‌ای که از سال ۱۳۵۰ در کشور در حال اجراست پایان دهند ولی باید توجه داشت اجرای این مساله با توجه به قدمت قانون قبلی بسیار سخت است که ما امیدواریم با یک همت مضاعف بتوان این مورد را نیز به سلامت اجرا کرد.

وی در پایان تاکید کرد: خوشبختانه و بحمدالله یکی از برکات مهم نظام جمهوری اسلامی نشان دادن چهره واقعی کسانی است که همیشه سخنان خوبی می‌زنند ولی در باطن جور دیگری رفتار می‌کنند مانند رییس‌جمهور آمریکا که با شعار آزادی و دمکراسی جلو آمد ولی اکنون صحبت از حمله هسته‌ای می‌کند. جنگ نرم جدی است و باید آن را جدی گرفت و با توجه به آیات قرآن کریم که می‌فرماید باید با ایمان و عمل صالح به مقصود رسید، بتوان با یک برنامه‌ریزی صحیح و عمل صالحی که همانا شناخت مسوولیت در زمان خود است، کشور را به سمت پیشرفت و تعالی سوق داد و راهنمایی کرد.

دلایل واقعی افت سرعت اینترنت گم شده است؛

لطفا پای خود را از روی کابل بردارید

هنوز در برخی مناطق تهران امکان استفاده از اینترنت پرسرعت وجود ندارد/ چرا سرعت اینترنت پرسرعت و رایگان در کشوری مانند کرمجنوبی 500 برابر سرعت اینترنت معمولی در ایران است که برای آن پول هم پرداخت می‌کنیم؟

اینها: بسیاری از کاربران اینترنت کشور معتقدند دلیل واقعی افت سرعت اینترنت در کشور از سوی مسوولان عنوان نمی‌شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در دو هفته اخیر شاهد سرعت بسیار پایین، قطعی و اختلالات گسترده در شبکه اینترنت بودیم، موضوع قطع اینترنت از این قرار بود که ظاهراً کابل بین‌المللی و دریایی شبکه اینترنت بین الملل smw4 قطع شده بود و حدود 20 درصد ارتباطات کشور که از این مسیر تامین می‌شد دچار اختلال شد.

این اختلالات قرار بود روز 31 فروردین ماه و بعد از تعمیر کابل دریایی این کشور (sea-me-we4) که منشأ آن هم در کشور ایتالیا است به پایان برسد ولی این امر محقق نشد و هنوز کاربران اینترنت شاهد اختلالات گسترده اینترنت هستند.

البته در ایران این بار اولی نیست که یکی از کابل‌های اصلی توسط لنگر کشتی قطع می‌شود ولی مسوولان زیر ساخت ایران مدعی شده‌اند که به دلیل این‌که منشأ قطعی پیش آمده یکی از فیبرهای بین‌المللی است، به همین دلیل نمی‌توانند مسیر پشتیبان و جایگزینی برای آن در نظر بگیرند، در حالی‌که پس از این اتفاق علاوه بر کاربران ایرانی، کاربران کشورهای دیگری مانند مصر، ایتالیا، فرانسه، عراق، لبنان، ترکیه، هند و ... که ارتباط آنها نیز از طریق این کابل برقرار می‌شد شاهد افت شدید سرعت اینترنت شدند ولی دولت‌های مذکور به سرعت و پس از ایجاد اختلال اقدام به برقراری ارتباط از طریق راه‌های ارتباطی جایگزین چون ماهواره کردند اما مسوولین شرکت ارتباطات زیرساخت که متولی اصلی اینترنت و خطوط ارتباطی دیتای کشور هستند به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته‌اند این اختلال‌ها را برطرف کنند.

فارغ از این اما ارتباط کشور ما از چندین نقطه ترکیه، بندر فجیره، کویت و ... برقرار می‌شود، پس این اتفاق نمی‌توانست عامل اصلی این افت سرعت و اختلال باشد. قطعی کابل مذکور نیز نهایتاً بیش از 2 تا 3 روز نمی‌توانست اینترنت کشور را دچار اختلال کند و همچنین که تنها 15 تا 20 درصد ارتباط کشور از طریق کابلی که قطع شد برقرار می‌شود ولی اختلالات اینترنت در این دو هفته اخیر بسیار فراتر از یک قطعی کابل و 20 درصد ظرفیت این کابل بود. استفاده از اینترنت با سرعت بالا و کیفیت مناسب حق هر ایرانی است. چرا سرعت اینترنت پرسرعت و رایگان در کشوری مانند کرمجنوبی 500 برابر سرعت اینترنت معمولی در ایران است که برای آن پول هم پرداخت می‌کنیم؟ از طرفی دیگر شرکت‌های ارائه دهنده خدمات اینترنتی نیز در پاسخ به کاربران ناراضی علاوه بر موضوع قطعی این کابل دلایل دیگری را نیز برای افت اینترنت عنوان می‌کنند، دلایلی که هیچ وقت در سخنان مسوولان اینترنت کشور اظهار نمی‌شود، در همه اظهارنظرهای مسوولان دلیل اختلالات اینترنت یا قطعی کابل داخلی است یا قطعی کابل خارجی، در حالی‌که حداقل 10 ماه است کاربران با مشکلات عمده ناشی از پایین بودن شدید سرعت اینترنت روبرو هستند. احتیاط یا کم فروشی مخابرات؟

یکی از کارشناسان اینترنت در زمینه افت سرعت اینترنت در کشور می‌گوید: یکی از دلایل عمده عدم کیفیت مناسب اینترنت در کشور انحصاری کردن این شبکه به وسیله مخابرات و شرکت زیر ساخت است، البته در برخی اوقات شرکت ارتباطات زیر ساخت جهت ارائه اینترنت پرسرعت به کاربران احتیاط می‌کند.

اکبر بیات ادامه می‌دهد: ما بارها بر این موضوع تاکید کرده‌ایم که برخلاف اصل 44 قانون اساسی مبنی بر خصوصی‌سازی، دولت Gateway را در اختیار خود گرفته و این مخابرات است که ضمن خرید اینترنت از خارج کشور، در این زمینه فعالیت می‌کند در حالیکه کمفروشی مخابرات یا احتیاط آن در ارائه اینترنت، کاهش سرعت و کیفیت را در این سرویس موجب شده است. به طور مشخص فعلاً امکانات اینترنت کشور همه یک منشأ داشته و آن مخابرات است اما مخابرات کشور در حال حاضر جوابگوی نیاز فعلی در این زمینه نیست و هر روز سرعت اینترنت پایین آمده است و تمام شرکت‌ها در این زمینه با مشکل مواجه‌اند و شکایت دارند.

به گفتگوی کیفیت پهنای باندی که مخابرات به ISP و ISDPها فروخته، حداقل 30 تا 40 درصد پایین‌تر از میزان پهنای باندی است که به آنها فروخته شده است. بیات خاطر نشان کرد: در پروتکل IP یکسری بسته‌های اطلاعاتی وجود دارد و وقتی ارتباط اینترنتی برقرار می‌شود بسته‌ها در این ارتباط ارسال می‌شود که در بعضی مواقع و در بعضی جاها به دلیل تاخیر و سرعت کم ممکن است این اطلاعات به مقصد نرسد که استانداردهایی هم برای این موضوع وجود دارد، به عنوان مثال اگر از 100 بسته 20 بسته‌آن ارسال نشود این سرویس استاندارد نبوده و در جهان قابل فروش نیست و جالب اینکه این بسته‌های به مقصد نرسیده در ایران بسیار بیشتر از 20 است، بنابراین باید گفت اینترنت ایران در حد بسیار پایینی وجود دارد.

سرعت اینترنت پایین‌تر از میزان مجاز در رگولاتوری در حال حاضر سرعت اینترنت حتی پایین‌تر از میزانی است که سازمان تنظیم مقررات آن را به طور رسمی مجاز می‌داند، سرعت پایین اینترنت عملاً اجازه گسترش خدمات، سرمایه‌گذاری و در نهایت توسعه این بخش را از کشور سلب کرده است در حالی‌که نیاز بخش‌های اقتصادی و تجاری به اینترنت و ارتباطات بسیار ضروری است و نبود ارتباطات الکترونیکی به معنای رکود کسب و کار است.

شرکت‌های خصوصی که در زمینه اینترنت پر سرعت تبلیغ می‌کنند عملاً می‌توانند تا میزان 2 مگابیت بر ثانیه خطوط پر سرعت به کاربران و متقاضیان ارائه کنند در حالی‌که مقررات امکان ارائه این خدمات را از آنان سلب کرده است و در واقع باید گفت اعمال محدودیت در استفاده از اینترنت نه تنها موجب ضرر بخشی خصوصی می‌شود، بلکه امکان بهره‌برداری علمی، تجاری و تحقیقاتی از این تکنولوژی را نیز از بین می‌برد.

در شرایطی که کشورمان حداقل 10 میلیون پورت پرسرعت اینترنت برای برنامه 5ساله پنجم توسعه کشور نیاز دارد متأسفانه هنوز در برخی مناطق شهر بزرگی مثل تهران که بیشتر طرح تجاری شرکت‌های ندا - ارائه‌کننده اینترنت پرسرعت - را شامل می‌شود، امکان استفاده از اینترنت پرسرعت برای مشترکان وجود ندارد و کاربران اینترنتی در مناطق بدون امکانات اینترنت پرسرعت تهران نمی‌دانند که این مشکل چگونه و چه زمانی برطرف می‌شود؟

در زمانی هم که مسوولین کشور ادعای ارائه اینترنت پرسرعت را دارند، سرعت اینترنت را برای کاربران خانگی محدود و به 128 کیلو بیت می‌رسانند، ولی باید گفت، اینترنت پرسرعت، اینترنتی با بیش از 512 کیلوبیت در ثانیه است و در اکثر نقاط جهان این سرعت بالای یک‌مگ و حتی در حد 2 مگابیت بر ثانیه است. این رقم در برخی کشورهای پیشرفته تا 40 مگابیت در ثانیه هم می‌رسد. حتی در کشورهایی مثل کرمجنوبی و مالزی و سنگاپور نیز سرعت اینترنت صدها برابر ایران است و در ایران رسیدن به این سرعت خواب و خیال است. کارشناسان معتقدند با توجه به این‌که 11 شرکت دارای مجوز ندا (ارائه‌کننده اینترنت پرسرعت) در کشور داریم، چنانچه همکاری لازم از طرف مخابرات انجام شود به این دلیل که شرکت‌ها در رقابت با یکدیگر و تلاش برای ایجاد پورت هستند و در صورت همکاری از طرف مراجع مربوطه به‌خودی خود اینترنت پرسرعت می‌تواند به حد مطلوب خود برسد.

با وجود این موضوع شرکت‌های ندا آماده سرمایه‌گذاری بیشتری در این راستا هستند که البته به نظارت دقیق سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی منوط خواهد بود مشروط به اینکه تعهدات دو طرفه بوده و عملاً شرکت‌های مخابراتی با در دست داشتن پروانه جدید خود و انحصار امکانات مخابراتی، شرکت‌های ندا را وارد بازی یکطرفه‌ای که به ورشکستگی آنان منجر شود، نسازد.

اساساً در صنعت ارتباطات تنها بخش‌های سود آور در زمان حاضر اینترنت پر سرعت و شبکه‌های بی‌سیم هستند.

اما سرانجام و در نهایت ما اینترنت را برای چه می‌خواهیم؟ برای بالندگی کشور در همه سطوح و این بالندگی گذشته از دستیابی به تکنیک‌ها و اقتصاد باز در گرو آگاهی یک ملت است. دستیابی و گسترش اینترنت در نهایت خواهد توانست بر تجارت و اقتصاد اثرگذار باشد و به طور غیر مستقیم ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع را دگرگون خواهد کرد. البته این امر با برنامه‌ریزی و وجود کار فرهنگی بسیار در زمینه اینترنت امکان‌پذیر خواهد بود.

۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

پایان مهلت ترکیه برای حضور در پارس جنوبی / مهلت یک هفته‌ای شل و ریپسول

مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به پایان مهلت حضور ترکیه برای حضور و سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی از تعیین فرصت یک هفته‌ای برای شرکت‌های شل و ریپسول برای توسعه دو فاز پارس جنوبی خبر داد و گفت:

عملیات اجرایی میدان گازی پارس شمالی این هفته آغاز می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، علی وکیلی امروز در حاشیه برگزاری آخرین روز از پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی با اشاره به تغییر بلوک بندی فازهای پارس جنوبی تصریح کرد: هفته آینده قرارداد فازهای 27 و 28 پارس جنوبی با این تغییر بلوک بندی به پتروپارس ایران واگذار می‌شود. این مقام مسئول همچنین با اشاره به ضرورت شتابدهی به طرح توسعه فازهای میدان مشترک پارس جنوبی عنوان داشت: از این رو قصد داریم با اخذ مجوزهای قانونی از کارگروه ویژه نفت بدون انجام مناقصه طرح توسعه برخی از فازهای باقیمانده از پارس جنوبی را به شرکت‌های داخلی (سپاه پاسداران) واگذار کنیم. وی با تأکید بر اینکه توسعه فازهای پارس جنوبی را معطل شرکت‌های خارجی نمی‌گذاریم، یادآور شد: برای طرح جامع توسعه میدان مشترک پارس جنوبی تا کنون 8 فاز استاندارد تعریف کرده‌ایم.

پایان مهلت ترکیه برای حضور در پارس جنوبی

وکیلی در ادامه با اشاره به پایان رسیدن مهلت ترکیه برای مشارکت و سرمایه‌گذاری در 3 فاز پارس جنوبی اظهار داشت: هم‌اکنون برخی از کالا و اجناس فازهای 22 و 24 پارس جنوبی تهیه شده و حتی زمین توسعه ای این فاز نیز تأمین شده است.

وی در ادامه با اشاره به انتشار 250 میلیون یورو اوراق مشارکت در سال گذشته اظهار داشت: همچنین برای سال جاری عرضه 750 میلیون یورو اوراق باقیمانده از سال گذشته را نیز در برنامه داریم که پیش‌بینی می‌کنیم این اوراق تا یک هفته آینده عرضه شود (برای تأمین سرمایه، زیرا شرکت‌های خارجی خواهان سرمایه‌گذاری در ایران نیستند).

وکیلی همچنین در مورد برداشت ایران و قطر از میدان مشترک پارس جنوبی توضیح داد: در حال حاضر قطری‌ها با راه‌اندازی چند طرح جدید از ایران کمی جلو افتاده‌اند اما پیش‌بینی می‌کنیم با توسعه و ساخت فازهای 12 تا 18 پارس جنوبی برداشت گاز ایران از قطر پیشی بگیرد.

معاون وزیر راه و ترابری:

۲۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه می‌خواهیم و ۱۰۰۰ میلیارد

تومان به پیمانکاران بدهکاریم

در حال حاضر وزارت راه و ترابری هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار است و برخی پروژه‌ها بر اثر فشارها به وزارت راه و ترابری تحویل می‌شود که این مساله موجب افزایش روز افزون پروژه‌های نیمه تمام خواهد شد.

ایلنا:

معاون وزیر راه و ترابری اعلام کرد: برای اتمام پروژه‌های نیمه تمام در حوزه‌های حمل و نقل به 200 هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

به گزارش ایلنا، احمد مجیدی که در بیست و چهارمین نشست کمیسیون اقتصادی و زیربنایی شورای هماهنگی روابط عمومی‌های دستگاه‌های اجرایی گفت: در حال حاضر وزارت راه و ترابری هزار میلیارد تومان به پیمانکاران بدهکار است و برخی پروژه‌ها بر اثر فشارها به وزارت راه و ترابری تحویل می‌شود که این مساله موجب افزایش روز افزون پروژه‌های نیمه تمام خواهد شد.

وی ادامه داد: مشکل بعدی وزارت راه و ترابری بازنشسته شدن تعداد قابل توجهی از کارمندان خبره در سال 90 و 91 است که جایگزینی برای آنها نیست. زیرا که در سال‌های گذشته به خاطر نداشتن مجوز به تناوب استخدام صورت نگرفته است.

معاون کارآفرینی و مدیریت بحران وزیر راه و ترابری با اشاره به آمار تلفات رانندگی، تصریح کرد: بر اساس بررسی‌ها 28 دستگاه در ایمنی جاده‌ای و کاهش سوانح رانندگی نقش دارند که باید با هماهنگی کامل وارد عمل شوند. وی افزود: بررسی در 33 کشور نشان می‌دهد که تنها در یک کشور مسئولیت

ایمنی جاده‌ای بر عهده وزیر راه و ترابری است و در بقیه کشورها رئیس جمهور، معاون وی و حتی رئیس مجلس مسئول هماهنگی دستگاه‌های مرتبط با سوانح رانندگی هستند و تنها با هماهنگی کامل تمام دستگاه‌ها مرتبط می‌توان شاهد کاهش قابل توجه تلفات بود.

مجیدی اظهار داشت: به وزارت راه و ترابری 150 میلیارد تومان اعتبار برای رفع نقاط پرحادثه اختصاص داده‌اند در حالی که برای رفع هر نقطه پرحادثه 5 میلیارد تومان مورد نیاز است در نتیجه می‌توان تنها 30 نقطه پرحادثه را به طور کامل اصلاح کرد. در حالی که 2400 نقطه پرحادثه شناسایی شده است که با رفع آن‌ها با توجه به افزایش حجم ترافیک و تغییر کاربری راه‌ها نقاط جدید پرحادثه ایجاد می‌شود.

معاون وزیر راه و ترابری تأکید کرد: هم‌اکنون در صنعت حمل و نقل هوایی رقابتی وجود ندارد و هواپیمای 20 میلیون دلاری و سه میلیون دلاری، نرخ بلیت مشترک دارند که باید برای ارائه خدمات مطلوب هوایی آزادسازی قیمت‌ها انجام شود.

وی اضافه کرد: 57 هزار کیلومتر خطوط هوایی در کشور وجود دارد که 250 نقطه ممنوعه داریم که از مجموع نقاط ممنوعه سه کشور همجوار ما بیشتر است و این موجب می‌شود که پروازهای عبوری که درآمداور است، کاهش یابد. زیرا که برخی از این نقاط در گذشته ممنوعه تلقی شده‌اند و شاید امروز ضرورتی ندارد که دیگر این نقاط ممنوعه باشد.

معاون وزیر راه و ترابری اعلام کرد: مشکل نگهداری مطلوب آزادراه‌ها کمبود درآمد است و عوارض یک ساله یک جاده، به روکش چند کیلومتر آن هم محور کفاف نمی‌کند و مشکل نگهداری و بهسازی با کمبود اعتبار مواجه است

تلاش‌های بی‌نتیجه متکی در وین برای جلوگیری از تحریم‌ها

دوپیچه وله :

منوچهر متکی وزیر خارجه ایران در آخرین تلاش‌ها برای جلوگیری از تصویب تحریم‌های جدید، با مدیر آژانس بین‌المللی و وزیر خارجه اتریش دیدار و گفت‌وگو کرد. به گفته‌ی محافل دیپلماتیک این ملاقات‌ها نتیجه‌ای در بر نداشته‌اند.

جمهوری اسلامی ایران در تلاش است با یک دیپلماسی فعال به مقابله با تصویب احتمالی تحریم‌های شدیدتر علیه ایران برود. منوچهر متکی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه (۲۵ آوریل / ۵ اردیبهشت) وارد وین شد و با مقامات آژانس بین‌المللی و دولت اتریش، به عنوان یک عضو غیردائمی شورای امنیت گفت‌وگو کرد.

ایران پیشنهاد جدیدی مطرح نکرده است

به گزارش خبرگزاری آلمان، به نظر می‌آید نه گفت‌وگوهای وزیر خارجه ایران با یوکیا آمانو، مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأثیری مطلوب ایران بر روند کنونی داشته است و نه مذاکرات وی با میثائیل اشمیندل، وزیر خارجه اتریش.

آژانس بین‌المللی روز یکشنبه تأیید کرد که میان متکی و آمانو درباره مسائل هنوز ناروشن برنامه اتمی ایران گفت‌وگوهایی صورت گرفته است. خانم کیل تودور، سخنگوی آژانس بین‌المللی گفت که «این ملاقات در فضایی مذاکره‌ای صورت گرفت». به گفته‌ی محافل دیپلماتیک، در این گفت‌وگو پیشنهاد و یا موافقت مشخصی از سوی ایران طرح نشده است.

وزیر خارجه اتریش نیز خبری از یک تغییر چشمگیر نداد. میثائیل اشمیندل اگر پس از ملاقات با منوچهر متکی طی یک کنفرانس مطبوعات گفت: «من برای او روشن ساختم که قطار به سمت تحریم‌ها در حرکت است». وی افزود: اگر ایران همکاری و آمادگی برای گفت‌وگو از خود نشان ندهد، این قطار به مقصد خواهد رسید.

تهران به دلیل عدم همکاری لازم با آژانس بین‌المللی و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای خود، هر چه بیشتر تحت فشار بین‌المللی قرار گرفته است. دو کشور آمریکا و فرانسه به ویژه تأکید دارند که شورای امنیت سازمان ملل باید تحریم‌های شدیدتر علیه جمهوری اسلامی را به تصویب برساند.

متکی: راه حل مناسبی برای معامله اتمی خواهیم یافت

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی‌پاسخ گذاشتن به بسیاری پرسش‌ها، از سوی بسیاری کشورها مظنون است به اینکه به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است. تهران این اتهام را رد می‌کند و اینکه قصد دارد با یک "دیپلماسی فعال متقابل"

نوید خانجانی و دیگر فعالان حق تحصیل را آزاد کنید!

بیانیه‌ی بیش از ۵۰۰ نفر از شهروندان و فعالان مدنی

کمیته‌ی گزارشگران حقوق بشر: بیش از ۵۰۰ نفر از شهروندان و فعالان مدنی و سیاسی با امضای بیانیه‌ای خواستار آزادی سریع و بی قید و شرط نوید خانجانی و دیگران فعالان حق تحصیل از جمله: شیوا نظراهری، ضیا نبوی، مجید دری، مهدیه گلرو، ایقان شهیدی و سما نورانی شدند.

نوید خانجانی فعال حقوق بشر و فعال حق تحصیل، یکی از موسسان جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی است که خود نیز به علت اعتقادات مذهبی خود (دین بهایی) از تحصیل در دانشگاه‌های ایران محروم گردیده است.

این عضو کمیته‌ی گزارشگران حقوق بشر روز ۱۳ اسفند به بازداشت نیروهای امنیتی درآمد. وی هم اکنون بیش از ۵۰ روز است که در بند متعلق به «سپاه» در زندان اوین نگهداری می‌شود.

نوید خانجانی فعالیت‌های چشمگیری در زمینه‌ی حق تحصیل و به خصوص پیگیری حق تحصیل بهائیان از طریق پافشاری روی غیرقانونی بودن هر گونه محرومیت از تحصیل داشته است.

حق تحصیل از حقوق بنیادی هر فرد فارغ از جنس، نژاد، مذهب و عقیده است و بر طبق ماده ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر «آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعداد خود از آن برخوردار شود».

سپهر عاطفی، حسام میثاقی، آیدا سعادت، پویان مکاری، شیوا نوجو، میترا یوسفی، آرمن رحمانی، پریسا کاکانی، سعید حبیبی، فهیمه خضر حیدری، فرناز کمالی، حمید حمیدی، شبنم قادری، روحی شفیع، امیر محسن محمدی، صبا جدی، فرشته فراهانی، شعله امید، صهبا صراف، سعید امینی زاده فرد، شایان وحدتی، نسیم تیبانیان، مونا محمد حسینی، ارشیا بهین آئین، زینب پیغمبرزاده، راحیل مهدی زاده، سولماز ایکدر، نسیم روشنائی، نازی عظیمیا، پیمان حسینی، علیرضا شکیبا راسخ فرد، اشکان شریعتی، پویا عزیزی، شیدا جهان بین - ترانه آزادی، شرمینه فرد، مامان رضایی، آزاده فرامرزیها، نیلوفر گلکار، محمد فلاح نیا، فرشته قاضی، زهره اسدپور، فهیمه اسلیمی، مریم دهقان، فرید امینی، شهاب فیضی، مانده یزدانی، حسین تاس‌باز، امید امین پارسا، بهنام وفاسرشت، حسن سیاوشی، سعید اوحدی، هنگامه هویدا، دانا حکیمیان، ستار وکیلی، حسن نایب هاشم، عبدالله عزیزی، ادیب معصومیان، ناهید ایرانی، شیوا فیروزی، سپیده عباس زاده، نادر جواهری، بانو شیدا، نوشین شاهرخی، حسام فریاد، سپهر اس، فرزاد حاضری، نادیا رحمانی، بهنام حاکی، رضا الله داد، امید آ، علی رضا، سوسن کولی وند، مهوش سبروسیان، مهشید شاد، مجید غلامی، حمید ایرانی، شمس، آرام روحانی، دلاور قدر، فرزانه مذکوری، علی قدیمی، آرش اصل جعفری، شهلا ابغری، سوسن فیروزی، امید زند، سهیلا موسوی، صفا گلشن، بهروز هاشمی، ایرج افلاطون، میترا رمضان موری احمدی‌نژاد، آریتا میرزا، سارا آریایی، فاطیما آریان پور، مهرناز اسکندر، منوچهر رزم آرا، آرمن آسمان، شایان کاویانی، فیروزه رفیعی، برمک کوشا، عزت الله ریاضتی، مهناز عندلیبی، میخک میثاقیان، محسن کاکه رش، بهیه جیلانی، محمد فتحی، نگین آنتشار تهرانی، عماد طباطبایی، بهانه سارینی، م.آزریاد، مهین جوشک، محمد رضا خلیق، هما وجدانی، سعید شعبانی، نیکو عزیزی، فریبرز یزدانی، یزدانبخش یزدانی، ژان یادگار، هلنا یزدانی، چیا نامی، سیا اکبری، شبنم بهاران، کیوان، انوش پارسایی، نگار عبدللهی، شراره فرامرزی، علیرضا ایرانی، مسعود سراجیان، آرش شرقی، روح الله شیدا، بختیار اعظمی، بهیرخ طائفی، پری ایران دوست، نغمه طائفی، بانو صدیقی، جاوید پاینده، امید ایرانی، یلدا ایرانی، محمد سیاحی، آروین رجبی، آینه آزاد، فرهادت، نسرین ممتحن، میثم رحیمی تازی، آوا کریمی، شهلا بهار دوست، فریدون عسگری، بهروز کاپرینی، محمد اسفندیاری، عزیز لاریجانی، احمد نجاتی ایرانی، دانش باقرپور، علی مزرعه کار، نیما دهقانی، شهلا پهلوی، احمد نجاتی، مژگان ثروتی، سبنا برگی، کامران گرامی نژاد، سهیلا شفعی، نکیسا ایرانی، حسن جعفری، ساسان ترابی، آرزو درخشانیان، نادر مقبلان، ژانته رضانی، حسین ماهوتی ها، شهرام میرکاظمی، لیلی ایرانی، اسفندیار طبری، ن. مقبلان، سهیلا طالبی، رضا کاویانی، رضا کریمی، یاسمن سوفی، محمد شیرزاد، امید فرحی، رویا رهبر، جعفر حسین زاده، اصغر اصغرزاده، فرحناز محمدی، آرش پارسا، رضا هیوا، روحا بدیعی، شاهپور شاهپوریان، احمد ایرانی، مازیار سیرافی، نغمه منصور، سیمین ناصاری، مریم اصلان، متین عاطفی، حمید

از تصویب تحریم‌های جدید ممانعت کند. در محافل نزدیک به آژانس گفته می‌شود که در گفت‌وگوهای میان متکی و آمانو، درباره غنی‌سازی با غلظت بیشتر از ۳/۵ درصد در ایران و نیز امکان یک معامله اتمی با کشورهای غربی نیز گفت‌وگو شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، یک دیپلمات غربی در این زمینه گفت که «آژانس در یک روند مذاکرات با ایران قرار ندارد». وی افزود: «آژانس صحبت‌های همه را می‌شنود.»

منوچهر متکی پس از ملاقات با آمانو گفت که او درباره راه حلی که مورد پذیرش همگان باشد با آمانو گفت‌وگو کرده است. متکی در این باره که پیشنهاد جدیدی روی میز قرار داده است، اظهار نظر نکرد. وی افزود: «من فرصت خوبی برای یافتن راه حلی برای تبادل مواد سوختی می‌بینم». از نظر وی، «زمان گفت‌وگوهای جدید فرا رسیده است.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی روزهای آینده به پایتخت کشورهای عضو دائمی و غیردائمی شورای امنیت سازمان ملل سفر خواهد کرد تا نظر آنها را نسبت به تصویب تحریم‌های شدیدتر علیه کشورش تغییر دهد.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد: در ۵ سال آینده بیش از

۱.۲ میلیون کودک در جهان به علت فقر شدید می‌میرند

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد با اقداماتی از قبیل حمایت از تولیدات داخلی و کاهش فقر، میزان کشته‌شدگان بر اثر فقر در سال ۲۰۱۵ به ۹۲۰ میلیون نفر کاهش می‌یابد، در حالی که این میزان در سال ۱۹۹۰ حدود ۱.۸ میلیارد نفر بود.

ایلنا:

بحران جهانی اقتصاد بیش از ۵۳ میلیون تن را در جهان با فقر شدید روبه‌رو کرده است. به گزارش ایلنا به نقل از الجزیره، بیش از یک میلیارد نفر در جهان از بدست آوردن نیازهای اساسی غذایی روزانه خود باز مانده‌اند، بسیاری دچار بیماری هستند و در آینده‌ای نه چندان دور می‌میرند.

طبق گزارش بانک جهانی پول، پیش‌بینی می‌شود در پنج سال آینده بیش از ۱.۲ میلیون کودک در سراسر جهان به علت فقر شدید از بین بروند.

این گزارش می‌افزاید، در کشورهای فقیر میزان هزینه افراد در روز کمتر از ۱.۲۵ دلار است. پیش از این صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده بود با اقداماتی از قبیل حمایت از تولیدات داخلی و کاهش فقر در بسیاری از کشورهای، میزان کشته‌شدگان بر اثر فقر در سال ۲۰۱۵ به ۹۲۰ میلیون نفر کاهش می‌یابد، در حالی که این میزان در سال ۱۹۹۰ حدود ۱.۸ میلیارد نفر بود.

یکی از مقام‌های صندوق جهانی پول اعلام کرد که بحران اقتصادی جهانی شوک ناگهانی بود که به کشورهای فقیر ضربات جبران‌ناپذیری وارد کرد. وی افزود: تأثیرات این بحران می‌توانست به مراتب بدتر از آن باشد که در حال حاضر شاهد آن هستیم.

در این گزارش آمده است در صورت عدم وجود سیاست‌های مناسب در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عواقب بحران جهانی اقتصاد می‌توانست فشارهای بسیار جدی را بر زندگی روزمره مردم وارد کند.

مدیر بخش تحقیقات شرکت دارایی انگلیس اعلام کرد که حمایت از تولیدات داخلی توسط صندوق بین‌المللی پول باعث محدود کردن گسترش بحران مالی در جهان شد و بسیاری از مردم را از فقر مفرط نجات داد.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اقدامات بسیاری از جمله توجه به کشورهای فقیر و کاهش فقر را برای رسیدن به سیاست مشترک جهانی انجام داده‌اند.

محمدرضا جلالی‌پور احضار شد

پارلمان‌نیوز:

محمد رضا جلالی‌پور، سخنگوی کمپین موج سوم و از اعضای ستاد انتخاباتی مهندس میرحسین موسوی طی تماس تلفنی مجدداً احضار شد.

محمدرضا جلالی‌پور از جوانان نخبه کشور و حائز رتبه یک کنکور سراسری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشد. وی پس از انتخابات به مدت ۸۸ روز بازداشت شد. ۵۰ روز در انفرادی بسر بود و پس از آزادی اجازه خروج از کشور و ادامه تحصیل را نیافت.

وی دانشجوی دروه دکترا در دانشگاه اکسفورد است که جهت شرکت در فعالیت‌های انتخاباتی به کشور بازگشته بود

شیخ الاسلام: در صورت حمله اتمی به ایران رژیم صهیونیستی

را از نقشه جغرافیا محو می کنیم

به گزارش مهر، حسین شیخ الاسلام مشاور بین الملل رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اظهارات رئیس جمهور فرانسه مبنی بر اینکه روزی از خواب بیدار می شوم و می شنوم که اسرائیل با بمب اتمی به ایران حمله کرده است، گفت: ایران هیچ گاه شروع کننده جنگ نبوده و نخواهد بود ولی در صورت حمله اتمی رژیم صهیونیستی به ایران، قبل از اینکه ایشان مجدداً به خواب بروند با ده ها فروند موشک برد بلند و کوتاه نه تنها رژیم صهیونیستی از نقشه جغرافیایی محو می شود بلکه پایگاه ها و ناوگان های آمریکا و فرانسه در منطقه به آتش کشیده خواهند شد.

وی ادامه داد: ملت ایران خوب می دانند چنین غلطی بدون موافقت آمریکا و عدم مخالفت فرانسه شدنی نیست، دو کشوری که علیرغم تعهداتشان در معاهده منع گسترش سلاح های اتمی رژیم صهیونیستی را به زرادخانه اتمی مسلح کرده اند

جزئیاتی از دستور رهبر در خصوص پرونده معاون دولت کودتا

توقف پیگیری مفاسد رحیمی به دلیل "مصالح عالی نظام"

ندای سبز آزادی: علت توقف پیگیری پرونده فساد مالی محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد، مصالح عالی نظام اعلام شده است. بر اساس گزارش مبتنی بر شنیده های اشخاص نزدیک به محافل درونی دولت و دفتر یک مقام عالی جمهوری اسلامی، علت فروکش کردن یکباره پیگیری پرونده فساد مالی اعضای مهم دولت و سکوت ناگهانی نمایندگان مجلس، دستور مقامات عالی کشور در زمینه ترجیح مصالح عالی نظام نسبت به پیگیری مفاسد مالی است.

بر اساس این گزارش، از آنجا که بخشی از درآمد این عملیات فساد آلود در سال 88 به عنوان هزینه امور انتخاباتی محمود احمدی نژاد صرف شده است، مقامات عالی نظام تصمیم گرفته اند برای جلوگیری از اثبات خدشه دار بودن انتخابات ریاست جمهوری و افتادن مدرک فساد به دست رقبای سیاسی، این پرونده به صورتی مخومه شود که ارتباطی به انتخابات خرداد 88 پیدا نکند.

بر اساس محتویات پرونده رحیمی و شرکای جرم او، در یکی از موارد فساد متعلق به سال 87، پس از دریافت 5 درصد یک وام هفتصد میلیارد تومانی (پرداخت شده از سوی بانک ملی به یک فعال بخش خصوصی در قبال دریافت فقط سفته به عنوان تضمین) به مبلغ 35 میلیارد تومان، مبلغ 10 میلیارد تومان در اختیار یکی از بستگان نزدیک احمدی نژاد قرار گرفته و محمود احمدی نژاد در توضیحات اخیر خود نزد مقامات عالی نظام از دریافت این پول توسط نزدیکانش از یک سرمایه دار اصولگرا و هزینه شدن آن در جریان انتخابات اظهار اطلاع اما از منبع اصلی پول اظهار بی اطلاعی کرده است.

بر اساس شنیده ها از افراد موثق، بقیه این پول به میزان 18 میلیارد تومان برای آقای مشای و 7 میلیارد تومان برای آقای رحیمی تقسیم شده است. اما از توضیحات آنها برای محل هزینه این مبالغ اطلاعی در دست نیست. یادآور می شود از حدود بیستم فروردین ماه سال جاری اظهار نظر نمایندگان معترض مجلس به عدم پیگیری پرونده مفاسد رحیمی قطع و سکوت کاملی در این مورد بر فضای مجلس و نمایندگان مشتاق افشای نقش رحیمی حاکم شده است.

همچنین صدا و سیما جمهوری اسلامی در دو هفته اخیر در بخش های خبری اصلی خود، رحیمی را به کرات در مراسم مختلف نشان داده است تا بر اساس عرف سیاسی کشور، مخالفان وی در مجلس از اینکه او مورد حمایت مقامات عالی رتبه است، مطمئن شوند.

شعبانی: پروژه های بزرگ یا دست دولت است یا سپاه

اپراتور سوم در واقع به دولت واگذار شده است

پارلمان نیوز: عضو فراکسیون خط امام مجلس با انتقاد از عدم اجرایی شدن اصل 44 قانون اساسی در واگذاری امور به بخش خصوصی، تصریح کرد: «متأسفانه اجرای این اصل به درستی صورت نمی گیرد و همچنان شاهد هستیم که پروژه های بزرگ در دست دولت یا سپاه است و بخش خصوصی نقشی ندارد.»

رضایی، ترانه ضرغام، آرش بابا علی، حسین شرننگ، سارا حسینی، حسن زارع زاده اردشیر، اقبال اقبالی، دکتر کوروش فرزین، جهانگیر لقانی، جلال عمرانی، پروین داوری، صنم ساعتچی، پرویز حاتمی فرهود مقربین مریم بزدی، حجت مویدی، مهرداد رضوانی، سهیلا ناظم آبادی، سهیلا اکبری، ساحل ایرانی، آرتین سامی، هوشیار فرهنگ، پردیس درخشنده، شیدا کیانی، آرمین پورآزاد، هومن عباسیان، کتابون سنگانی، شهاب بچیوی، رویا رودسری، جبار دادگر، عبدالرحمان سینیایی، لیدا حسینی نژاد، نسیم سبحانی، اعظم شریفی، رویا کاشفی، نبوشا مختاری، سارا غضنفری، شیرین رحمانی فر، سحر سبحانی، بهناز مهرانی، کامبیز صبوری، حمید نیری، پونه پهلوان، حمید ریاحی، شمیم شیرازی، اردوان خرسند، داریوش داراب، سوسن بهروزی، حسن نظریان، بابک خرمندین، فرانک عباسپولی، مهرنوش رمضانعلی، ملینا دمکراسی، شیلان سعیدی، ذبیح فوزی، شبنم هدایتی، طراز الله خادم، کوروش پارسا، بهاره هاشمی، شهروز ایمانی، علی پورنقوی، آزاد یوسفیان، لیلا لیلازی، محمد رضایی، ملیحه روحانی، مینا روحانی، صابر احمدیان، آسیه امینی، حسن زهتاب، شهلا باور، کریم شام بیاتی، توفیق گردی، شکوفه قیاسی، بهروز فدائی، نیلو فرستمی، هلن مهدوی، بهنام زندی، هوشنگ بهرامی، تقی عبدالحسینی، تارا تدین، ف. تیغوری، هدی علی تبار، غلامحسین عسگری، الهام ثابتیان، نرگس عظیمی، شیرین اسفندیارماز، میترا وثوقیان، منصور صباغ، حسن درشتی، امیر فرشاد ابراهیمی، مسیح علی نژاد، علی کلائی، امیر سپهر، صبا احمدی، نیک جوادی، حسن نداف، علی رحیمی، ناهید سلیمانی، بابک رحیمی نژاد، روزبه رحیمی نژاد، مسعود سلیمانی، سولماز وکیل پور، شمیم رضایی، حجت نارنجی، زهیدا سبحانی، بابک بازرگان، بهزاد سعیدی، صمد مهدب، پرهام میثاقیان، مانده مویدینیا، ایران دخت ش، رعنا کریم زاده، حامد مرادی، سمیرا مهریان، فراز فتانیا، محمد مکاری، سیاوش سبحانی، مانی پارسا، ادیس همیشه سبز، آریین نجاتی، مهسا مقدس قهفرخی، فرید خانجانی، فریمه خانجانی، ناهید مصباحی، پرویز خانجانی، مریم خانجانی، حیدر مقدس قهفرخی، شری دولتشاهی، رویا ایرانی، سیاوش جلیلی، آرزو روحانی، آرش فرهنگ مهر، آیدا فجر، نسیم، آذین شکیبایی، سمانه موسوی، نیما س، مهرداد اسلامخواه، لیزا ماته، آرمان عیسی خانی، آلینا دولت، بهروز برهن، ویدا کاشانی، حمید کیا، تهمینه نیک پور، فرید فقیری، فریده بهاء الدینی، الهام منصور، بختیار اعظمی، مسعود معمار، بهرام اسماعیل بیگی، کتابون تقی زاده، رحمان جوان مردی، نارین محمدی، حامد صامتی، پویا، شهاب الدین شیخی، صادق شجاعی، مونا خطیب شهیدی، نوشین عاطفی، فرید بهشاد، کاملیا کوثری، ناهید عبدالله، فردین بوکانی،

ililean roozbeh, uli vsanden – Munich, Donna Hakimian, Diyaa Mani, Elin Weinstein, Evan Siegel, maral may, Teni Kenerakis, Sarah Marlach, Lutz Bucklitsch, sean gates Dagn, Hrund Valgeirsd, sli Elvar, Arnarson, shannon harris, giovanna tappi, Diako Ghaderi, chegini green, Sean Alborzi , FERNANDO MATTA, Gunnar Vilhelmsson, Marg Goubin, Dr.Hamid Mozneb, Dr. Mardas Daneshian, rozita petri jemis ada, Ruzbeh Asbert, naheed khan, Ulrike Beudgen, karin friend, Colin White, Andrew Michael Paul, Shantilal Parmar, Eva Schwabe, zandi geev, Andi Schleewand, Anne Eksten, ARUN MATHUR, Rajesh Meena, Mohina Mathur galla, Mukesh Ananad, Ray Salehi, Cristina Annunziata, Julia – Germany, Roxanne lissnup, Jonathan Bennett, Marco Curatolo, Trisha Klawe, L. Bedurftig, RZ , Hannah B, Marco Crescimanno, Sandra Nunn, ELENA GENNARO, Cliff Jackson, katrine szyper, Pg Raja, maike pullo, Mir Mui, Nabakishor Nayak, tina bansi, Donna Vian, huschang dinarvand, John Wells – AUSTRALIA, Michael Sours, Susan Collins, christinA eijkhout, Desi Escobedo, Daniela Segalowitch, Ulrich Strauch, ODYSSEY, petra plötz, HRA, Julia, joseph j zamiri, Mir Mui kaaren, ba eh, A T

۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

ما حافظه‌ی جمعی دارند. حکومت فکر میکند مردم اعمال، کارها و رفتارهای آنان را فراموش میکنند، اما اینچنین نیست. مثلاً در همان مسئله فساد اقتصادی که چند هفته پیش مطرح شد چه سیری پیش آمد؟! چند نفر خرده پا دستگیر و اسم یک نفر را بردند و سپس به یکبارہ همه چیز مسکوت ماند. یا مسئله کوی دانشگاه و آن فیلمی که منتشر شد. متأسفانه فکر میکنند مردم با مرور زمان یادشان می‌رود. موسوی افزود: این کارها غیراسلامیست. هر روز به گروهی مردم لقب مرتد و کافر و غیره میدهند به جرم اینکه کلامی بر خلاف دیدگاه و نظر آقایان بر زبان رانده اند. به راستی نمیدانم اینان چگونه میخواهند پاسخ خداوند را بدهند. وضعیت کارگران و اخراج آنان و تعویق در پرداخت حقوق آنان، پائین آمدن نرخ سرمایه‌گذاری و غیره... همه از نقاط ضعف سیستم اقتصادی و مدیریتی کشور است. مردم این قول‌ها و وقایع را یادشان نمی‌رود. میرحسین موسوی با ذکر خاطره‌ای در این باب افزود: در همان اوایل انقلاب مردم رفتند و آن شخصی که در زمان رضاشاه دستور شلیک به مردم را در واقعه مسجد گوهرشاد داده بود را در سن ۹۰ سالگی دستگیر کردند. می‌خواهم بگویم مردم اعمال و رفتارهایی را که در این یکساله بر آنان اتفاق افتاده از یاد نخوانند. مردم موسوی با انتقاد از وضعیت مدیریتی کشور و ضعف‌های موجود در آن گفت: در همه کشورها مدیران و مقامات دولتی سابق به عنوان شورای مشورتی به دولت‌های موجود کمک میکنند. اما در ایران به طور مثال آقای خاتمی ۸ سال سابقه ریاست جمهوری در کشور و جنابعالی و دیگر سران، همکنون در چه وضعیتی هستند. تمام کارشناسان خبره و باسابقه از سازمان‌ها رانده شدند، صرفاً به دلیل مسائل خطی و سیاسی! موسوی افزود: من چشم‌انداز روشنی را در راستای بهتر شدن مسائل اقتصادی کشور نمی‌بینم. زیرا بسترها خراب شده‌اند. ابزارها از بین رفته است. دستگاه‌های بیم‌دهنده از میان برچیده شده‌اند. و برای کارشناسان در جامعه دیگر جایگاهی قائل نیستند. حتی اگر همکنون شخصی از اصولگرایان صحبتی بر زبان بیاورد وی را منافق خطاب می‌کنند.

مهدی کروبی نیز در سخنانی ضمن تأیید سخنان میرحسین موسوی، افزود: متأسفانه اعمالی که این افراد بر سر مردم می‌آورند با نام اسلام است و این رفتارها باعث میشود به اسلام ضربه وارد میشود. در حال حاضر شرایط جامعه بسیار وحشتناک است به طوری که هر چه میخواهند می‌گویند، هر تهمت و ناروایی که میخواهند به افراد نسبت میدهند، هر آماري که تصور میکنند منتشر میکنند و همه اینها به این دلیل است که آنان فکر میکنند صدای طرف مقابلشان به جایی نمیرسد؛ اما میدانند که این مردم هستند که میشوند و شرایط اقتصادی و سیاسی را می‌بینند که چه چشم‌انداز سیاهی در انتظارشان میباشد. مثلاً در همین ماجرای عسلویه چه تعداد از کارکنان و کارگران به دلیل عدم تصمیم‌گیری صحیح و پیاده نمودن سیاست‌های نادرست، از کار بی‌کار شدند؟ بر اساس آمار رسمی چرا باید طی چهار سال گذشته تعداد شاغلان در عسلویه از ۶۰ هزار نفر به ۸ هزار نفر کاهش یابد؟ چرا باید بدلیل عدم مدیریت صحیح، سالانه ۳۰ میلیارد دلار درآمدي را که میتواند از محل برداشت گاز از عسلویه عاید کشور شود را باید از دست داد؟ دلیل این همه بی‌کاری چیست؟ دلیل وضعیت بد کاری و اقتصادی کارگران چیست؟ آقایان نمیدانند و یا نمی‌خواهند بدانند که یک سخن آنان در مجامع بین‌المللی میتواند تا چه حد به مردم و اقتصاد یک کشور لطمه بزند. به خاطر تحریم رفتن با شرکت‌های از چین و مالزی و ونزوئلا قرارداد بسته‌اند و آخرش هم طرح را داده‌اند به نیروهای نظامی



امین شعبانی درباره واگذاری اپراتور سوم به شرکت زیرمجموعه سازمان تامین اجتماعی به خبرنگار پایگاه خبری فراکسیون خط امام (ره) مجلس «پارلمان‌نیوز» گفت: «تاکنون اقتصاد دولتی بود که با تصویب اصل ۴۴ به شبه دولتی تبدیل شده و امور از بخش دولتی به شرکتهای زیرمجموعه آن واگذار می‌شود».

عضو کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر اینکه این موضوع مغایر اهداف و مصوبه اصل ۴۴ برای تقویت بخش خصوصی است، اظهار داشت: «طبق برنامه چهارم دولت موظف بود از واگذاری امور به بخش خصوصی، ۷ هزار میلیارد درآمد از فروش سهام کسب کند اما در پایان سال تنها در جذب دو هزار میلیارد موفق بود که این نشان می‌دهد اصل ۴۴ به درستی اجرایی نشده است».

نماینده مردم سمنان تأکید کرد: «سازمان تامین اجتماعی با آنکه هیأت مدیره دارد اما زیر نظر وزیر رفاه است و نمی‌توان گفت اپراتور سوم به بخش خصوصی واگذار شده بلکه هنوز در دست دولت است».

شعبانی با تأکید بر اینکه به نفع دولت است که امور اجرایی را به بخش خصوصی واگذار و خود نظارت کند گفت: «شاهد آن هستیم که اکثر پروژه‌های بزرگ به سپاه و دولت واگذار می‌شود».

وی با بیان اینکه پیشرفت توان دفاعی و امنیتی سپاه جای تقدیر دارد و به خوبی از عهده وظایفشان بر می‌آید، افزود: «اما پروژه‌های اقتصادی که در اختیار سپاه است می‌تواند به بخش خصوصی واگذار شود تا شبیه دخالت نظامیان در اقتصاد مطرح نباشد و امور در جهت تامین اشتغال جوانان تحصیلکرده پیش برود».

نماینده سمنان تصریح کرد: «واگذاری پروژه به بخش خصوصی و تقویت حمایت آنها برای اجرا در استان‌های محروم کشور همچون کردستان از اهمیت بالایی برخوردار است».

دعوت مشترک کروبی و موسوی از مردم برای حضور در

راهپیمایی ۲۲ خرداد، سهام نیوز



مهدی کروبی و میرحسین موسوی نسبت به برگزاری راهپیمایی مردمی در روز ۲۲ خرداد بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی و طبق ماده ۳۰، ۳۱ و ۳۲ آئین نامه اجرایی قانون احزاب، تأکید کردند و از همه گروه‌ها، تشکلهای و احزاب اصلاح طلب خواستند تا در خواستشان را در همین زمینه به وزارت کشور ارسال نمایند.

سحام نیوز: صبح دیروز مورخ ۶ اردیبهشت ۱۳۸۹ میرحسین موسوی به دیدار مهدی کروبی رفت. در این دیدار نوری که یکساعت به طول انجامید مسائلی همچون سیاست داخلی و خارجی کشور، وضعیت زندانیان سیاسی و حوادث و رخدادهای اخیر مملکتی مورد گفت و شنود قرار گرفت. به گزارش خبرنگار سحام نیوز، مهدی کروبی ضمن خوش آمدگویی به میرحسین موسوی آرزو کرد امسال سال عزت و آزادی برای مردم ایران باشد و از خدا خواست تا آزادی هر چه زودتر زندانیان سیاسی را فراهم کند.

میرحسین موسوی نیز با انتقاد از سیاست‌های موجود در کشور گفت: اغلب سیاست‌های ما «باری به هر جهت» است و متأسفانه ساختارهای ما همچون ماسه زار و شن زاریست که آب در آن پایدار نمی‌ماند. وی افزود: در حال حاضر در زمینه ساختاری برنامه‌ای دقیق و روشن نداریم و باید برای دراز مدت فکری نمود. شرایط حکومت طوری شده است که همه را توطئه‌گر تصور میکند و دچار نوعی توهم توطئه گردیده است. میرحسین موسوی ضمن انتقاد از جریان تمامیت خواه گفت: اینان اصل صحبت ما را درک نمی‌کنند. صرفاً در بیانیتهای و سخنرانی‌های ما به دنبال کلمات هستند نه مفهوم. متأسفانه سیستم ایدئولوژیک ایرادش همین است. توهم و شایعه‌ای را که خود ساخته و پرداخته‌اند آنچنان بازگو میکنند که خوانندگان باورشان میشود و چیزی که ساخته‌اند، دامن خودشان را می‌گیرد و اینچنین میشود که واقعیت را نمی‌شنوند.

مهندس موسوی ضمن انتقاد از سیاست خارجی کشور؛ وضعیت اقتصادی، مسائل داخلی و فساد را از جمله مشکلات کشور برشمرد. وی گفت: ما باور داریم مردم

قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر (تشکل های کارگری ایران)

و خدشه نا پذیر کارگران و عموم مردم می دانیم

8- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

9- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

10- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند

11- ما بدينوسيله پشتيباني خود را از تمامی جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم

12- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم

13- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هر گونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم

14- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

15- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد اول ماه مه
زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
1 مه 2010
11 اردیبهشت 1389

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
اتحادیه آزاد کارگران ایران
هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار و مکانیک
هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقر
شورای زنان



اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می کشند، خیابانها را به تسخیر خود در می آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و بر پائی دنیائی بهتر را فریاد میزنند.

طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در حالی در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال 88 یا به زندان محکوم شده اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضائی قرار دارند و دهها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم برپائی تشکلهای کارگری و دفاع از حقوق انسانی شان در زندانها بسر میبرند.

تحمیل چنین ابعاد وحشتناکی از بی حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران در شرایطی است که سیستم سرمایه داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن 57، دستمزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت بموقع این دستمزدها و اخراج و بیکار سازی توده های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا شرایط به غایت جهنمی را بر میلیونها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سود آوری سرمایه با به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و طرح قطع یارانه ها در صدد است تا آخرین لقمه ها برای زنده ماندن میلیونها خانواده کارگری را از سفره آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر کند.

اما همانگونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن 57 و سالهای اخیر نشان دادیم تاب تحمل اینهمه فلاکت و بی حقوقی را نخواهیم آورد و علیرغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران در مقابل لگد مال شدن بدهی ترین حقوق انسانی خود ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی تمامی ثروتها و تعامات موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده های مردم ایران میدانیم.

در این راستا ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی حقوقی قرار داده است بر تحقق مطالبات زیر پای می فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی قید شرط همه آنها هستیم:

1- برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند

2- ما طرح قطع یارانه ها (هدفمند کردن یارانه ها) و حداقل دستمزد 303 هزار تومانی را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع یارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان هستیم

3- دستمزدهای موقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

4- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با يك زندگی انسانی برخوردار شوند

5- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، تامین امنیت شغلی کارگران و تمامی مزد بگیران، رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی کار و بر چیده شدن تمامی نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار هستیم

6- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی و کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم

7- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هر گونه بی حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم

مصاحبه ها و مقالات

با "قانون اساسی جمهوری اسلامی" چه باید کرد؟

محسن کدیور

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین سندی است که مناسب است همه دستداران اعتلای ایران درباره آن اظهار نظر کنند و نسبت فعالیت‌های خود را با آن در عمل مشخص سازند. نظام جمهوری اسلامی مخالفانش را به ترمذ از قانون متهم می‌کند، در مقابل مخالفان و منتقدان نیز مهمترین ویژگی نظام را انحراف از مدار قانون اساسی دانسته و محور مطالبات جنبش سبز را "اجرای بی‌تنازل قانون اساسی" اعلام می‌کند. البته در میان مخالفان برخی نیز قانون اساسی را مانع جنبش آزادی خواهی مردم ایران می‌دانند. جنبش سبز در دهمین ماه حیاتش "مرحله تکوین" را پشت سر گذاشته است. در مرحله مقدماتی با شعار "رای من کجاست؟" به اعلام مخدوش نتایج انتخابات جمهوری اعتراض شد. با اعلام نظر زودهنگام رهبر جمهوری اسلامی موج اعتراضات مردمی به سوی وی برگشت. سرکوب تظاهر کنندگان بی دفاع توسط ماموران مسلح و فشار فزاینده قوه قضائیه بر معتقدان و معترضان به کشته شدن دهها جوان بیگناه و دستگیری دهها هزار و صدور احکام سنگین زندان فعالان احزاب اصلاح طلب، روزنامه نگاران و خرده جنبشهای دانشجویی و زنان انجامید. این روند تا 22 بهمن 1388 ادامه یافت. از اواخر سال گذشته شمسی جنبش سبز با به مرحله تازه ای گذاشت. اقتضای مرحله جدید یافتن تاکتیکهای جدید با توجه به شیوه خشن مقابله کودتاگران و سارقان رای مردم با معترضان است. این مرحله را می‌توان "مرحله مقاومت مدنی نامحدود بر مطالبات محدود قانونی" نامید. این مرحله با برگزاری چهارمین همه پرسی در جمهوری اسلامی به پایان خواهد رسید. تا برگزاری این همه پرسی تاریخی که احاد ملت ایران نظرش را درباره آینده سیاسی کشورش خواهد داد، قانون اساسی جمهوری اسلامی مهمترین سند احتجاج مخالفان با ارباب قدرت است. این مقال ادامه نوشتار "جنبش سبز در چهار راه جمهوری" (30 دی 1388) است.

چهار دیدگاه اصلی در مواجهه با قانون اساسی

محوریت قانون اساسی در صدر مطالبات این مرحله جنبش سبز مناقشات فراوانی را به همراه دارد و مسئله به این سادگی که در آغاز به نظر می‌رسد نیست. برای درک این دشواری چاره ای جز تمایز چهار دیدگاه اصلی در مواجهه با قانون اساسی و تحلیل هر یک نیست. از این چهار دیدگاه به اختصار می‌توان با عناوین ذیل یاد کرد: دیدگاه رسمی، دیدگاه قانونی، دیدگاه دموکراتیک، دیدگاه سکولار.

البته می‌توان به دیدگاههای دیگری هم اشاره کرد. اما به نظر می‌رسد این چهار دیدگاه مهمترین دیدگاههای موجود در میان ایرانیان داخل و خارج را نمایندگی می‌کنند.

دیدگاه رسمی، دیدگاه نظام جمهوری اسلامی است که "ولایت مطلقه فقیه" و حفظ آن را به هر قیمتی بزرگترین مطالبه خود می‌داند.

دیدگاه قانونی دیدگاه آن دسته از منتقدان جمهوری اسلامی است که اعتراضات مردمی یک سال اخیر را با عنوان "جنبش سبز" تدارک دیده اند و "اجرای بی‌تنازل قانون اساسی جمهوری اسلامی" را وجهه نظر اصلی خود می‌دانند. دیدگاه دموکراتیک دیدگاهی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی را به دلیل در برآشتن نهاد ضددموکراتیک ولایت مطلقه فقیه قابل دفاع نمی‌داند و دموکراسی و حقوق بشر را در صدر مطالبات خود می‌شمارد.

دیدگاه سکولار علاوه بر مطالبات دسته سوم (دموکراسی و حقوق بشر) معتقد است که سکولاریسم در صدر مطالبات مردم ایران است و تنها راه رهایی خصوصی کردن دین، ابتناء حوزه عمومی بر امور کاملاً عرفی و حقوق مشابه برای همه ادیان است.

این چهار دیدگاه در مواردی هم پوشانی دارند. در زمینه جمهوریت، دموکراسی و حقوق بشر سه دیدگاه اخیر موارد اشتراک فراوانی دارند، با شدت و ضعف. دیدگاه دوم (قانونی) از نوعی حقوق بشر و دموکراسی حداقلی دفاع می‌کند، حال آنکه دیدگاه سوم و چهارم به نوعی حقوق بشر و دموکراسی حداکثری باور دارند.

این چهار دیدگاه از هم متمایزند. اگرچه دو دیدگاه اول و دوم هر دو به ظاهر قانون اساسی و جمهوری اسلامی را باور دارند، اما رویکردشان به قانون اساسی و جمهوری اسلامی بسیار متفاوت است. دیدگاه اول نگاهش به قانون و

جمهوریت نگاهی "ابزاری و تشریفاتی" است، حال آنکه دیدگاه دوم برای قانون و جمهوریت اعتبار واقعی قائل است.

دیدگاه سوم و چهارم نیز اگرچه هر دو به دموکراسی و حقوق بشر و سکولاریسم فی الجمله باور دارند، اما در دیدگاه سوم تقدم با دموکراسی است و با اسلام دموکراتیک هم در صورت برخورداری از اکثریت و رعایت حقوق اقلیت مشکلی ندارد. حال آنکه در دیدگاه چهارم مطالبه اصلی با سکولاریسم است و اسلام دموکراتیک کوسه ریش پهن است. از این دیدگاه شرط فعالیت در حوزه عمومی بویژه حوزه سیاسی و بالخصوص دولت رها کردن باورهای دینی در این عرصه هاست.

به نظر می‌رسد دیدگاه قانونی دیدگاهی واقع گرایانه است؛ و دیدگاههای دموکراتیک و سکولار دیدگاههایی ایده آل گرایانه هستند، به این معنی که بیش از آنچه به امکان تحقق دیدگاههایشان با توجه به شرایط ایران بیاندیشند، در مقام بیان رای خود در برابر انحصار طلبی دیدگاه اول هستند.

دیدگاه اول: دیدگاه رسمی

نخستین دیدگاه رای رسمی نظام جمهوری اسلامی درباره قانون اساسی است. این دیدگاه که توسط حضرت آقای خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی نمایندگی می‌شود نگاهی ابزاری به قانون اساسی دارد و در حقیقت یک اصل بیشتر ندارد: "اصالت رهبری". ولایت مطلقه فقیه مایه مشروعیت نظام، صحت دینداری و سعادت دنیا و آخرت است. بدون اعتقاد و التزام به آن انحراف و سقوط حتمی است.

مشروعیت قانون اساسی برخاسته از ولی فقیه است. بالاتر از قانون اساسی رهبر و منویات وی است. قانون اساسی کف اختیارات ولی فقیه را تبیین کرده بعبارت دیگر برای رهبر اختیارات سیاسی دیگری غیر از آنچه در قانون احصا شده است وجود دارد. برخی اصول قانون اساسی اگر چه ظاهراً توسط مردم وضع شده اما هیچ اراده بشری ولو اکثریت یا تمام شهروندان بالاتفاق توان تغییر آن را ندارد و آن اصول مربوط به اسلامیت و ولایت فقیه است.

شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی اختیارات مطلقه دارد و با توجه به ملکه عدالت و اجتهاد اعضای آن و نظارت مقام رهبری بر آن اشتباه کردن در قاموش بی معناست و برای شکایت از آن هیچ مرجع قانونی پیش بینی نشده است. واضح است که در تعارض نظر رهبری با فقهای شورای نگهبان که منصوب ایشان هستند با مراجع تقلید تقدم با نظر رهبر و منصوبان ایشان است. اصولاً مراجع تقلید در حوزه عمومی حق صدور حکم و فتوا ندارند. مراجع تقلید مجازند در حوزه خصوصی برای مقلدانشان فتوا صادر کنند.

نظام حق دارد عمل به هر تعداد از اصول قانون اساسی را عملاً به دلیل مصلحت نظام موقتاً یا برای همیشه متوقف کند. نظام حق دارد انتخابات مجلس شورا، ریاست جمهوری و خبرگان را مطابق مصلحت نظام مهندسی کند. مهم رعایت منویات رهبری است و وظیفه مردم بیعت با معظم له است. انتخابات معنایی جز بیعت و تجدید عهد با رهبری ندارد. اصولاً اراده ملی اگر در مغایرت با اراده ولی امر باشد تردیدی در بطلان آن نیست.

اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاقهای بین المللی اگر با شرع انور و آراء ولی فقیه مغایرت داشته باشد از حیز انتفاع ساقط است. کلاً حقوق شهروندی تا آنجا محترم است که با برداشت ولی فقیه از شرع انور تعارضی نداشته باشد. آنچه مایه سعادت دنیا و آخرت است نظر ولی فقیه است. قانون اساسی و غیر آن نیز مادامی که مورد تأیید مقام عظمای ولایت است ملاک عمل است و به مجردی اینکه از چشم معظم له بیفتد بی اعتبار است. تفاسیری متفاوت با تفسیر منصوبان ایشان در شورای نگهبان نیز مردود است.

از این دیدگاه مهمترین اصول قانون اساسی یعنی اصل 4 (حکومت مطلقه موازین اسلامی به تشخیص فقهای شورای نگهبان بر کلیه قوانین و مقررات)، اصل 99 (نظارت شورای نگهبان بر کلیه انتخابات) اصول 5 و 57 و 110 (ولایت مطلقه فقیه و اختیارات آن).

اصولاً از قانون اساسی که ظاهراً حاکی از دموکراسی و جمهوریت است می‌باید در هماهنگی با اصول فوق تفسیر شوند. بر این اساس جمهوری اسلامی معادل حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که اکثریت آن یک بار برای همیشه حکومت اسلامی را پذیرفته اند و در حقیقت به وظیفه شرعی خود عمل کرده اند.

با وجود ولایت فقیه چنین حکومتی انحراف ناپذیر است. هر گونه مخالفت با چنین حکومتی مخالفت با خدا و رسول و ائمه است و اقدام برای اصلاح آن در حکم جنگ نرم با اسلام است. نام واقعی چنین حکومتی جمهوری ولایی یا حکومت ولایت مدار است. قانون و جمهوریت و انتخابات داور مدار قبول رهبر است، اگر رهبر این امور را صلاح نداند هیچ اعتباری ندارند.

وقتی مشروعیت قانون به رهبری است، واضح است که نمی توان به استناد این قانون رهبری که مؤید به تأییدات خاصه حضرت صاحب الامر شمرده می شود ارزیابی یا نقد یا نصیحت کرد.

دیدگاه دوم: دیدگاه قانونی

دومین دیدگاه به فراگیرترین بخش معترضین دیدگاه اول اختصاص دارد. دیدگاهی که می توان از آن به "جنبش سبز" نیز تعبیر کرد. البته معترضین دیدگاه اول (دیدگاه رسمی یکه سالار) طیف متنوعی از آراء را در بر می گیرد از دیدگاه قانونی و دموکراسی حداقلی تا دیدگاه دموکراتیک حداکثری و دیدگاه سکولار. بخشی از باورمندان دو دیدگاه اخیر نیز می گویند تا خود را نماینده جنبش سبز معرفی کنند. بر اساس بیانات سخنگویان جنبش سبز در ایران که مقبولیت ملی دارند دیدگاه دوم را به انتساب به جنبش سبز صائب می دانم، با این توضیح که لا مشأخ فی الاصطلاح.

اما چرا دیدگاه دوم را قانونی نامیدم، به این دلیل که جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران با تکیه بر یک مطالبه قانونی شکل گرفت "رای من کو؟" و سپس بزودی "اجرای بی تنازل قانون اساسی" به مطالبه درجه اول آن ارتقا یافت. معتقدان این دیدگاه بر این باورند که مطالبات ارزنده ای از قبیل اسلام رحمانی، مردم سالاری، حقوق بشر و حقوق شهروندی، احترام به حقوق اقلیتهای مذهبی و قومی و نیز مدارا و تکرر آراء همگی از طریق اجرای قانون اساسی و تفسیری حقوقی و دموکراتیک از آن امکان پذیر است.

از این منظر استراتژی "اجرای بی تنازل اصول قانون اساسی" یک انتخاب واقع گرایانه با توجه به محدودیتهای فرهنگی، سیاسی و امنیتی ایران است. برای کسی که در شرائط خفقان و سرکوب مبارزه می کند تمسک به قانون اساسی حسی و سنگری محکم است. اگر قرار نیست بار دیگر انقلاب تجربه شود، و اگر بناست اصلاح طلبانه و با پرهیز از خشونت و به شیوه مسالمت آمیز به اصلاح کشور اقدام شود بی شک استفاده از ظرفیتهای قانون اساسی کم هزینه ترین و باصرفه ترین راه است.

معنای این سخن این نیست که قانون اساسی وحی منزل است یا فاقد اشکال است. بر عکس، دیدگاه دوم مشروعیت قانون اساسی را از آراء مردم می داند. به بیان دیگر قانون اساسی فوق نظام و رهبر است. قانون اساسی سقف اختیارات مقامات را تبیین کرده نه کف آنرا. مقامات جمهوری اسلامی اختیارات سیاسی دیگری غیر از آنچه در قانون احصا شده است ندارند.

قانون اساسی با رأی مردم جزءاً یا کلاً قابل تغییر است. این اصول توسط مردم وضع شده، همانها هم هر زمان اراده کردند می توانند کلاً یا جزاً تغییرش دهند. مفسران رسمی قانون اساسی - شورای نگهبان - در استثنائات و تبصره های قانونی که مسئله به موازین شرع و مبانی اسلام و اصول و ضوابط مذهب موکول شده، عملاً در بسیاری موارد موازین اسلام را بر خلاف ضوابط مسلم اسلامی تفسیر کرده اند به عنوان مثال تفسیر نظارت به نظارت استصوابی، وقتی مراجع تقلید و استوانه های فقاقت از قبیل آیت الله منتظری این تفاسیر شورای نگهبان را به لحاظ شرعی مردود اعلام می کنند، واضح است که این نظام است که از ضوابط شرعی عدول کرده است نه منتقدان و علمای مخالف.

تفسیر قانون اساسی بر خلاف روح و جهت گیری کلی آن مجاز نیست. نمی توان برخی اصول قانون اساسی را به گونه ای تفسیر کرد که برخلاف اصول حاکی از اهداف عالی نظام مصرح در خود آن قانون باشد. اگر بسیاری از عالمان دین و فقیهان و نیز اکثریت شهروندان از تفسیر مفسران رسمی قانون اساسی - یعنی شورای نگهبان - ناراضی باشند، معنای این سخن همان استنتاج تاریخی علم فقیهان قم است: "این رژیم نه جمهوری است نه اسلامی".

زمانی که بخشی از اصول قانون اساسی - مثلاً اصول مدافع حقوق شهروندی ملت - توسط حکومت به طاق نسیان سپرده شد مهمترین وظیفه شهروندان پافشاری بر احیای این اصول از طرق مسالمت آمیز از جمله تظاهرات خیابانی است. با توجه به اینکه نهادهای پیش بینی شده در قانون اساسی به عنوان تجلی اراده ملی عملاً توسط حکومت به نحوی مهندسی شد که اراده ملی در لایبالی دستگاه دیوانسالاری حکومتی له شده، به نحوی که محصول انتخابات مجلس و شوراها و ریاست جمهوری و خبرگان اسما منتخب ملت و رسماً منصوب حکومت باشند، ارتقای سطح آگاهی های عمومی و مبارزه قانونی برای بازگردان نظام از انحراف بنیادی اقدامی اخلاقی و دینی است.

با توجه به اینکه برخی اصول قانون اساسی با برخی برداشتهای از پاره ای اصول آن در ارتباط با مدیریت کلان کشور با قوانین آمره ای از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی مدنی سیاسی که اتفاقاً حکومت ایران آنها را امضا کرده و بر اساس موازین حقوق بین الملل موظف به رعایت آنهاست معارض است، در نخستین زمان ممکن می باید برای اصلاح قانون اساسی و پاکسازی آن

از استبداد دینی اقدام کرد. با عنایت به اینکه قانون اساسی از تعارض درونی رنج می برد، در تعارض حقوق مردم با نوعی حکومت فردی یکه سالار می باید با اتکا به عقبه قدرتمند مردمی تفسیری حقوقی و اخلاقی از بخش غیردموکراتیک قانون اساسی را بر کرسی نشانند. بخصوص آنکه اسلام رحمانی با نظارت نهادینه بر قدرت سیاسی و محدودیت آن کاملاً سازگار است. اسلام علوی و حسینی هرگز استبداد دینی و یکه سالاری بنام تشیع را بر نمی تابد.

تمسک به قانون اساسی مطالبه ای حداقلی و کف سلائق گوناگون منتقدان وضع موجود است. اگر جنبش توانی بیش از این داشت ممکن بود اصلاح را از کانون فساد نظام آغاز کرد، اما تکیه بر قانون اساسی بهترین زمینه ساز جراحی بزرگ جمهوری اسلامی از غده سرطانی استبداد دینی است. افتادن در دام مطالبات حداکثری که در تاب و توان فعلی جنبش نیست، یا اصولاً با فرهنگ و ارزشهای اسلامی مورد قبول اکثریت ملت ایران سازگاری ندارد، زمینه را برای سرکوب بیشتر مبارزان از سوی حاکمان و در نتیجه نامیدی و یأس نسل جوان از عدم موفقیت جنبش فراهم می کند.

از این منظر در قانون اساسی نکات زیر برجسته است: یکی از پایه های نظام جمهوری اسلامی مطابق اصل دوم "نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری" است. بند ششم اصل سوم "محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی" را از اهداف جمهوری اسلامی می شمارد. اصل ششم بنیان "اداره امور کشور با اتکا بر آراء عمومی" را ترسیم می کند. اصل نهم تفکیک ناپذیری آزادی و استقلال در ایران است و اینکه "هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مصرح و مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند." راستی آیا با همین یک اصل کارنامه دومین رهبر جمهوری اسلامی نمره مردودی نمی گیرد؟

اصول 22 تا 27 و 32 تا 39 کف حقوق شهروندی ملت ایران است که توسط حکام جمهوری اسلامی نقض شده است. اصل 56 حق حاکمیت ملی است. اصل 59 همه پرسی را به رسمیت شناخته است. اصل 79 ممنوعیت حکومت نظامی است. شرط فقهای شورای نگهبان "عدالت و آگاهی به مقتضیات زمان و مسائل روز" است. تفسیر نظارت شورای نگهبان بر انتخابات در اصل 99 به نظارت استصوابی برخلاف مسلمات علم اصول فقه و دانش حقوق است. اصل 108 دست اعضای خبرگان را برای کلیه مسائل مرتبط با ایشان باز گذاشته است. اصل 109 سه شرط را از جمله شرائط و صفات رهبر برشمرده است: "اول، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ دوم، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ سوم، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری". بر اساس فتوای 19 تیر 88 مرحوم آیت الله منتظری بر اساس موازین فقه جعفری رهبر جمهوری اسلامی بویژه با اقدامات خلاف شرع یک سال اخیرش فاقد هر سه شرط است. بر این مبنا صدر اصل 111 یعنی برکناری وی محقق شده است. خبرگان قانون اساسی بر اساس انتخابات مهندسی شده جرأت عمل به وظیفه قانونی خود یعنی کشف از عزل را ندارند.

اصول 165 تا 168 ضوابط دادرسی عادلانه را مشخص کرده است. اصولی که هرگز در جمهوری اسلامی اجرا نشده است. بر اساس اصل 172 تاسیس هیرونوع دادگاه ویژه - به استثنای دادگاه نظامی برای پرسنل نیروهای مسلح - ممنوع است.

اگر جامعه مدنی و احزاب قوی باشند، با عنایت به اصول متعدد قانون اساسی که به مهترین آنها اشاره شد، رهبر جرأت تجاوز به حقوق ملت را نخواهد کرد. جنبش سبز در مقام احیای این اصول بر زمین مانده قانون اساسی است که نتیجه آن به راه افتادن دموکراسی، حقوق بشر و حقوق شهروندی است.

اصول پایه دیدگاه قانونی

با توجه به توضیحات فوق می توان دیدگاه قانونی را در اصول و ضوابط زیر خلاصه کرد:

اول، جمهوری اسلامی از وعده های اولیه در صدر انقلاب اسلامی و پایه های ترسیم شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مبانی اسلام رحمانی بشدت منحرف شده است و به لحاظ کارشناسی و کارآمدی نیز در وضعیتی کاملاً نامطلوب بسر می برد.

دوم، "اجرای بی تنازل قانون اساسی" در صدر مطالبات ملت ایران قرار دارد. به این معنی که:

اولاً در متن این قانون حداقلی از ضوابط دموکراتیک و حقوق بشری و مبانی اسلام رحمانی یافت می شود.

دیدگاه سوم بسیار نزدیک است. اصول این دیدگاه را می توان چنین صورت بندی کرد:

اول، سکولاریسم در صدر مطالبات ملت ایران است. دوم، سکولاریسم از دموکراسی لاینفک است. دموکراسی غیر سکولار امری بی معناست. تلاش برای سازگاری اسلام و دموکراسی کوششی عبث است. سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی به دلیل دخالت دادن دین در دولت و سیاست و عرصه عمومی فاسد شده است. راه اصلاح آن خلع ید مطلقه از دین در عرصه عمومی و خصوصی کردن دین و تاسیس یک حکومت کاملاً سکولار است.

از این دیدگاه اشکال قانون اساسی تنها ولایت فقیه و شورای نگهبان نیست. کلیه اصولی که اسلام و تشیع را به عنوان دین و مذهب رسمی به رسمیت شناخته است، یا اصولی از حقوق ملت که با استثناهائی از موازین اسلامی یا ضوابط شرعی تبصره خورده است - یعنی اکثر اصول قانون اساسی - غیر قابل قبول است. این قانون و رژیم مبتنی بر آن اصلاح شدنی نیست. حتی پیش نویس قانون اساسی هم اگر چه مبتنی بر ولایت فقیه نبوده، اما اسلام و تشیع را به عنوان دین و مذهب رسمی پذیرفته بود، بنابراین بی طرفی نسبت به ادیان و مذاهب را نقض کرده بود.

منوط کردن تصویب یک قانون - ولو در کشوری با اکثریت بیش از 98 درصد مسلمان - به عدم مخالفت با شرع حتی اگر هیأت بررسی کننده فقیهان منتخب نمایندگان مردم در مجلس باشند با اصول سکولاریسم سازگار نیست. نگاه قانون اساسی به همه ادیان و مکاتب (از اسلام تا بهائیت) باید یکسان باشد و پیروان این ادیان و مکاتب باید از امکانات مساوی در تبلیغ و ترویج و تعلیم مرام خود برخوردار باشند.

از منظر دیدگاه چهارم اشکال اصلی جمهوری اسلامی استبدادی بودن آن نیست، دینی بودن آن است. بلکه استبدادی بودن آن ناشی از دینی بودن آن است. هر رژیم دینی استبدادی می شود. اگر فریب اصلاح جمهوری اسلامی از طریق اجرای بی تنازل قانون اساسی آنرا بخوریم، اصلاح بنیادی امور را به تأخیر انداخته ایم. اگر بپنداریم که اسلام با دموکراسی امکان سازگاری دارد، همانند این است که بگوئیم دیکتاتوری با لیبرالیسم توان جمع شدن دارد. با عناوینی از قبیل اسلام رحمانی می خواهند چهره خشن اسلام را بزک کنند. اسلام همانند هر دین دیگری در ذات خود با دموکراسی متضاد است. تنها ره رهایی سکولاریسم است و ورود دین در عرصه عمومی ام الفساد تمام تباهی هاست.

گفتنی است که سکولاریسم انواعی دارد، از سکولاریسم ذهنی تا سکولاریسم عینی؛ و سکولاریسم عینی نیز رویکردهای مختلفی دارد از جدائی نهاد دین از نظام (State)، دولت (government)، حوزه سیاسی، جامعه مدنی تا عرصه عمومی. بیشک این انواع حکم یکسانی ندارند. برخی از انواع آن (سکولاریسم ذهنی) به نظر نگارنده مخدوش است. برخی از رویکردهای سکولاریسم عینی (جدائی نهاد دین از نظام) قابل دفاع است، در عین اینکه فعالیت دولت (government)، حزب، انجمن غیر دولتی با هویت دینی به شرط رعایت ضوابط دموکراتیک را ممنوع دانستن موجه نیست. تفصیل این اجمال در مقالی دیگر خواهد آمد. انشاء الله

قانون اساسی جمهوری اسلامی در تعارض با تمامی انواع سکولاریسم اعم از موجه و غیرموجه است. مطرح کردن نوع موجه سکولاریسم (جدائی نهاد دین از نظام) در اولویت مطالبات ملت نیست. به لحاظ مقدمات ابتدا اجرای اصول مغفول قانون اساسی و تفسیر حقوقی و دموکراتیک از اصول غیر دموکراتیک آن قرار دارد. در مرتبه دوم اصلاح قانون اساسی از اصول غیر دموکراتیک است. در مرتبه سوم نوبت به سکولاریسم (به معنای موجه آن) می رسد. مشکل رویکرد چهارم اولاً عدم تفکیک بین رویکردهای مختلف و گاهی انواع مختلف سکولاریسم و ثانیاً عدم اولویت این مطالبه در میان مطالبات مقدور ملت ایران است.

کلام پایانی: جنبش سبز و قانون اساسی

اصلاح نظام سیاسی در ایران مراحل زیر را در پیش دارد: اجرای اصول برجامانده قانون اساسی که برآورنده حقوق بشر و دموکراسی حداقلی است
تفسیر حقوقی و دموکراتیک از دیگر اصول قانون اساسی با پشتنگرمی اقتدار جامعه مدنی جوان ایران
اصلاح قانون اساسی و پاکسازی کردن آن از اصول غیر دموکراتیک از قبیل ولایت فقیه

ثانیا، با اقتدار جامعه مدنی اصول دیگر مندرج در قانون فعلی توان ایجاد مانع در برابر اراده ملی را نخواهند داشت.

سوم، درباره آینده نظام و اصلاح قانون اساسی در مراحل بعدی از طریق همه پرسی تصمیم گیری خواهد شد.
این دیدگاه در هر سه اصل خود با رویکرد اول در تعارض است. در اصل دوم خود با دیدگاه سوم و چهارم اختلاف جدی دارد. در اصل سومش نیز با دو دیدگاه اخیر تفاوت دارد زیرا آنها رفراندم را فوری ترین مطالبه ملی می شمارند.

دیدگاه سوم: رویکرد دموکراتیک

این دیدگاه که به بخشی از معترضین جمهوری اسلامی متعلق است، عملاً اصول و ضوابطی دارد:

اولاً، دموکراسی و حقوق بشر را در صدر مطالبات مردم ایران می داند. ثانیاً، تحقق این مطالبات را از طریق قانون اساسی جمهوری اسلامی به دلیل ابتناء آن بر اصل ضد دموکراتیک و ولایت مطلقه فقیه و لوازم آن ممکن نمی داند. در نخستین فرصت باید رفراندم برگزار شود و تکلیف آینده نظام مشخص شود. ثالثاً، اگر چه به برخی انواع سکولاریسم باور دارد، اما آنرا در صدر مطالبات خود بر نمی شمارد و حداقل برای موقعیت فعلی ایران تجویز نمی کند.
دیدگاه دموکراتیک در نخستین اصلش با رویکرد رسمی مرزبندی می کند. در عین اینکه در مقایسه با رویکرد دوم نیز می توان آنرا قائل به دموکراسی حداکثری نامید. در اصل دوم به وضوح از رویکرد دوم (قانونی/ سبز) فاصله می گیرد. در اصل سومش نیز تمایز خود را با رویکرد چهارم برجسته می سازد.

در مطلوبیت دموکراسی و حقوق بشر بحثی نیست. عمده بحث در امکان عملی تحقق دموکراسی حداکثری فراتر از قانون اساسی در شرائط فرهنگی سیاسی فعلی ایران است. قائلان دیدگاه دوم آنرا ایده آلی غیر مقدور در شرائط فعلی ارزیابی می کنند. اما طرفداران دیدگاه سوم آنرا ممکن و مقدور و مطلوب ارزیابی می کنند. امیدوارم ادله و قرائن کافی برای اثبات این مدعی از سوی قائلانش اقامه گردد.

تشریح اصل دوم این دیدگاه روشن است. قانون اساسی و رژیم جمهوری اسلامی استعداد اصلاح ندارد، از بنیان فاسد شده است. تنها راه باقیمانده برانداختن آن است. وصله پینه قانون اساسی و مشاطه گری این رژیم، آب در هاون کوبیدن است. تجربه دوران اصلاحات کافی است. استبداد دینی با برخورداری از قدرت بی حد و حصر قانونی و امکانات فراوان فراقانونی و با اتکا به قدرت نظامی امنیتی و اقتصاد تک محصولی هرگز به هیچ اصلاح از درون تن نخواهد داد. مشکل ایران رئیس جمهور تقلبی نیست، رهبری مستبد و دیکتاتور است. در قانون مشروطه که شاه قانوناً فاقد مسئولیت بود و مقامی تشریفاتی محسوب می شد، بیش از نیم قرن ایران را در حسیض خفقان فرو برد. در قانون جمهوری اسلامی رهبر نه تنها از مسئولیت در برابر نهاد بشری مبری است بلکه اختیاراتی مطلقه هم داراست، واضح است که چنین استبدادی که پشتگرم به تلقی خاصی از میانی دینی است، تا برقرار است کشور روی آرامش نخواهد دید. بنابراین تجربه تاریخی تردیدی باقی نمی گذارد که با وجود اصل ارتجاعی ولایت فقیه هیچ اصلاحی در ایران ممکن نخواهد بود. می باید در نخستین فرصت از این قانون اساسی استبدادی و این رژیم فاسد خلع ید کرد و با برگزاری رفراندم آینده ایران را رقم زد.

ضمناً با توجه به شرائط فرهنگی ایران دموکراسی برای آن از نان شب واجب تر است. اما سکولاریسم (جدائی نهاد دین از نهاد سیاست) را می توان تا مرحله بعدی جنبش به تعویق انداخت. با پیش نویس قانون اساسی که در آن اسم و اثری از ولایت فقیه نبود هم می توان با توجه به شرائط خاص ایران به دموکراسی و حقوق بشر رسید. اگر روشنفکران مسلمان می توانند قرائتی دموکراتیک از اسلام ارائه کنند باید به آنها خوشامد گفت. اگر توانستند در رقابتی آزاد و منصفانه از اکثریت برخوردار و حقوق اقلیت را رعایت کنند و در زمان مقرر قدرت را به شکل مسالمت آمیز به منتخب بعدی ملت بسپارند، دینداریشان در عرصه عمومی هیچ منافاتی با دموکراسی ندارد.

از این دیدگاه اصول مربوط به ولایت مطلقه فقیه و شورای نگهبان - یعنی همان اصولی که در دیدگاه رسمی نقطه قوت شمرده می شد - نقاط ضعف قانون اساسی به حساب می آیند.

دیدگاه چهارم: رویکرد سکولار

چهارمین دیدگاه که بخش دیگری از معترضین ایرانی را نمایندگی می کند، به

۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

بیش تر کمیسیونی تشریفاتی است انصراف داد تا جمهوری اسلامی وارد شود، بدین ترتیب عضویت ایران در کمیسیون مقام زن، قطعی به نظر می رسد. از سوی دیگر ایران به احتمال زیاد به عنوان نایب رئیس این کمیسیون برگزیده خواهد شد. چون بر اساس گزارشها اکنون این معاونت خالی است و انتخابات فردا نیز برای این کرسی است.

اما این مساله که فعالان حقوق بشر از آن به عنوان زد و بند سیاسی یاد می کنند واکتس های متفاوتی را ایجاد کرده است. "روز" در گفتگو با فعالان جنبش زنان ایران و هادی قائمی به بررسی جوانب مختلف این موضوع پرداخته است.

ترقد سیاسی

شیرین عبادی، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، عضویت ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را بسیار بی اهمیت می داند. او در گفتگو با "روز" با اشاره به کناره گیری ایران از کاندیداتوری در شورای حقوق بشر سازمان ملل می گوید: دولت ایران برای جلوگیری از یک شکست فاحش سیاسی، درخواست خود را پس گرفت و از کشورهای آسیایی درخواست کرد که او را به عنوان کاندیدا

برای کمیسیون مقام زن معرفی کنند و در حقیقت این موضوع یک شکست سنگین سیاسی برای دولت ایران بود و عضویت در کمیسیون مقام زن بسیار بی اهمیت استند خانم عبادی توضیح میدهد که برخلاف شورای حقوق بشر سازمان ملل، کمیسیون مقام زن، هیچ گونه امتیازی در قضاوت درباره عملکرد دیگر کشورها و در هیچ زمینه دیگری به دولت ایران نمی دهد و اعضا فقط وضعیت حقوق زن در کشورهای دیگر را رصد می کنند بدون اینکه حق قضاوت یا صدور قطعنامه و یا تهیه پیش نویس آیین نامه ای را داشته باشند.

به گفته خانم عبادی، کمیسیون مقام زن، یک کمیسیون فرعی است که فاقد هرگونه اختیارات اجرایی است و عضویت در این کمیسیون، هیچ گونه مزیت و امتیازی به حساب نمی آید. در مقابل می تواند این حسن را داشته باشد ایران به الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، ناگزیر شود.

وی با تاکید بر فاقد اختیارات بودن کمیسیون مقام زن می افزاید: دولت ایران در کشورهای آسیایی برای عضویت در این کمیسیون رقیبی ندارد و شانس خود را برای پوشاندن شکست فاحش خود در شورای حقوق بشر سازمان ملل امتحان میکند و در حقیقت اینکه اعلام کردند برای عضویت در این کمیسیون از آن شورا صرف نظر کرده اند یک ترقد سیاسی است و مصرف داخلی دارد.

هشدار به تلاشگران حقوق زنان

آسیه امینی، روزنامه نگار و فعال جنبش زنان اما از زاویه دیگری به این موضوع می نگرد. او از سه جنبه به بررسی موضوع عضویت ایران در کمیسیون مقام زن پرداخته و به "روز" می گوید: در جنبه اول، این مساله یک ایراد به ساختار کمیسیون مقام زن سازمان ملل است که در واقع مانند بسیاری از نهادهای بین المللی، ایرادهای ساختاری جدی دارد. یعنی در اصل تنها مبنای پذیرش عضو در این کمیسیون، سهمیه بندی منطقه ای است نه صلاحیت

رفتاری و عملکردی اعضا. لذا از بین 54 عضوی که برای این کمیسیون پذیرفته می شود، یک صندلی خالی کافی است تا دولتی مثل دولت فعلی ایران که اساسا

با موضوعی به نام برابری جنسیتی مخالف است و برای تثبیت این مخالفت از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده، به عنوان یک عضو این کمیسیون، آن هم در

جایگاه معاونت رئیس دفتر کمیسیون پذیرفته شود. یعنی تنها کرسی خالی فعلی. خانم امینی سپس سپس به تلاش دولت ایران در سالهای اخیر در سطح بین المللی

برای توجیه سیاست های این کشور در قبال زنان اشاره کرده و توضیح میدهد: در سالهای اخیر دولت ایران در بسیاری از کنفرانس های بین المللی که در حوزه

زنان مطرح شده، تلاش کرده است با فرستادن افرادی که، نماینده واقعی جامعه مدنی و زنان ایران نبوده و مدافعان سیاست های دولت هستند، سیاست گذارهای

دولت را در خصوص مسائل زنان توجیه کند. یکی از این توجیها، توسل به فرهنگ بومی و ارزش های مذهبی برای پس زدن خواسته های برابری خواهانه

زنان ایران بوده است که همواره نمایندگان دولت ایران و برخی سازمان های غیر دولتی مدافع دولت ایران تلاش کرده اند به اسم فرهنگ و سنت و مذهب،

نظام پدرسالارانه موجود در ساختارهای سیاسی و اجتماعی را خواسته مردم ایران جلوه دهند. لذا حضور دولت ایران به عنوان یک عضو در کمیسیون مقام

زن، این تهدید را برای زنان ایران و جهان خواهد داشت که یک فرصت بین المللی به جای این که مصروف دموکراسی و برابری جنسیتی شود برای خواسته های بنیادگرایانه دولت ایران هزینه شود.

این روزنامه نگار از عضویت ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل به عنوان یک هشدار برای زنان یاد کرده و می افزاید: این مساله یک هشدار به سازمان

های زنان و تلاشگران حقوق زن در سراسر دنیا است که اگر چه کمیسیون مقام زن دارای ضمانت اجرایی نیست اما نفوذ تفکر ضد برابری در مجامع بین المللی

را جدی بگیرد.

اصلاح نظام سیاسی (state) از طریق جداکردن نهاد دین از آن (سکولار کردن نظام سیاسی)، در عین به رسمیت شناختن حق فعالیت دموکراتیک با هویت دینی برای دولت (government)، حزب و انجمن غیردولتی

این مراحل در طول هم قرار دارد. بسیار بعید به نظر می رسد که قبل از هر مرحله بتوان مراحل بعدی را محقق کرد. انباشته کردن مطالبات و طرح یکباره آنها خلاف دوراندیشی است. برخی از این مراحل (از قبیل مرحله چهارم) هنوز به کار فرهنگی و آگاه سازی عمومی فراوانی نیاز دارد. جنبش سبز در شرائط فعلی منحصر به مراحل اول و دوم است و تا اطلاع ثانوی دو مرحله اخیر را در دستور کار خود ندارد. اصولا مراحل سوم و چهارم بدون رفراندوم محقق نمی شود.

جنبش سبز مردم ایران به روایت مولدان و نمایندگان برخوردار از اقبال ملی مطالباتی حداقلی و استقامتی حداکثری دارد. این مطالبات در اجرای اصول برجامانده قانون اساسی و تفسیر حقوقی و دموکراتیک دیگر اصول آن خلاصه می شود. این جنبش (تا برگزاری رفراندوم) نه قصد تغییر رژیم دارد و نه مطالبه

ای فراتر از قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد. دموکراسی حداکثری یا سکولاریسم خارج از مطالبات جنبش سبز است. تاب جنبش محدود و توانش مشخص است. تبیین مطالبات بر اساس ظرفیت جنبش شرط خردمندی است.

اگر ترسیم این قلم از جغرافیای سیاسی جنبش سبز صحیح باشد، معنای تلخ آن این است که ما همچنان همان را می خواهیم که نویسنده کتاب "یک کلمه" یک قرن و نیم پیش می خواست: "قانون". همان را می خواهیم که پدرانمان در

نهضت مشروطه می خواستند: تاسیس عدالت خانه و محدودیت قدرت و نظارت بر آن. همان را می خواهیم که مبارزان ملی پیش از انقلاب می خواستند: شاه

سلطنت کند نه حکومت. همان را می خواهیم که سی و دو سال قبل در جریان انقلاب اسلامی طلب می کردیم: استقلال و آزادی و عدالت و اسلام رحمانی. یک

قرن و نیم است اجرای قانون می خواهیم. اینک تجربه های فراوان کسب کرده ایم، ما دیگر از سوراخی دوبار گزیده نمی شویم و استبداد را در هر لباسش از

دینی و سکولار شناسائی می کنیم. زمان شعار های آتشین و بیان ایده آلهای پرزرق و برق سپری شده است. زمان اقدامات پیگیرانه و مستمر و استقامتهای بزرگ بر سر مطالبات حداقلی فرا

رسیده است. مهم این است که تا به آخر بایستیم. نگارنده از نقد آراء خود استقبال می کند.

منبع: جرس

تلاش برای پوشاندن شکست در عضویت کمیسیون حقوق بشر

سازمان ملل

کرسی آسیا در کمیسیون مقام زن، با زد و بند

فرشته قاضی



خبیر کاندیداتوری جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در کمیسیون مقام زن در حالی منتشر شده است که انتخابات این کمیسیون روز چهارشنبه، یعنی فردا

برگزار می شود و بر اساس گزارش خبرنگار "روز" کشور پاکستان که قرار بود کاندیدای منطقه برای عضویت در این کمیسیون باشد، به نفع ایران کنار

کشیده و ایران جایگزین این کشور شده است. روز شنبه، سخنگوی وزارت خارجه ایران، خبیر از انصراف این کشور از کاندیداتوری در شورای حقوق بشر

سازمان ملل داده و گفته بود که این تصمیم نتیجه تبادل نظر با بقیه کشورهای آسیایی عضو شورای حقوق بشر بوده و قرار شده ایران عضویت در کمیسیون

بین المللی حقوق زنان را درخواست کند. با توجه به اینکه چنین نهادی در سازمان ملل وجود ندارد، برخی از این سخن این مقام ایرانی به عنوان یک بلوف برای

پوشش شکست در جلب آرای کشورها برای عضویت در شورای حقوق بشر سازمان ملل یاد کردند اما روز گذشته معلوم شد ایران رسماً کاندیدای عضویت

در کمیسیون مقام زن شده است و منظور سخنگوی وزارت خارجه ایران از کمیسیون بین المللی حقوق زنان، همان کمیسیون مقام زن سازمان ملل بوده

است. گزارش خبرنگار "روز" حاکیست از آسیا کشورهای ایران و تایلند، کاندیدای عضویت در این کمیسیون بودند اما زمانی که جمهوری اسلامی احساس

کرد نخواهد توانست رای لازم را برای عضویت در آن کمیسیون مهم به دست آورد به تایلند پیشنهاد داد و در مقابل تایلند از عضویت در کمیسیون مقام زن که

تف سر بالا

پروین اردلان نیز از زاویه ای دیگر موضوع عضویت ایران در کمیسیون مقام زن را بررسی می کند. وی به "روز" می گوید: سیاست دولت ایران همیشه این بوده که نسبت به فعالیت هایش واکنش ایجاد کند و از طرف دیگر کار خودش را بکند.

وی با بیان اینکه همه دولت ها می توانند خود را برای عضویت در کمیسیون مقام زن کاندیدا کنند می گوید: تناقض در کاندیداتوری دولت ایران برای عضویت در این کمیسیون نیست بلکه تناقض در ساختار خود کمیسیون مقام زن است که از یک طرف، در خصوص برابری جنسیتی تلاش میکند اما از طرف دیگر برای این کمیسیون فرقی نمیکند که دولت های عضو به این مساله توجه می کنند یا نه.

به گفته خانم اردلان، عضویت ایران در کمیسیون مقام زن ناقض ساختار این کمیسیون و نشانگر این است که توجه به برابری جنسیتی، چندان مساله استراتژیکی برای این کمیسیون نیست چون در غیر این صورت، می توانستند گروه های غیر دولتی را نیز در این کمیسیون سهیم کنند.

خانم اردلان از این مساله به عنوان نوعی تف سر بالا برای کمیسیون مقام زن یاد کرده می گوید: این نشان میدهد که سازمان های بین المللی تا چه اندازه، ساختار های نقض کننده دارند. اما در عین حال که اکنون میدانیم در این مدت کوتاه، اگر اعتراضاتی شکل بگیرد مانع از عضویت دولت ایران در این کمیسیون نخواهد شد اما این اعتراضات می تواند صدای زنان ایران را به عرصه جهانی برساند. این فعال جنبش زنان سپس با تاکید بر اینکه، عضویت دولت ایران در این کمیسیون چندان هم وحشتناک و دور از انتظار نیست و همیشه امکان آن وجود داشته و دارد می افزاید: دولت ایران می خواهد از این زاویه اعلام کند که در حوزه زنان فعال است اما در آن سو شکل های مختلف تبعیض جنسیتی است که در داخل ایران در حوزه های مختلف شاهد هستیم.

به گفته خانم اردلان عضویت دولت ایران در این کمیسیون، در نقد عملکرد ایران در جامعه جهانی در خصوص زنانی می تواند پوئن مثبتی نیز برای فعالان زن باشد.

وی می گوید: به جای اینکه فقط واکنش نشان دهیم می توانیم از این قضیه به عنوان یک کنش به نفع زنان و فعالیت های برابری جنسیتی استفاده کنیم.

بنیادگرایی در سازمان ملل

محبوبه عباسقلی زاده از فعالان جنبش زنان اما این عضویت را نوعی توهین و بی احترامی به آرمان و خواسته های میلیون ها زن ایرانی و آسیایی دانسته و به روز می گوید: آرمان هایی در سند پکن متبلور شد که این کمیسیون ارش نظارت بر اجرای آن آرمان هاست. رژیم ایران در دولت احمدی نژاد تا جایی که توانسته با مفاد سند پکن مخالفت کرده و حاضر نشده هیچ نوع پاسخگویی به تعهدات خود در اجرای این سند باشد.

وی می افزاید: نگاهی به سخنرانی ها و موضع گیریهای مقامات دولت ایران نشان می دهد که آنها اساسا سازمان ملل و مکانیزم های جنسیتی آن را بر خلاف ایدئولوژی بنیادگرایی خودشان می دانند و حالا جای تعجب است که نمایندگان دولت ایران که واپسگرایانه ترین موضع گیری ها را علیه زنان دارد، در کمیسیون مقام زن عضو می شود.

خانم عباسقلی زاده در عین حال توضیح می دهد که ایران از قاره آسیا در این کمیسیون قصد عضویت دارد که متأسفانه از نظر سطح دمکراسی و برابری جنسیتی وضع وخیم تری نسبت به سایر قاره ها دارد از بین یازده سهمیه آسیایی این کمیسیون تنها یک کرسی خالی است که برای تصاحب آن رقابت بین دو کشور تایلند و دولت ایران بود که بعد از انصراف اجباری دولت ایران از عضویت در شورای حقوق بشر به نفع تایلند، این صندلی به عنوان تنها گزینه در اختیارش قرار گرفت.

به گفته وی، متأسفانه نمایندگان کشورهای آسیایی که تا همین دیروز با فشار سیاسی خود باعث عقب نشینی دولت ایران از نامزدی شورای حقوق بشر شدند حالا در مقابل عضویت ایران در کمیسیون مقام زن سکوت اختیار کرده اند. این نشان می دهد که حتی موضوع مهمی مثل مسئله زنان برای نمایندگان سیاسی کشورها اهمیت کمتری مثل از مسئله تحریم دارد. در حالی که هویت اصلی رژیم ها بنیادگرا بر اساس تبعیض جنسیتی ساخته می شود و کمیسیون مقام زن حاصل رنج جنبش جهانی زنان در چند دهه اخیر است و حضور جمهوری اسلامی در آن جا به معنای نهادینه کردن بنیادگرایی در سازوکارهای رسمی سازمان ملل است.

زد و بند سیاسی

هادی قائمی، سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر اما معتقد است که دولت ایران لیاقت عضویت در کمیسیون مقام زن را ندارد و سیاست های این کشور در

قبال برابری جنسیتی بسیار مخالف با اهداف این کمیسیون است. به گفته او، ایران توانسته است با زد و بند های سیاسی در سطح منطقه، نامزد عضویت در این کمیسیون شود.

آقای قائمی می گوید: تلاش ایران برای عضویت در کمیسیون سازمان های غیر دولتی سازمان ملل و همچنین شورای حقوق بشر این سازمان با شکست مواجه شد و در حقیقت عضویت در کمیسیون مقام زن، هیچ گونه پیروزی برای دیپلماسی دولت احمدی نژاد محسوب نمی شود.

وی توضیح میدهد که بنا بر اطلاعاتی که ما داریم پاکستان است در این زد و بند سیاسی نقشی اساسی داشته و کرسی خود را با ایران معامله کرده است.

به گفته آقای قائمی، این عضویت، هیچ گونه امتیازی به اسران نمی دهد هر چند که دولت ایران تلاش خواهد کرد سیاست ها و اهداف کمیسیون را تحت تاثیر قرار دهد اما سیاست های دولت ایرانچنان با سیاست های سازمان ملل در تضاد است که مطمئنا در این در اقلیت خواهد بود و راه به جایی نخواهد برد.

وی تصریح می کند که دولت ایران این کرسی را بدون رای گیری تصاحب می کند در حالی که برای شورای حقوق بشر، رای گیری در مجمع عمومی می بود و شکست بدی در انتظارشان بود.

ز نامزدی در کمیسیون مقام زن، باز هم انتخاب ایران، نزدیک به یقین خواهد بود

منبع: روزآتلاین

افزایش جمعیت و فقر**اسماعیل گرامی مقدم**

در دهه های اخیر کشورهای جهان به طور مشخص به سه دسته تقسیم شده اند: کشورهای توسعه یافته (جهان اول) کشورهای در حال توسعه (جهان دوم) و کشورهای توسعه نیافته (جهان سوم) و آنچه در این تقسیم بندی وجه متمایز هر یک نسبت به دیگری بر شمرده می شود واژه توسعه است. توسعه یافتگی صرفاً "به مفهوم رشد اقتصادی نیست بلکه مجموعه امتیازهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در یک جامعه را در بر می گیرد. هر چقدر که از آغاز این تعاریف جهانی فاصله گرفته ایم مرز بندی بین این سه دسته نیز قابل اندازه گیری تر شده است و می شود. به نحوی که می توان امروز با مقایسه کشورهای جهان اول با دو دسته دیگر با اعداد ریاضی، سنجش دقیقی از آن به عمل آورد. پس از عبور از نظریه های علمی در خصوص توسعه، سازمان های جهانی نظیر بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان ملل با تاکید بر این مبانی علمی به جمع بندی های ذیل در خصوص بر جسته ترین ویژگی های توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی دست یافته اند.

1- بالا بودن رشد اقتصادی 2- بالا بودن تولید ناخالص داخلی 3- افزایش صادرات 4- بالا بودن ارزش پول ملی 5- کاهش نرخ تورم 6- کاهش نرخ سود بانکی 7- کاهش نرخ بیکاری 8- کاهش نرخ جمعیت 9- کاهش نرخ بی سوادگی

همانگونه که ملاحظه می شود این دسته از علائم توسعه یافتگی از عمده ترین ویژگی های یک جامعه توسعه یافته قلمداد می شود. آنچه مسلم است پرداختن به همه موارد فوق از حوصله بحث ما خارج است و ناگزیر هستیم با بحث های مطروحه در خصوص افزایش جمعیت کشور ایران نرخ رشد جمعیت را که اندیشمندان اقتصادی، اجتماعی و همچنین سازمان های جهانی کاهش آن را مصداق توسعه یافتگی و افزایش آن را نشانه عقب افتادگی می دانند، بیشتر مورد کاوش قرار دهیم. هر چند هنوز حامیان سیاست افزایش جمعیت دلایل خود را به طور علمی و پژوهشی اعلام نکرده اند و صرفاً "برق رسانی، گازرسانی، افزایش تعداد مدارس و دانشگاهها و دیگر خدمات دولتی را نشانه توسعه یافتگی دانسته و رابطه خطی میان افزایش خدمات دولتی و افزایش جمعیت را عامل پیشرفت اعلام کرده اند. البته پرواضح است که افزایش جمعیت هیچ ارتباطی با بهتر شدن وضعیت مردم یا توسعه یافتگی ندارد یعنی ضرورتاً "افزایش جمعیت منجر به رفاه عمومی مردم نخواهد شد هر چند ممکن است خدمات عمومی ارائه شده توسط دولت ها افزایش چشمگیری داشته باشد. در حالی که عکس این قضیه ثابت شده است یعنی کاهش جمعیت منتج به بهبود وضعیت افراد یک جامعه شده است که به عنوان نمونه بارز، می توان به کشورهای شمال اروپا (اسکاندیناوی) اشاره کرد اما هنوز جان کلام ما، جلای خاص خود را یافت نکرده، بلکه نتایج هولناک بالا بودن نرخ جمعیت با مقوله فقر نسبت مستقیم دارد که محققین و

مانیفست فرزاد عارف نادری



آزادی از جمله‌ی مفاهیمی است که انسان همیشه آرزو و تمنای آن را داشته و برای دستیابی بدان تلاش کرده است. به عبارتی دیگر، آزادی، رویا و آرمان و مطالبه‌ی مشترک همه‌ی انسانهاست. اما مهمتر از خواست و فهم آزادی، اراده و جرئت قبول آزادی و صیانت از آزادی است. طبیعیست که همه‌ی ما در پی آزادییم، لیکن خود ما نیز بزرگترین ترس را از آزادی داریم، شاید بدین علت که خود ما شخصاً در بطن و درون خویش انسان‌هایی آزاد نیستیم. انسان آزاد، نه تنها توان اندیشه و آزاداندیشی را داراست بلکه قدرت و شجاعت برخوردار از آزادی و زندگی آزاد را نیز دارد. یعنی بهای آزادی را می‌پردازد و رنج فهمیدن را تقبل می‌کند و هیچ مانع و عاملی نمی‌تواند باعث دوری‌جستن وی از خواست آزادی باشد. به گرنه‌ای که مدام تابوها و خطوط قرمز خفقان را شکسته و راهکار و سیاق‌های نوین و متناسب با شأن انسانی‌اش جهت تحقق آزادی ارائه می‌دهد.

فرزاد کمانگر، معلم، فعال حقوق بشر و حامی محیط زیست، نمونه‌ی عینی انسان آزاد و آزادیخواه است. فرزاد همچنانکه گذشته و حال او روایتگر و نمایانگر آنست، فردی بوده است که از رویاهای آسمانی گذر کرده و منافع و سعادت زمینی و اومانیستی را به عنوان آرمان و خطمشی در پیش گرفته و پیموده است. انسانی که سکوت را فریاد نموده و آخرین نفس را سراغاز دوباره‌زیستن کرده است. فرزاد، وطن را عشق و سرود و ترانه می‌کند و بچه‌های مدرسه را با آن تعلیم می‌دهد، اقدامی که از دید سیستم حاکم و نظام آموزشی‌اش - سرود "دوباره می‌سازمت وطن" - بوی خون و باروت می‌دهد. زیرا سیستم مرگ‌باور، استشهادهای و شهادت‌طلبی نمی‌تواند واژه‌ی "عشق" و "پرسش" و "وجود" را طاقت بیاورد و انسان آزاد را پذیرا باشد. زیرا فرد آزاد و مستقل و صاحب اراده در جامعه‌ای آزاد، شالوده و متضمن انسجام و همبستگی بوده، و در جو اختناق جوامع بسته نیز، ساختارشکن، پویا و در تقابل با تمامی تابوهای مخلوق جباریت است.

فرزاد در دهشتناکترین سیاهچال‌ها، در آنطرف دیوارهای قلعه ترس و توحش و خرافه‌پرستی، به شخصیتی بلندآوازه و بالابلندتر از تمامی دیوارها، با اتوریته‌تر از خداوندگاران جور و با هیبت‌تر از قلعه‌های خوف آنان، تبدیل گشت. فرزاد فصلی نوین از زندگی همگی ماست، تجربه‌ای متفاوت و سراغازی برای گذر از وحشت طناب، چوبه‌های دار، گیوتین، جوخه‌های مرگ، دروازه‌های بسته و راه‌های نرفته است.

فرزاد در سلولهای انفرادی محدود نمی‌شود و در غیاب فراموش نمی‌گردد. او حتی زندان را بهانه‌ای می‌سازد که بار دیگر در کلاسهای درسش حضور یابد و به شاگردان مشتاقش درس عشق و سرود وطن (ای رقیب) بیاموزد و از آرزوها و رویاهای ارغوانی‌اشان بگوید. او زندان را مکانیسم و فرصتی برای خوانش خود و خودمان می‌سازد. فرزاد به واژگان کلیدی ما، حتی به من و تو تبدیل می‌گردد، او "خود" است و "ما" می‌شود، زیرا او، ما، و ما اویم، با همبودنی که رمز بودن ماست.

فرزاد با سکوت نکردن و فریاد شدن در مقابل توحش حاکم، پرده از روی شکوه دروغین دوزخ و جلال کذب بازرگانان بهشت بر می‌اندازد و با استقامتش، نامه‌ها و مواضعش، باری دیگر ضرورت پایبندی و دفاع از آزادی، آزادگی و زندگی آزاد را اثبات می‌نماید. او به ما آموخت که اگر تا دیروز، زندان نقطه‌ی پایان و قلمرو سکوت و انفعال بود، امروز دقیقاً بالعکس آن، سراغاز و سرمنشأ مبارزه و مقاومتی واقعیست. زندان از دیدگاه فرزاد، مبارزه در قلب دگماتیسم حاکم است و معتقد است ما بایستی دلیرانه و مصمم در آنجا باشیم و برای افشای خشونت و زدودن ترس ناشی از وجود دیوارها و وحشت تلقین شده از دوزخ بهشت‌فروشان اهریمنی، از دوزخ، تونل‌های مرگ و سیاهچال‌هایشان پای را فراتر نهاده و گذر کنیم. فرزاد هرگز به زندان نرفت و هیچ میله و حصار و دیواری او را پنهان‌نساخت، زیرا فرزاد از آنجا و آنسوی میله‌ها و دیوارها پیش ما آمد و تجربه‌ای گرانسنگ برای تاریخ مبارزاتی نسل ما و فصلی نوین از رویش جوانه‌ها شد...

منبع: هرانا

پژوهشگران مقوله فقر را بیشتر از گذشته نگران می‌کند چرا که میزان نرخ رشد جمعیت به دلیل تاثیرگذاری مستقیم بر منابع مالی یک کشور به شدت خط فقر را در هر جامعه‌ای تحریک خواهد کرد. اقتصاددانان معتقدند فقر آستانه رفاهی است که با تعابیر پولی بیان می‌شود و از همین منظر بازسازی توزیع منابع مالی کشورهایی که قسمت اعظم در آمدشان وابسته به منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی است نسبت به کشورهای دیگر را سخت‌تر می‌کند. به ویژه آنکه اصلاح توزیع منابع از عوامل کاهنده فقر محسوب می‌شود و از طرف دیگر هنگامی که توزیع منابع مالی یک کشور مواجه با افزایش نرخ رشد جمعیت می‌شود آنکه مساله را پیچیده‌تر می‌کند اساساً "زدودن فقر را دست نیافتنی می‌کند و این رابطه سهل و آسان است و می‌توان نمونه آن را از یک جامعه کوچکتر یعنی خانواده تا یک کشور یعنی یک جامعه بزرگتر به صورت تمثیلی عینی ارائه داد.

یک خانواده پنج نفره که دارای درآمد ماهیانه یک میلیون تومان است هر عضو این خانواده در ماه می‌تواند 200 هزار تومان را صرف زندگی خود کند. با دیدگاه جدید که معتقدند افزایش جمعیت منجر به مرغه شدن جامعه شده است با این درآمد ثابت به محض اینکه جمعیت دو برابر شود - یعنی اعضای خانواده به 10 نفر ارتقا یابد - سهم هر نفر به نصف یعنی به 100 هزار تومان کاهش خواهد یافت و این به منزله این است که اعضای خانواده به اندازه 100 واحد قادر به فراهم آوردن حداقل امکانات اولیه زندگی خود نخواهند بود و به عبارت دیگر کمبود و نایابی نیازها در اثر کمبود منابع مالی آغاز می‌شود که معنای آن در یک جامعه آغاز فقر است. حال همین مصداق بارز را می‌توان به یک روستا، شهر و نهایتاً کشور که دارای منابع ثابت مالی است تعمیم داد. سخن آخر اینکه رابطه میان افزایش جمعیت و فقر جزو بدیهیات علوم اقتصادی و اجتماعی است و به مانند 2+2=4 از یک منطق ریاضی برخوردار است. اگر هر کسی ناگهان اعلام کند که این منطق ریاضی نادرست است مسلماً جلب توجه خواهد کرد خواه این سخن خاستگاه علمی جدیدی داشته باشد، خواه به مانند گذشته سخن خلق الساعه باشد. آثار مثبت سیاست افزایش جمعیت در ابتدای انقلاب، اینک افزایش خدمات دولتی به مانند برق، آب و گاز نیست! بلکه تبعات نادرستی آن سیاست، امروزه در مواردی همچون افزایش افراد زیر خط فقر مطلق تاریخی بالغ بر 14 میلیون نفر، افزایش خط فقر نسبی به میزان بیش از 30 میلیون نفر، افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ بزهکاری، افزایش سوءتغذیه و کاهش رشد اقتصادی آشکار شده است. در این میان شاید حامیان افزایش جمعیت با نگاه سطحی کشور چین را به عنوان الگوی مناسب مطرح کنند در حالی که نباید صرفاً "رشد اقتصادی بالای آن را دستاورد افزایش جمعیت دانست چرا که حتی این رشد اقتصادی بالا نیز قادر به کنترل آثار مهیب افزایش جمعیت نشده است و هم اکنون بیش از 200 میلیون نفر در چین با درآمدی کمتر از یک دلار شب را گرسنه تا صبح سپری می‌کنند. از این رو خوب است کسانی که می‌خواهند روابط علمی و پژوهشی را به ویژه در مواردی از این قبیل که مساله‌ای مسلم و بدیهی است زیر سوال برند دلایل خود را به صورت منطقی و مبتنی بر علوم نظری، پژوهشهای علمی و مدل‌های موفق جهانی ارائه دهند.

اسماعیل گرامی مقدم، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی
منبع: روزنامه مردم سالاری



شادی صدر - حقوقدان و فعال حقوق زنان

شادی صدر



نگویید که می‌توان در ایران پسری تازه به سن بلوغ رسیده بود و بزرگ و بالغ شد، بی آنکه به زنان متلک گفت؛ بی‌عراق، این بخشی از روند بزرگشدن برای مردان در ایران است. تجربه‌ای که بدون آن، مرد ایرانی، مرد نمی‌شود.

شادی صدر

شادی صدر، حقوقدان و فعال حقوق زنان، در یادداشتی که برای مردمک نوشته است، می‌گوید: چندان فرقی بین حجت‌الاسلام صدیقی با هر یک از پسران تازه‌بالغ دیروز و مردان طرفدار حقوق بشر و حقوق زنان امروز نمی‌بینم؛ غیر از اینکه او دستکم در آنچه هست و آنچه می‌گوید، یکرو تر است.

داستان‌های امام جمعه تهران و رابطه بین حجاب و زنا و زلزله هنوز ادامه دارد. در آن سر دنیا دختری دانشجوی، کمپین «مملرزه (Boobquake)» راه می‌اندازد و ایرانیان سراسر دنیا، در شبکه‌های خبری مختلف می‌بینند که حرف‌های امام جمعه تهران که هیچ‌گونه ریشه منطقی و علمی ندارد، اسباب خنده مجریان و گزارشگران‌شان شده است.

«هریمن‌انگاری» زنان و نسبت‌دادن تمامی بلایای آسمانی و زمینی، از زلزله و سیل گرفته تا جنگ و قحطی، نه تنها موضوع تازه‌ای نیست بلکه تاریخ درازی هم دارد. در همین سال‌های اخیر، بنیادگرایان مذهبی در استان آچه اندونزی، زنان را مسبب سونامی دانستند، و واعظان الجرایزی هم هر بار که زلزله‌ای می‌آید آن را به رفتارهای نامناسب زنان ربط می‌دهند. در دنیای مسیحیان و یهودیان و هندوهای بنیادگرا هم اوضاع به همین منوال است.

اما این یادداشت کوتاه نه درباره فرهنگ اهریمن‌انگاری زنان و نه رویکرد بنیادگرایان مذهبی به زن و بدن و ذهن زن است. این یادداشت کوتاه فقط برای تلنگر زدن به خودمان نوشته شده است؛ به مصداق سوزنی که باید به خودمان بزنیم در مقابل جوال دوزی که مثلا به حجت‌الاسلام صدیقی می‌زنیم.

ارتباطی که امام جمعه تهران بین حجاب و رفتار زنان با زلزله برقرار کرده، با هیچ توجیه منطقی و علمی همخوانی ندارد اما بسیاری سیاستمداران، حتی بسیاری از روشنفکران و به تبع آنان آدم‌های عادی، بارها نسبت‌هایی به همین اندازه ضد زن، میان حجاب و رفتار زنان با ناهنجاری‌های عمومی برقرار کرده‌اند و هیچگاه این چنین از سوی جامعه مورد سرزنش یا تمسخر قرار نگرفته‌اند.

منظور من در اینجا مسئولان دولت احمدی‌نژاد نیست که ارسال اس‌ام‌اس‌های مستجهن از سوی زنان به همکاران مردانشان را از علل افزایش طلاق می‌دانند، یا روحانیون تندرویی که از روبنده، برای پاک‌کردن صورت مساله‌ای به نام زن دفاع می‌کنند.

منظور من خود شما هستید، بله، خود شما، آقایان! همه کسانی که اظهارات امام جمعه تهران را خلاف قواعد علمی ثابت‌شده در مورد علل وقوع زلزله دانسته‌اید و در یک بعد از ظهر مطبوع بهاری، چای را که مادر اتان، زنتان، خواهرتان یا حتی دوست‌دخترتان جلویتان گذاشته، هورت کشیده‌اید و مفرح‌شده از صحبت‌های امام جمعه، زندگی و کارتان را ادامه داده‌اید بی آنکه حتی یک لحظه فکر کنید شما، خود شما نیز عضو همان باشگاهی هستید که امام‌جمعه تهران از بلندپایگان آن است. تعجب می‌کنید؟ می‌پرسید چرا؟!

همه ما زنان ایرانی، از همان سال‌های اول زندگی‌مان، حداقل در راه مدرسه، اگر نه در خانه، آزار جنسی را که با متلک‌های ظاهر ساده شروع می‌شد و تا تعقیب و گریز، دستمالی و تهدید به تجاوز در کوچه‌های خلوت یا مکان‌های خیلی شلوغ بالا می‌گرفت، تجربه کرده‌ایم.

ترس از مردان، از نگاهشان و از این‌که دنبالت راه بیفتند، همواره فضای کوچکی و خیابان را برای ما ناامن کرده است. و عاملان این آزار جنسی مدام، چه کسانی بودند؟ شما! بله، خود شما! به من نگویید که می‌توان در ایران پسری تازه به سن بلوغ رسیده بود و بزرگ و بالغ شد، بی آنکه به زنان متلک گفت؛ بی‌عراق، این

بخشی از روند بزرگشدن برای مردان در ایران است. تجربه‌ای که بدون آن، مرد ایرانی، مرد نمی‌شود.

در عوض، در آن سوی دیگر، تذکرها و فشار مداوم خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برای پوشاندن خود، و بیشتر پوشاندن خود، بدن خود، خنده‌های خود، شادابی و زیبایی کودکی و نوجوانی و جوانی خود و ذهن و تمایلات و خواسته‌های خود، بخشی از روند بزرگشدن برای زنان در ایران است. روندی که اتفاقا شما آقایان، بله همین شما، حتی در آن هم سهیم هستید؛ حتی اگر نوجوانی بیش نباشید.

لطفا یک بار هم که شده جلو آینه بایستید و از خود بپرسید: اولین باری که به دختری متلک گفتم کی بود؟ اولین باری که به خواهرم، یا حتی به مادرم، یا دخترخاله‌ام یا دوست‌دخترم گفتم روسری‌ات را بکش جلو یا آرایش نکن جلو هر مرد و نامرد غریبه، کی بود؟

می‌بینید؟! شوخی بامزه‌ای نیست: شما همان مرد و نامرد غریبه‌اید که خیابان را برای خواهر و مادر و دختر دیگران ناامن می‌کنید و در عین حال، همان مرد محرمی هستید که زن و خواهر و مادرتان را بیشتر و بیشتر می‌پوشانید تا از مرد و نامرد غریبه محفوظ بمانند و این عین همان کاری است که همان مرد و نامرد غریبه با زن و خواهر و مادر شما و زن و مادر و خواهر خودش به طور هم‌زمان می‌کند. برایش هم توجیه دارید: مردها اینطوری‌اند! اصلا اینطوری به دنیا آمده‌اند! چشمشان دنبال زن‌هاست! هیزند! و اغلب، با وجود وجه منفی که این صفت دارد، وقتی به مردان نسبت داده می‌شود، با تسامح عمومی مواجه می‌شود. و از آن طرف هم لابد مردها ناموس‌پرستند و اسلام گفته که خودت را بپوشان. و باز هم سرکوب زنان در خانه، جنبه‌های مثبت می‌یابد. و اگر روشنفکرتر باشی: من حال گشت ارشاد و آژان و آژان‌کشی ندارم! یا حوصله حرف مردم را ندارم!

خب امام‌جمعه «فلک‌زده»، تهران هم که چیزی غیر از این نگفته که شما گفته‌اید و می‌گویید: گفته زن‌ها با بی‌حجابی‌شان فساد می‌آورند، چون باعث می‌شوند مردها تحریک شوند. و فساد، زلزله می‌آورد. گیرم دومین جمله را شما اینطوری نمی‌گویید اما مثلا می‌گویید فساد چیز بدی است چون بی‌بندوباری می‌آورد و طلاق را زیاد می‌کند و انواع بلایای اجتماعی را دامن‌گیرمان می‌کند که کم از زلزله ندارد. و اگر نبود این توجیها، چگونه دایره معیوب آزار جنسی روزانه زنان توسط مردان و افزایش فشار بر زنان برای رعایت حجاب و عفاف، در ظاهرا برای کم‌کردن آزار جنسی روزمره تداوم می‌یافت، بی آنکه اصل داستان دیده شود؟

چگونه می‌توانیم به گشت ارشاد، به طرح گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، به سخنان امام جمعه تهران که برای گشت‌های ارشاد پشتوانه ایندولوژیک می‌سازد و این قبیل نقد داشته باشیم، بی آنکه از خودمان بپرسیم چند بار نقش گشت ارشاد را در کنترل ذهن و بدن زنان زندگی‌مان بازی کرده‌ایم؟ چند بار با آزار جنسی زنان، با سادینداشتن عمل متداول متلک‌گویی، به باز تولید این تفکر که زن، یک سوزنه جنسی است که اگر چون مروری‌دی در صدف حفظ نشود، به یغما خواهد رفت کمک کرده‌ایم؟

می‌بینید؟ این ما فمینیست‌ها نیستیم که دنیا را به زن و مرد تقسیم می‌کنیم: دنیای ما کاملا و از قبل از این‌که به دنیا بیاییم، تقسیم شده است: شما متلک می‌گویید، ما متلک می‌شنویم؛ شما ما را در حجاب می‌کنید، ما در حجاب می‌رویم. راه از میان بردن این تقسیم‌بندی، انکار آن نیست؛ تکرار جمله کلیشه‌ای زن و مرد هر دو انسانند و فرقی ندارند، مشکلی را حل نمی‌کند. دموکراسی روزی آغاز خواهد شد که شما، بله شما آقایان یاد بگیرید نه فقط جلو آینه بلکه در منظر عموم، به جای دفاع از حقوق زنان به مثابه امری بیرونی و انتزاعی، از تجربه واقعی، درونی و زمینی «خود» به عنوان یک «مرد» سخن بگویید و نقشی که در باز تولید ساختارهای تبعیض‌آمیز موجود داشته‌اید را به نقد بکشید.

دموکراسی و حقوق بشر، از هر یک از ما شروع می‌شود و نه از آدم‌هایی انتزاعی، که باید خودشان، نگاهشان و رفتارهایشان را اصلاح کنند تا ایران جایی بهتر برای زندگی‌کردن باشد.

تا آن زمان که امیدوارم چندان دور نباشد، راستش من چندان فرقی بین حجت‌الاسلام صدیقی با هر یک از پسران تازه‌بالغ دیروز و مردان طرفدار حقوق بشر و حقوق زنان امروز نمی‌بینم؛ غیر از اینکه او دستکم در آنچه هست و آنچه می‌گوید، یکرو تر است.

انسان، در زمان و مکان است که هستی دارد و یک خواننده به چنین مکانی در فضای قصه، "من کجا هستم" قصه نیاز دارد زیرا پیوسته از خود می پرسد چگونه جایی است و من در این جهان قصه چگونه بایستی جهت یابی کنم از اینرو همانگونه که پلات، وضعیتی ثابت است که ما در مرکز آن قرار گرفته ایم، مکان نیز حالتی ثابت است، چرا که ما همیشه در زمانی مشخص و مکانی واقعی وجود داریم و هستیم

همانطور که پرسش انسان یا شخصیت ها، سومین نیاز خواننده یک قصه است نیز "من کیستم" برای خواننده مطرح می شود، این سوال که "من کجا هستم" هر فردی نیاز به هویت جویی داشته و انسان از دارای اهمیت ویژه ای است طریق ارتباط با دیگران است که با خویشتن آشنا می شود

برای خواننده یک قصه، این نیاز، به صورت توانایی شخصیت ها و کنجکاری ما در شخصیت های یک قصه، خود را در شناخت هویت آنان مطرح می شود به بیانی باز می شناسیم و این شخصیت ها همیشه تصویری از یک انسان هستند را در "انسان" دیگر، توانایی شخصیت های قصه، خواننده را یاری می دهد تا مکان و انسان، در واقع ستون های ما در /یک قصه باز شناخته و پلات، زمان جهان مادی و واقعیت و جهان داستان می باشند

یکی دیگر از عناصر مهمی که بایستی به آن اشاره شود، این است که در یک چپستی یا کپیستی؟ "تعیین کننده یا حاکم" قصه، عنصر

موضوع حاکم یا اصلی در یک متن، عنصری است که در راس قرار دارد و این بدین معنی است که سایر عناصر ساختار و جریان قصه را هدایت می کند بایستی از عنصر اصلی و هدایت کننده پیروی کرده و خود، نقش کامل کننده یا مکمل را داشته باشند

با در نظر گرفتن چنین تقسیم بندی میتوان گفت یک قصه به سه شکل می تواند بیان و تصویر شود

- قصه ای که در آن پلات، عنصر اصلی و تعیین کننده است
- قصه ای که مکان، نقش اصلی و تعیین کننده را دارد
- یا قصه ای که شخصیت ها نقش اصلی را ایفا می کنند

اما معمولاً در یک قصه، فقط یکی از این عناصر، نقش اصلی و تعیین کننده را دارا هستند و سایر عناصر نقش تکمیل کننده را ایفا می کنند و هیچ قصه ای به بیانی دیگر، وجود ندارد که دارای یک عنصر اصلی و هدایت کننده نباشد عنصر اصلی و هدایت کننده، علت یا میدا داستان است، یعنی جایی که همه چیز از آن آغاز می شود

برای تشخیص اینکه عنصر حاکم در یک داستان کیست یا چپست، بایستی تمام (پلات، مکان، شخصیت) قصه را خوانده و در جریان متن، یکی از این اجزا ثابت و گرداننده را کشف نمود

قصه ای که در آن پلات نقش اصلی و گرداننده را دارد، مکان و شخصیت های به همین ترتیب، داستانی که در آن داستان، جنبه ثانوی و کامل کننده را دارند مکان، عنصر اصلی است، خواننده با فضایی برخورد می کند که پلات داستان در آنجا اتفاق می افتد و شامل آن چیزهای است که در محیط پیرامون شخصیت به تعریفی دیگر، (مثل زمین، باد، درخت، خانه و غیره) داستان وجود دارد نیست "هیچ" مکان؛ تمامی آن چیزی است که

در چنین قصه ای نویسنده می کوشد مکان، شرایط محیطی و شباهتی که شخصیت های داستان را در بر گرفته اند، با جزئیات هر چه بیشتری برای خواننده ترسیم کند

در داستانی که شخصیت ها موضوع اصلی و گرداننده را به عهده دارند، خود شخصیت ها هستند که جریان داستان را در زمان و مکان طی می کنند و از آنجاییکه یک قصه همیشه جریان و بیانی است در مورد انسان، به این معنی که علاقه و توجه انسان به خویش، انگیزه و هدف داستان است، خواننده در چنین داستان هایی به انسان بسیار نزدیک شده و تمامی اعماق روان و شخصیت او را جستجو، بررسی و کشف می کند و مکان فقط فضایی می شود که میتوان از آن به بیرون نگرید

خود از هر چیزی نزدیکتر "تن" انسان، به در جهان واقعیت نیز چنین است در پیرامون او مکان و اشیای وجود دارند که او را در بر گرفته اند و این است واقعیت جهان واقعی پیرامون او به سه شکل، خود را بر او آشکار می سازند ساختار اساسی یکی از این فرمها این است که داستان، در خود خواننده است

یک قصه، تصویری است از زندگی یک فرد با یک آغاز و پایان و پدیده هایی که انسان در جهان پیرامون خود با آن برخورد می کند، پدیده هایی هستند که در یک قصه باز یافته می شوند و این پدیده ها رویدادها، مکان و شخصیت ها

اگر چه زبان، تنها بنا بر این در ساختار یک قصه شرط لازم، زبان نیست هستند بلکه یک داستان دارای وسیله ای است که یک متن توسط آن بیان می شود انسان است و در هیچ قصه ای نمیتوان "تن" ساختاری است که آغاز از آن

قصه

منظر حسینی



با ما متولد می شوند، می میرند و اساسی ترین قصه ها بیان هستی انسان هستند ویژه گی روان ما را تشکیل می دهند

آیا قصه ها بخشی از ما هستند یا که ما بخشی از قصه ها؟ قصه هایی که همیشه گفته شده اند، گفته می شوند و ما خود را در آن باز می یابیم و تجربه می کنیم شاید بتوان گفت این قصه ها هستند که در ما زندگی می کنند و ما در هنگام خواندن، بخشی از این جریان روایت شده می شویم و همیشه بی هیچ مشکلی، فقط با ریزش بلورین واژه ها بر صفحه سفید کاغذ، به گردش در این جهان است، اما "من" است، قصه "دیگران" قصه ای که قصه افسانه ای می پردازیم نیست "درمن" قصه

یک متن ادبی تنها معرف یک تاریخ نیست بلکه این متن، بیان یک تاریخ است تاریخی که به موقعیتی خاص، بدل و بیان شده است و زبان و اندیشه این متن، مکانی و فرهنگی آفریده شده /توسط یک نویسنده، در یک شرایط خاص زمانی از اینرو نویسنده، توسط زبان، جهانی را در چهارچوب یک متن به است جهانی افسانه ای که به خودی خود وجود نداشته خواننده معرفی و منتقل می کند و توانایی ای روانی انسان آنرا به قصه بدل کرده است

در قصه ها، ما جهان را از چشمان یک شخصیت، یعنی یک انسان می بینیم و وقتی قصه را می خوانیم، خود را در آن می یابیم و ادراک نویسنده از آن خواننده صدای راوی داستان، صدای من خواننده شده و رویدادهای قصه آنچنان می شود زنده و عریان می شوند که گویی درست در همان لحظه ای که با نگاه و ادراک من جفت می شوند، برای من به یک واقعیت محض بدل می شود

اگرچه هر کسی جهان واقعیت را بصورتی خاص، فردی و به تنهایی تجربه می کند، با این وجود، قصه ها یک فضای روانی ای را خلق کرده و در این فضا است که انسان ها خود را ملاقات کرده، به دیدار یکدیگر رفته و به سهولت، میان جهان قصه و جهان واقعیت حرکت می کنند و از آنجاییکه می دانند قصه ها بطور واقعی و از پدیده های واقعی خلق شده اند، می توانند به این جهان پای بگذارند

جهان قصه، یک انسان را به ما هیچ چیزی در یک قصه برای ما بیگانه نیست از جمله (معرفی می کند و ما خود، انسانیم و تمامی عناصر این جهان افسانه ای به ما تعلق دارند (ها/مکان و شخصیت/پلات، زمان

قصه ای که یکی از پیچیده بنا بر این یک قصه، بیان درک انسان از واقعیت است قصه ای که بازتاب جهان ترین و اساسی ترین ویژه گی های روان انسان است جهانی که چنان آینه ای واقعی بوده و جهان واقعیت نیز بازتابی در قصه است در برابر یکدیگر قرار گرفته اند و در هر کدام که بنگریم، آن دیگری را خواهیم دید

اما در آینه قصه ها چیست و چه اصولی این جهان افسانه ای را هدایت می کند، و با واژه، بیان و به تصویر می کشاند؟

آیا یک اصل ساختاری و واقعی و فرم ویژه ای که ما بدان صورت جهان را تجربه می کنیم وجود دارد که این اصل، در ساختار یک داستان مجدداً تکرار شده و یا اینکه چه نیرویی است که جریان یک قصه را از آغاز تا پایان هدایت می کند و آیا می توان ساختار جهان واقعی را در قصه ها باز یافت؟

برای آفرینش یک قصه سه عنصر و جز اساسی وجود دارد که ساختار قصه را مکان و شخصیت های /تشکیل می دهند و این سه عنصر عبارتند از پلات، زمان داستان و یک قصه به حضور هر سه این اجزا نیاز دارد

مکان و شخصیت ها، بدون یک پلات، در یک قصه کافی نیست چرا /وجود زمان شخصیت ها و پلات نیز که یک قصه بایستی دارای یک جریان و واقعه باشد وجود داشته باشند زیرا در یک مقطع زمانی "مکان/زمان" نمی توانند بدون /زمان" و "پلات" خاص است که یک واقعه رخ می دهد و به همین ترتیب را نمی توان بدون شخصیت ها تصور کرد، چرا که شخصیت های یک "مکان

به همان اندازه که پلات یک قصه، قصه هستند که واقعه ای را خلق می کنند تعیین کننده شور و پی گیری خواننده در جریان قصه است، مشخص کردن نیز برای خواننده دارای اهمیت بسیاری است "مکان"

پیش در آمدی بر آنسوی پرده در گفتمان این سو

ناصر پساتیده

1:

اندیشه و خردی در ورای وجود جسم و کالبد متراکم موج می زد و آرام و قرار از من می گرفت. شانه بر شانه اش می نهادم ، از خود رها و از زمین جدا در آفاق های بیکران غوطه و می شدم ، بال بودم و پرواز ، رها می شدم ، رها در ره ، رها در شدن ها و رفتن ها ، بی خود و سرشار از من پویا ، سرگشته و جدا در خود آسمانی و متعالی نفس می کشیدم. صدای نفس ها و ضربان آهنگین "انالحق" می تپید و می راند. خدا زنده بود و من در نفس هایش می تپیدم و در آشیانه سلول ها و رگها و استخوانهای زندگی می کردم و می آسودم. پیش تر ها وقتی در گشت و گذار شدن ها از رگی به رگ دیگر و از سلولی به نفس دیگر راه یافتم ، نفسی مسیح هایی با نفس بیامیخت ، چشم در چشم خیره در جان هم غلتیدیم ، وقتی به خود آمدیم که خدا بودیم. روح زمان به درون من راه جست و خدا" من" را به کالبد و پیکر جهانی هدیه کرد. دستهایم را که نگاه کردم در میان پرده در ها گم گشتم ، خیره به جان خود ، سرگشته در پی خویش ، دست بر پا و زنجیراز تن گسسته از روی سایه خود پریده آنسوی پرده گام نهادم ، من نفس های خدا را به همراه داشتم و خود را آنسوی پرده یافتم و این سو " کوزه های شکسته" و پرچم های برافراشته دیدیم و به خود شوریدیم. بار دیگر بر سایه خود غلتیدم تا با زبان جسم با مردم سخن گویم. " من " از میان تن فریاد می زدم ، میان آسمان و زمین ، میان صدا و تصویر ، میان واژگان و نفس ها ، زنجیر ها کسستم و " انالحق" گویان بر دار شدم و به جان دل در صلیب ، خون به جان زمین بخشیدم تا نفسی کشم و از جان شما بار دیگر سر بر آورم. جان نا آرام "من" در آشیانه تن و سلول بی قرار می کرد ، نیاز تولد از جای جای پیکر زمان سرشار بود ، "تو" نمی توانستی بمانی ، "تو" می باید از رگ ها و سلول های زمان به رگ ها و سلول های جهان (مکان) راه می جستی ، هم آغوشی زمان و جهان از نیاز شدن های" تو" سخن می گفت ، "تو" بار دیگر از میان زمان و جهان سر بر آوردی . "تو" بار دیگر چشم باز کردی.

2:

سلول به سلول و لحظه به لحظه و جای جای "تو" باید چشم هوش و گوش باشد! پیشینیان تو همراه تو ، در کنار تو ، شانه به شانه - یا بیای تو و در نفس های تو نفس می کشند. تو رودر روی سایه ها و سیاه چال کیهان زخم خورده و اسیر به دنبال خویش هستی . وقتی روح خود را نقاشی کرده بر دیوار آویختی ویا آنرا در قالب پیکر های زمینی به نمایش گذاشتی ، یا او را در قالب واژگان سرودی و در میان صداها نواختی ، آن فرزند آفریدگان تو بود که در زمین چشم باز کرد ، شکوفا شد ، ولی این خانه و آشیانه تو نتوانست نفس بکشد ، تو آسمان را به زمین آوردی ، نفس را به رگها سپردی ، ولی آن کدامین رگ و سلول بود که به جان خود خیانت کرد و نفس را جاری نساخت؟! خون به جریان در نیامد و آسمان در آشیانه خود زندانی شد. روح زمان به جان جهان نپیوست و نفس های زندگی در حبس به رشد سرطانی تبدیل شدند و سیاه چال کیهانی و سایه های انسانی حجیم تر و بزرگتر شدند. روح جاری زمان با ناکارآمدی و بی خیانت "من زیاده خواه" یک سلول تبدیل به سرطان (تومور) و سیاه چال بلعنده شد و سایه ها زمان و جهان را تسخیر کردند و روح تعادل خواه و آزادی خوی حقیقی گرفتار سایه های (سرمایه و من ذهنی) خود شد.

از گفتمان آرمانی:

سخن از زبان من این جایی برای فهم و گفتگو و حصول به "من" و "تو"ی آن جایی :

پیش تر یوهانس و.ف.گوته(1749- 1832) (Johns Wolfgang von Goethe) به مثابه شهرتی که با آثارش بدست آورده بود- توجه من را به خود جلب کرده و ، بعدها که فرصتی پیش آمد تا بابرخی از آثار این هنرمند "فیلسوف" و دانشمند - چون تراژدی فاوست آشنایی پیدا کردم - و نام او عنوان و موضوع کاری شد که روی آن کار کرده و... ولی چرا گوته؟! بسا لها بعد (1995) خود را روی صحنه نمایش سطور از سروده های گوته از بخش دوم تراژدی فاوست به نام آریله سینه (aus Faust II) (Ariele Szene) یافتم ، در میان نمایش واژگان و جملات و حرکاتی که می بایست روح و جوهر مفاهیم را با تصاویر دریافتی (قانونمندی های حیاتی و حرکاتی میان حرکت و واژگان شدن و این ابتدای آشنایی

جهانی را بدون حضور انسان بیان و ترسیم نمود. قصه ها یا شرح رویدادها و وقایعی هستند که انسان آنها را تجربه می کند، یا در مورد مکان و زمانی است که انسان در آن حضور دارد و یا پیرامون شخصیت "باز خوانی" و ما به عنوان یک خواننده فقط نمی خوانیم بلکه ماهیت آدمیت می کنیم

از اینرو می توان گفت که داستان ها در انسان و جود دارند، انتظار می کشند و بوسیله حس های او بیدار و زنده می شوند و جهان پیرامون ما که از سه هستی مستقل، وقایع، مکان و انسان تشکیل شده است چیزی است که در یک واژه خلاصه می شود "واقعیت"

سخنی "وقایع، مکان و انسان" به بیانی دیگر نمی توان بی آنکه از پدیده های این تمامی آن چیزی است که در هستی بگوئیم. از جهان واقعیت صحبت کنیم زندگی ، "واقعیت" وجود داشته و انسان به هیچ روی قادر نیست بدون این جهان زمینی خویش، در یک مکان و زمان واقعی است که "تن" زیرا انسان با بکند وجود دارد و اگر ما در این جهان واقعی وجود نداشتیم، نمی توانستیم هیچ چیزی بدون وجود و حضور انسان، صحبت کردن از نظم یا بی در مورد آن بیان کنیم نظم یا بی نظمی، یک ویژه گی و . نظمی در جهان، بی معنی خواهد بود خصوصیت هستی نیست، بلکه انسان است که این نظم یا بی نظمی را در جهان خلق می کند

بنابراین میتوان یک قصه را، تصویری ثابت و منظم از جهان قلمداد کرده و آن و کرده هم آبی "وقایع، مکان و انسان" را نظم بخشیدن روانی به پدیده هایی چون این پدیده ها در چهار چوب یک قصه تعریف کرد

فضایی . آفرینش و خلق یک قصه، تلاش نویسنده در معنا بخشیدن به جهان است که راوی می گوید در این فضا، جهان خود را برای خواننده به نمایش گذاشته، و چنین نمایش و بیانی به هر . معرفی کند و یا خواننده را به دیدار آن دعوت کند شکلی که نشان داده شود، بیش از آنکه جهان واقعی را بر ما بنمایاند، جهان بیینی، درک و تجربه انسان را از خود و محیط پیرامون او نشان می دهد خویش وجود ندارد، کسی نیز یافت نمی شود که "تن" همانطور که انسان بدون در یک موقعیت واقعی نباشد

وقایع و رویدادهای زندگی بخش بزرگی از هستی بوده و همین وقایع هستند که ما آنها را در یک قصه، بیان و تصویر می کنیم و در اینجاست که پلات بوجود بدین معنی که پلات، مجموعه ای از وقایعی به هم پیوسته است که لازم . می آید تجارب ما از وقایع جهان واقعیت، انسان را قادر می . و ملزوم یکدیگر هستند سازد تا جریان وقایع را در یک قصه درک و دنبال کند و واقعیت جهان بر روی می شوند "تکرار" صفحات کاغذ

قصه انسانی که ظهور و . بنابراین این وقایع، بخش از قصه خود ما هستند حضور مستقلی در جهان است

است که او را ترک نمی کند و با این تن زمینی است که انسان وجود "تنی" تنی که ادراک، روان و حس های . داشته و دارای موقعیتی ویژه در جهان است او را در خود جای داده است

انسان، پدیده های جهان را در قصه، بازنمایی می کند و این انسان و ادراک اینکه آیا جهان می تواند فرم و شکل . اوست که به جهان فرم، شکل و معنا میدهد دیگری داشته باشد و یا اینکه چیزی دیگر بجز آنچه ما آنرا درک می کنیم هست . را نمی دانیم و هرگز نیز نخواهیم دانست ما قصه هستیم و قصه ها در ما



که او را با محیط زیستی او پیوند می دهد، ولی او را در پیوندی فیزیکی و فرا جسمی از آنها جدا و منحصر به فرد) *Individuum* (می کند) اینگونه دریافت های فلسفی در شرق و در عرفای ایرانی و عرب بعد از میلاد و در دوره سطره اعراب در ایران به چشم می خورد که به طرق مختلف از جمله بواسطه ترجمه هایی که به شکل ناقص از لاتین به عربی برگردان شده در اختیار عرفای ایرانی قرار می گیرد که تأثیری از اندیشه و فلسفه افلاطون در نوافلاطونیان و نفوذ آن در عرفای ایرانی و عربی است. ، اشاره ای به شعری از مولوی: " اطوار و منازل خلقت آدمی" از ابتدای دفتر چهارم مثنوی معنوی ، " آمده اول به اقلیم جماد ، وز جمادی در نیاتی اوقتاد" سالها ...)

نظام پیدای قانونمند پدیده های مادی ، صورت و یا به قول افلاطون "سایه" های حقایق غیر مادی و رای کالبد فیزیکی هستند که به باور رودلف اشتاینرین صورت غیرمادی از قانونمندی های ویژه خود برخوردارند. گوته جهان پیدای مادی را " محصول" و "ایده" ای می بیند که متولد شده و به جهان مادی پای گذاشته، یعنی حقایق نامحسوس که بوسیله ارگانهای گوناگون انسانی و به زعم اشتاینر از طریق جسم های اثیری و فوق اثیری *Atherleib, Ich, Astralleib, bewusste Seele* (که در ارتباطی ارگانیک و فیزیکی با ارگانهای کیهانی و فراکیهانی هستند- دریافت و زمینی و یا مادی شده اند. (البته ترسیم رودلف اشتاینر از جهان مادی و غیر مادی ترسیمی است به مراتب پیچیده و دشوار که او در کتب و نوشته هاو سخنرانی های متعدد آنتروپوزوفیک *Anthroposophie* بدان اشاره می کند). گوته با قرار دادن انسان در مقابل سرنوشت خود و خود دیگر او، گویی او را با سرنوشت "مختموش" تنها میگذاردولی از آنجاکه گوته "انسان" را دارای "سرنوشت ملکوتی" می داند از اینروست که در تراژدی فاوست در نهایت هم اوست (انسان در هیبت فاوست) که در مواجهه با نیروهای اهریمنی -) میفستو فلس *Mephisto Fels* ظاهر می شود- به دریافت حقیقت و در پی جبران خطا های خود و بعد از مرگ به روح متعالی می پیوندد. ترسیم گوته از انسان در تراژدی فاوست و قرار دادن اومقابل نیروهای اهریمنی در نقش میفستو، به گونه ای ترسیم این جهانی اونه تنها از انسان، بلکه نگاهی فلسفی و هنری است به انسان و مناسبات او و جهان سرشار از تمایلات و خواسته های فیزیکی که ارگانهای مادی این جهانی را متأثر می کنند. رودلف اشتاینر یکی از ویژگی های عصر کنونی را بر خوردای انسان از اراده و هوش آزاد می داند و بر این باور است که باید انسان اراده آزاد و آگاه خود را که در ارتباط ارگانیک فرافیزیکی با "من متعالی" است را شناخته ، تقویت کرده ویکار گیرد تااز تکرار شوم حقایق دیگرگون شده در امان بماند، او از ویژگی های دیگر عصر کنونی را ، رشد روز افزون فردگرایی یا *Egoismus* (می داند بر این باور است که این در نهایت خود انسان است که تصمیم می گیرد که با کدام سرنوشت خود پیوند برقرار کند و اشاره می کند که عصر کنونی عصر تسلط فردگرایی و بقول او "همه علیه هم" است.

تلاش نگارنده این سطور بر این است ، که تصویری مفاهیم و یا بیشتر رساننده تصاویر دریافتی که به شخصه با آن مواجه هست ، باشد، که البته این گفتار خودپرداز تصویرگر *individuale Ansicht* هم نتیجه تجربه شخصی *Empirisch*، هم جستجو، و هم ایده پیوندگر نهفته در حقایق بیرونی *objektive Wahrheit* است که نگارنده را به سوی چنین نگاهی سوق می دهد. و در ارتباط با این پیوند ارگانیکی و توأمآ فرجسمی است که من (نگارنده) به "باور" می رسم ، باور به "خود" (*Ich*) خود ترکیب شده و مجزا که به نام و یا نام "انسان"، "من" و یا "فرد" و "خود" است به پیکر و ارگان فیزیکی و فرافیزیکی سمت و سو می دهد. تعریف و باور من به "جزء" وجودی جدای از "کل" نیست ولی جزئی که در نقش "من" باورمند و خود یافته (*Individuum* اندیویدیوم (در مقام سکندار و "خدا"ی هستی است. " خودمتعالی" باکنش های احساسی ، فکری ، عملی (*Fühlen, Denken, Wollen*) در پیوندی ارگانیک و قانونمند با اجزاء "من مادی" یا "فیزیکی" است، سطوح دریافت ها و انگیزش ها به لحاظ پیشینه ها و دشواری های تاریخی و تعدد وقایع و... به گونه گونه گی گرابیده و "من" در این وادی ضمن بارور شدن، سرشار از کوله بار سوء "فهم" ها یا سایه "فهم" های واسطه ای است که در سیستم های اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی فرهنگی شکل گرفته شده و یا شکل داده شده. ارائه "من" بواسطه ساختار هاو سیستم های فکری "شکل داده شده" یا "خود انگیزش" با دشوار های یاده شده، وارد سیستم ارزشی و سطح دیگری از نظام ارزشی در علوم فراطبیعی می شود.

گفتمان "جستجو" و باور به "خود" !؟

حدود 399 سال پیش از میلاد سقراط - *Sokrates469(399)* (به دلیل

علمی و سیستمیک من شد با حقایق و رای صور "مادی" و "خیالی"، که انگیزه من را به کاوش جهت شناخت و شناسایی جهان بینی گوته بیشتر از پیش ساخت. - میان این واژگان چیست که گاه تورا ویرانه و گاه دیوانه ات می کند (؟) از جان جهان تو عبور می کند دانه دانه سلولهای تو فتح کرده به استخوانهای توحکم می کند، به آسمان برده اگر بخواهی از تن جدا و از زمین رهایت میکند و آن گاه پرده در پرده از دیده گان تو دریده می شود و جهان در دستهای تو وتو باجهان یکی می شوی.و این سر آغاز پیوستن به خویش است.

گوته در یافته بود که درورای هر واقعیت صوری و مادی، پیام و واقعیت دیگری است که نه تنها قابل کشف و دسترسی است، بلکه نیاز به تولد نیز می طلبد.

باورهای دیگر گونه او در عرصه پوشیده گی حقایق *Verborgene Wahrheit* (و توانایی انسانی به تجربه و کشف این حقایق - او را در مقابل و رود روی حتی دوستان نزدیکش چون شیلر قرار میداد. گوته اوقات خود را با مجادله سپری نمی کرد و بنظر میرسد که در جهان بینی و شخصیت او چنین مجادلاتی چندان جایی ندارد - او میداند که هر انسانی منحصر به فرد است و جهانی نه تنها متفاوت در خود که متغیر در خود نیز دارد- به زعم او این تفاوت و تحول جهان نگری گوناگون انسانها- خود را در اشکال گوناگون نشان میدهند و از قوانین مشخص متامورفوزیک (*Metamorphose*) و اشکال اولیه (

Urbild oder *Urbild* (*Urbild*) خود پیروی می کند. به باور گوته و با توجه به تحقیقات و پژوهش هایی که خود در زمینه تحول و دگرذیبی نباتات و حیوانات انجام می دهد به این نتیجه می رسد که فرم ها و اشکال صوری تابع قوانینی از رشد و دگرگونی هستند که در نهاد خود آن را به همراه دارند، او در پی و جستجوی سلسله های اشکال و فرم های پیدای تا ناپیدای صور وجود و درمکاتبه و هم فکری با فردریش شیلر *Friedrich Schiller 1759-1805* (و یوهان گودفریدهردر *Johan Gottfried Herder 1744-1803* ضمن توجه به افکار و اندیشه های آنها، نظر و اندیشه و یافته های خود را با آنها در میان می گذارد در این میان است که به "ایده" یا کشف دگر گونه گی و دگر ذیبی (

Metamorphose) پدیده ها میرسد. گوته اشکال پدیده ها را متامورفوزیک یا تغییر یافته و متحول شده اجزاء اولیه خود پدیده می دید که در پژوهش های زیست شناسی خود بدان دست یافته بود، او با پیگیری اجزاء پیوسته و دیگرگون صور یا فرم های ظاهری در پی یافتن و رسیدن به جزء یا فرم نخستین پدیده ها-

که در مورد خاص و شمایی (*Schema*) او نباتات بودند (*Urbild oder Urbild* oder *Urbild*) - به این تفکر و ایده علمی فلسفی - که قابل بسط به سایر زمینه ها بود- رسیده بود. نکته قابل توجه در اندیشه و فلسفه گوته نتیجه گیری ها و باورهای اوست، که به نظر میرسد بعد از این یافته ها او در سال 20.07.1794 - که در میان مکاتبات او با هررد (*Herder*) ، همچنین در دفتر یاداشتهای روزانه اش (1986) که در آن اشاره به صحبت هایی دارد که در طول اقامت خود در ایتالیا و شهر *Jena* (با *Palermo*) (با شیلر دارد ، می کند.

او در نامه ای به هررد می نویسد "... در حال نزدیک شدن و کشف و اقصیت نهفته ای است که در نهاد نباتی (*Urbild*) (و برانگیزاننده فرم و سیستم روئیندی هاست..." او تصویری از جزء موضوعی (*Objekt*) و از مدل نباتی میدهد که

در ارتباطی زنده و پویا در جهانی زاینده و دگرگون است (لازم به توضیح اینکه : 370 سال پیش از میلاد افلاطون *Plato* به نوعی با طرح مثال معروف خود تحت عنوان "تمثیل غار" *Höhlengleichnis* سعی در نزدیک کردن مردم به دیگرگونه دیدن و فهم و درک پدیده ها را از و رای محسوسات بیرونی که او آنها را سایه می نامید- کرده بود) مدل گوته از روئیندی ها به تصویری بی نهایت از جهان هستی که در ارتباطی ارگانیک و پیوسته - متحول و متغیر با جهان ماورایی است ، منجر می شود. در یاداشتی زیر عنوان "نتایج امیدوار کننده" این یافته او که به باور شیلر ایده (*Idee*) است نه "یافته" یا

"تجربه" (*Empirisch oder Erfahrung*) - همانطور که اشاره شد- با هررد (*Johan Gottfried Herder*) در میان گذاشته می شود. از میان نامه های گوته به سال 17.05.1787 به *Herder. J. G.* سراسر فلسفه و دریافت های گوته از جهان محسوس ناپیدای هستی در جای جای آثارش قابل مطالعه و موشکافی

است. رودلف اشتاینر (*Rudolf Steiner 1861-1925*) بعد از تحقیق و تفحص در یافته های گوته ضمن کشف خودویژه گی های زبان و نگرش گوته به جهان هستی با بهره گیری از هنر و زوایای نگاه او، جوهر داده ها در تصاویر و واژگانی او را بسط و توسعه می دهد. حکم محکومیت نهادی شده که در رویش و اشکال نباتی و حیوانی عمل می کند، در مورد انسان ضمن برخوردار از این دو جزء نهادی شده - برخوردار از اراده و خواست "من" آزاد مکتبی به خود وفرا

روئیده جسمی (*Ich bewusst sein Seele*) (میشود به زبان دیگر ، انسان ضمن حکم و محکومیت فیزیکی و فیزیولوژیکی تاریخی و اجتماعی ، از اراده آزاد نیز برخوردار است، اراده آزادی که با توجه به اشتراکات نباتی و حیوانی

"متعالی یا ملکوتی (gut) یا "بد" (شیطانی و ابلیسی böse) است، یا "عدالت" چه مفهومی دارد، ویا اینکه: آیا خدایی وجود دارد ویا آدمی دارای روح نامیرایی است و "هستی زندگی" (هدف و انگیزه زندگی) برای چیست. همچنین سئوالات گوناگون و متعدد دیگری در سطوح و عرصه های مختلف وجود دارند که علوم در مقام پاسخگویی آن نمی تواند باشد. بدین گونه به عنوان مثال، زیست شناسی به بررسی دنیای زیستی موجودات می پردازد، ولی نمی تواند در مقام تصمیم گیربر "هستی" یا نیستی آن شود. ویا سئوال اینکه: هستی بشر بر خوردار از چه حقوق و تکالیفی است و... "و هم چنین است در عرصه های دیگر علوم." در نهایت مشکلاتی هست که حدود اندیشه و فکر را متاثر می کند، سئوالهایی (گرهگاه) چون: آیا حقیقت وجودی دریافت های فردی واقعا (با توجه به بافت ها و حدود شکل گرفته اجتماعی، اقتصادی و... و تعریف داده شده و قوانین و...) با موجودیت خود عمل می کند. در چنین مواردی علوم گونه گونه در مانده از پاسخگویی است."

با توجه به مشکلات و دشواری های شکل گرفته در ارائه تصویر و تعریف انسان از خود و جهان، افلاطون فیلسوف بنام یونانی که بیش از 2000 سال پیش از میلاد می زیسته، با اشاره به محدودیت های حسی فیزیکی انسان یا ارگانهای بدن (ارگانهای شناخته شده معمول)، در شناسایی حقیقت، مثال معروف خود " تمثیل غار" (Höhlengleichnis) را می آورد... در صورت علاقه به منابعی ذیل مراجعه شود.

سئوال در گفتمان امروز غرب:

- تا چه اندازه گفتمان امروزی غرب در زمینه ایده آلیسم و ماتریالیسم که پیش روی جامعه غرب قرار دارد، به سوی تأمل یا در تأمل ویا تأمل است؟
- چگونگی حاکمیت دولتی و نظام آموزشی در تعریف و انتقال مفاهیم واژگانی و ایجاد سیستم فکری، عملی در کنترل و هدایت و...؟

سئوال و فرضیه های پیش رو در گفتمان امروز "ایران" ی:

« با توجه به بسط پذیری "من" به عنوان هویت و دگرگونی و تحول (Metamorphose) که برگرفته از دریافت های گوتته و توسعه آن توسط اشتاینر است، چه تعریفی از "من ایرانی" داده می شود(با در نظر گرفتن نظام حاکم)؟

منابع:

- جهان بینی گوتته/ از رودلف اشتاینر/ 1963 انتشارات ر. اشتاینر/ سوئیس
- دورناخ. (به زبان آلمانی)
- واقعیت و علم/ از رودلف اشتاینر/ 1958 انتشارات ر. اشتاینر/ سوئیس، دورناخ. (به زبان آلمانی)
- کیهان شناسی، الهیات و فلسفه/ // از رودلف اشتاینر/ 1979 انتشارات ر. اشتاینر/ سوئیس، دورناخ. (به زبان آلمانی)
- فاوست / ی. وگوتته
- wiki.anthroposophie.net
- de.wikipedia.org



تمکین نکردن" به خدایان آتن و "انحراف افکار عمومی" و خصوصاً، "جوانان" به مرگ محکوم شد، او بامیل و اراده خود جام شوکران را نوشید "خود" را از زندگی "تن" رها ساخت. شاکرد بنام او افلاطون (Plato 427- 347) سئکان زندگی و اندیشه های او را دریافت و بدست گرفت، و این کشتی اینک بعد از 2409 سال پیکر در پیکر، بازو در بازو و از تنی به تن دیگر، در اقیانوس پر تلاطم زمان همچنان در امواج به پیش می رود. هسته پویا و درخشان انسان صبورانه می رود و می آید، از میان پوست و گوشت، از میان رگها و سلولها و از میان استخوانها عبور می کند تا حقیقت خود را به نمایش گذارد، گاه در پیکر سقراط یا از زبان افلاطون یا برونو و دکارت و نیچه... زبان به سخن می گشاید خسته و فرسوده نمی شود. خدایان از بت ها به کلیساها و مساجد و معابد راه می یابند و این بار جام شوکران به صلیب آتشین تبدیل می شود جردانو برونو (Giordano Bruno 1548- 1600) از طرف کلیسا محکوم و در صلیب سوزانده می شود و در سوی دیگر دین "خلیفت الله" از مساجد و در جلد خلیفه و "صوفی" و... حکم به سنگسار و مثله حسین ابن منصور حلاج (857-922) را صادر می کند و شهاب الدین سهرودی(1153- 1191) با همان حکم در زندان جان می سپارد...

و غرب سالیان سال لازم داشت، تابا نیاز شدن، و جستجو برای یافتن و شناختن "خود" بیامیزد، خود را با خود رودرو کند، تا موفق به کشف بخشی از خود شود و در کنار تاریخ خود به نقد بخش دیگری از خود بپردازد و این گفتمان خودجو و خودپو با شناخت و شناسایی تاریخی "من دیگری" و اندیویدیوم و رسمیت یافتن حقوق فردی به شکل قانونی "به عنوان جهان متفاوت" وارد زندگی و مناسبات جامعه غرب می شود، غرب سکولاریزم را کشف میکند و بهایی گران برای پیدا کردن و کشف مفاهیم بنیادی چون "حقوق فردی" یا اندیویدیو آلیسم" و... می پردازد. ولی این تنها بخش کوچکی از این گفتمان است و بخش بزرگ و به نظر بنیادین، همچنان روی میز است، اندیشه و تفکر رسمی و حاکم و ناظری که خود با پذیرش جهان متضاد و متفاوت، در عمل و تنها، به سو و وجهه قابل رویت و مادی هستی بها می دهد و به رسمیت شناخته و آن را در عمل حاکم و ناظر بر مناسبات انسانی می کند، و چنین اندیشه ای هست که در غرب خود را در جای جای زندگی روزمره نشان می دهد که از طرف ارگان های رسمی شکل داده شده دولتی، با پشتوانه های مادی فراوان کنسرسیوم های گوناگون هدایت و پشتیبانی می شود. این اندیشه ناظر و حاکم یک سویه، ساختار و سیستم خود را شکل داده ضمن سکولاریزه (در شکل منفی) کردن و تعریف مفاهیمی که با ارکان های فکری ساختارش هم خوان است، همچنان تلاش در مسخ حقایق می کند که سینه به سینه و نسل به نسل بوسیله هنرمندان و فیلسوفانی چون داونچی، میکال آنژ، گوتته سقراط، افلاطون، و بوسیاری دیگر تا کنون سعی در نشان دادن و حفظ "هویت"، و "من" یت واقعی انسان را دارند. ولی باتوجه و با وجود تمام دشواری ها و پیچیده گی های جهان کنونی، یوهان گودلیب فیهته 1814-1762 (Johann Gottlieb Fichte) (بر این باور است که تعریف جهان و نوع نگاه و باور فلسفی انسان به "چگونه گی" یا "انگونه گی" و "دیگر گونه گی" او بسته گی دارد.

hängt...davon ab, was , was für eine Philosophie man wähle,, für ein Mensch ist " چگونه گی انتخاب فلسفه آدمی، به چه گونه گی او وابسته است." و رودلف اشتاینر (Rudolf Steiner 1861-1925) (با تصویر انسان و نیروهای متضاد کنشگر موجود، پروسه خود آگاهی و سکانداری "من" او را با وجود تمام دشواری های دگرگون شده مذکور، تنها به اراده آزاد و آگاه شده او (خودآگاهی) واگذر می کند. با این شرح و تصویر، و در پیوند و رابطه با گفتمان مذکور و سنت دیرینه فلاسفه قدیم در توضیح و تصویر از جهان و چیستی فلسفه و نگرش فلسفی در شناخت "خود" و "من"، همانطور که اشاره شد به انحاء گوناگون به کثرت آراء بر می خوریم، ولی این اندک در حقیقت تلاشی بود از زبانی دیگر و نگاهی متفاوت به فلسفه آلمانی (Philosophie der Idealismus) (و دنیای پیش رو (تعاریف مادی)، و بر این اساس با ارائه تعریف ویا تصویر داده شده اولیه از فلسفه برای رسیدن به سئوال های بدون پاسخ باز، که از طبیعت پرسشگر شنیفته، در پی یافتن و شدن و دگر دیسی آدمی مایه می گیرد، امید است فرصتی فراهم آید، تا این گفتمان، شاید فصلی دیگر و بهتر به خود بگیرد.

در پی یافتن تعریف و تصویری از "فلسفه" که من را مُجاب کند، به بخش آلمانی سایت اینترنتی "ویکی پدیا" برخوردم که به نظرم آمد تصویری متعادل و واقعی از فلسفه ارائه میدهد، برگردان آزاد بخش هایی از متن آلمانی: " سئوالات و مشکلاتی وجود دارند که با کمک علوم جاری نمی توان پاسخی به آنها داد (روی آن کار کرد). پرسشهایی چون، چه چیز "خوب" (به مفهوم فلسفی